د مصطفی عمرزی په زیار

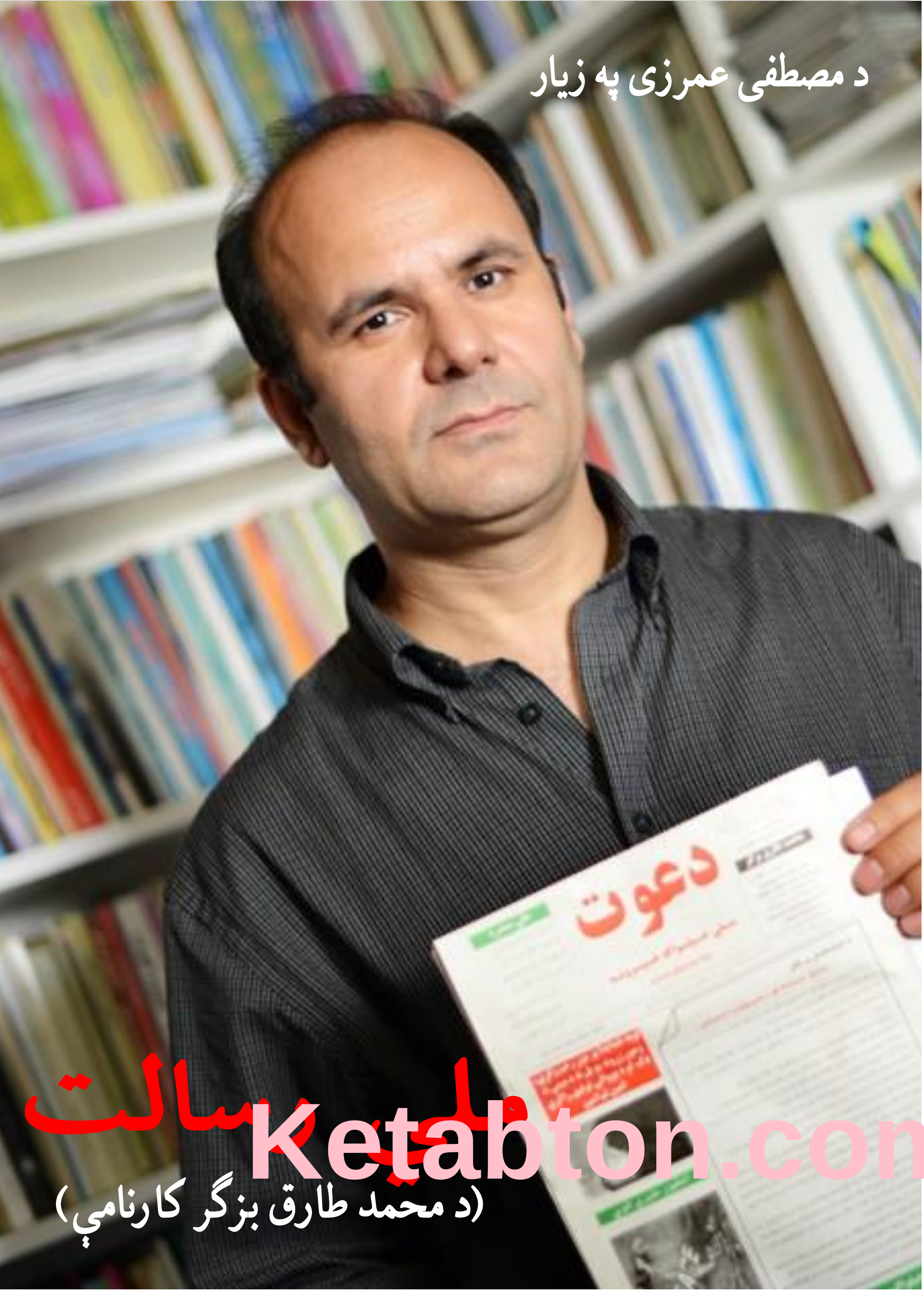

ملي رسالت

(د محمد طارق بزگر کارنامې)

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

د لوی خدای په نامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت نشریې د یو دیرشم کالیزې په ویاړ
به افتخار سی و یکمین سال نشریه ی دعوت

ملي رسالت/ رسالت ملی

(د محمد طارق بزگر کارنامې/ کارنامه ی محمد طارق بزگر)

د مصطفی عمرزی په زیار

2019/۱۳۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتاب پیژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی
راټولونه، تنظیم او بیاکتنه: مصطفی عمرزی
سمونه: م.ع-م.ط.ب
دیزاین: م.ع
ژبې: پشتو او دری افغانی
مخونه: 203
خپرونکې: م. ط. ب
د چاپ شمیره: لمړی
چاپځی: کی یف-اکراین
ټوکې: 1000
کال: 2019/۱۳۹۸
ISBN: 978-82-691395-3-2

د دې کتاب د چاپي، انلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

(c) ketabton.com: The Digital Library

په دی کتاب کې:

۱- رسالت ملی...1

لمړی څپرکی/ محمد طارق بزګر...5

۲- حبیب الله غمخور..5

۳- محمد نقیب تره خیل...21

۴- قدرت الله هیوادپال..24

۵- محمد سرور وکیلی...27

۶- امرالدین سرحد..28

۷- استاد کم باور کابلی..29

۸- پوهنمل رحمت ځواکمن..30

دویم څپرکی/ دعوت...32

۹- مصطفی عمرزی..32

۱۰- سراج الحق ببرک زی ځدراڼ...34

۱۱- کاندیدای اکادمیسین استاد محمد اعظم سیستانی..........................40

۱۲- عبدالغفار جُبیر..46

۱۳- قریب الرحمن سعید...48

۱۴- محمد آصف ننګ...51

۱۵- سردار ولی پشتون زوی..54

۱۶- شاهی سعادت...56

۱۷- استاد کاظم بیمار ننګرهاری...58

۱۸- شکریه بارکزی...60

۱۹- داکتر حضرت عمر زاخیلوال..61

۲۰- داکتر نبی مصداق..63

۲۱- محمد نقیب تره خیل...66

۲۲- ذاهد جلالی..68

۲۳- داکتر محمد نواب ویساند...70

۲۴- دکتور محمد عثمان روستار تره کی...73

۲۵- فهیم نظیمی...75

۲۶- بیکسیار..76

۲۷- داکتر جمشید سمون..79

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۸- اجمل روهی...83
۲۹- سرلوخ مرادزی..85
۳۰- دکتور استاد سید خلیل الله هاشمیان...............................87
۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکړ......................................89
۳۲- داکتر عبدالصمد حامد...93
۳۳- هلمند پردیس..95
۳۴- استاد صباح..97
۳۵- استاد ابوبکر ساپی..102
۳۶- محمد امین بسمل...103

دریم څپرکی/ پیغامونه..106

۳۷- ولي الله ملکزی..106
۳۸- استاد عمر پاڅون...108
۳۹-داکتر صلاح الدین سعیدی..109
۴۰- نجم شینواری...110
۴۱- عظیم الدین علیمی...111
۴۲- استاد صباح...112
۴۳- داکتر لطیف یاد...113
۴۴- عاشق فنا..114
۴۵- ف. هیرمند..115
۴۶- انجنیر فضل احمد افغان...117-116
٤٧- د ادیسی ادبی ټولنی پیغام...118
۴۸- نیک هدایت ځاځی...120
۴۹- محمد ایاز نوری..121
۵۰- استاد محمد اسمعیل یون...123
۵۱- د زلمو پاڅون ټولنه..126
۵۲- محمد یوسف هیواددوست..130

څلورم څپرکی/ د بزگر څیره..132

۵۳- در مستند نارویژی «پناهنده»...132
۵۴- در مطبوعات غربی...136

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی.................................148
۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.........150
۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن...................153
۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی..154
۵۹- ستایش نامه ها...155
پنځم څپرکی/ د دعوت نوستالژی...163
شپږم څپرکی/ د انځورونو البم..186
معرفی مصطفی عمرزی...200

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسالت ملی
(مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان های بی طرف بوده اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان ها را بسیج می کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله ای از آدرس ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می گفتند. در این میان، آدرس هایی که با دیگران/ بیگانه گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقایی عمل می کردند که آرامش خاطر را در کنار روس ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان هایی را می گرفتند که دنبال تفهیم مسئله ی ملی می شدند.
رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می آمدند، در دستان بسته ی شاه مرحوم، ریسمان هایی را می دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه ای از تکفیر شمرده می شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه های غربی و شرقی تمویل می شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، ممثل منافع شوروی بود و جهاد افغان ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان پابرجا که مسئله ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان ها را متحد می کرد که در هجرت می زیستند.
نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحیَد بودند. تورق تاریخ آن روز ها خلاف برداشت های چپی و راستی، محرز می کند محرکه گیریان تنازع، مُهره های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهر ها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه ی جنگ، صلح کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آیینه ای متصور بـود کـه خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزگر، بخشی از علایق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست کـه در دیـار هجـرت، در پشـت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یـاد افغانسـتان مـی انداختنـد. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.

تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادنـد و در سـوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سـعی ای بـود کـه در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.

تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربـانی، منـافع و مصـالح ملـی، قربـانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چنـد منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.

امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنـا بـر ایـن، روشـنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پـی آمـد تجـاوز شـوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایثـار بیشتر می کشاندند.

کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربـه در انظـار بزرگـانی کـه ایـن جریان(دعوت محمد طارق بزگر) را بهتر از من می شـناختند، بـه نقـاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی مـی کـردم از منظر احاطه ی من بـه تـاریخ، بخشـی از رسـالت ملـی یـک افغـان را تاریخی کند، اهمیت دارد.

راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک تـرین هـا (به لحاظ سن) تا بزرگ تر ها (به لحاظ دانـایی) مسـتندی از زنـده گـی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیسـتند. بخشـی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شـاهد بـودم، ضـم مهـم اسـت؛ پشـت جبهـه ای کـه از پاکستان تا فراسوی مرز ها، افغان هـای دردمنـد را در سـوگ وطـن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد مـی آورد تـا در فـراق کاشـانه عـزا

(c) ketabton.com: The Digital Library

بگیرند، اما یاد شان نرود سرنوشت مملکت در گرو افکاری ست که یکی با دعوت دیگری از زنگاره های باد و بوران تاریخ می زدودند.
تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت دیگران، صورت حال صفای افغان هاست. در این کوشش در هجرت سعی می کردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.
روایت سیاسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ویژه افغان های مهاجر بود، اما ویژه گی بسیاری آن ها با ترسیم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دایم حرف می زد.
محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هایی که به مناسبت های دعوت، پیرامون او و نشریه اش نوشته اند، حضور محسوس تاریخی دارد. بر این اساس ترجیح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم که بسیاری در شمار افغان های مهاجر، خیلی بهتر از برداشت من از کارنامه ی او می دانند: قیمت سال ها ایثار و دردسر فرهنگی در دیار هجرت، چه قدر است؟
راویان کتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح کرده اند. کار من در این اثر، بیشتر تنظیم نقش ها، نگاره ها و نوشته هایی بود که گزیده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمین آبایی و اجدادی نیز شمرده می شوند.
آشنایان دعوت و دوستان بزگر با شرح ماوقع بخشی از گذشته ی ایثار یک فرزند باوجدان این کشور، راه گشایند تا در این مثال، بازخوانی تاریخ غیر سیاسی افغان ها هم که رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهیم کند: نیاز به گردآوری و تنظیم تاریخی داریم که در برگ های زمان هجرت در هر جا که قدوم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.
در این کتاب، گزیده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشایند تا از عواطف، درک و احساسات ملت که در حاکمیت های کمونیستی، تنظیم و ملایی، اما حق حیات ما را فراموش نکرده بودند، به پیام هایی ملحق شوند که از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سیاسی، زیر فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزگر می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیاز ها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدا، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شوونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزگر، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محور ها (امثال دعوت و بزگر) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی

۱۱/ ۸ / ۱۳۹۷ش

آپارتمان های مارکیت ملی

کابل- افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

لمړی څپرکی:
محمد طارق بزګر

د محمد طارق بزګر د دعوت جریدې
او ویب پاڼې مسوول مدیر لنډ ژوندلیک

حبیب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې شکلي شعر په لوړېنې سره زموږ د دې ځوان او هڅاند فرهنګي شخصیت، لیکوال، او ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر لنډه پېژنده پیلوم.

د وطن د شرف سپریم نه وېرېږم
که د تورو ګذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوړي کولې دې وي د نورو
د وطن د فاع کښې زه ګولۍ د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم

د ښاغلي محمد طارق بزګر زموږ تکړه لیکوال او فرهنګی څېرې **۲۳** کلن فرهنګی او ولسي چوپړ یادغونډې ته ئي ډالۍ کوم.

د پیل خبري:

درانه لوستونکي خبر دی چې د سویډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کې زموږ دځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولنې)) لخوا د ځوان فرهنګي څېرې د علمی او فرهنګی چوپړ د درنښت په ویاړ د روان کال د دسمبر پر لسمه یوه درنه غونډه رابللې ده.

یا خو ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب ځوانه فرهنګی څېره ده او یا خو لا موږ تر اوسه دې کچې ته نه یو رسېدلي چې د خپلو شخصیتونو ژوندلیک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنګی دوست د پېژندلیک د مانۍ ډبره کښېږدم.

پدې پوره باور لرم چې د بزګر صاحب ژوندلیک به تر دې چې ما لیکلئ څو ځله اوږد او لوستل به ئي زموږ ځوان نسل ته ګټور وي. سره

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دې چې د ښاغلي طارق بزګر صاحب د کار او فرهنګي چوپړ سره به ډېر هیوادوال اشنایي ولري، خو د دې لیکنې نه زما موخه داده چې له یوې خوا مې د هغه زیار او زحمت ستاینه کړې وي او د بلې خوا مې لږ او ډېر د دې درونډ شخصیت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سویډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنګي ګټورو کارونو چې موخه ئې له یوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پیوند کې روزلو اړتیا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو یو شمیر هیوادوالو ملاتړ مې سم دواره احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنګي کارونو او پدې برخه کښې د ګټورو ګامونو پورته کولو ته زیاته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پایله کښې پر دې بریالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړي ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سیاسي او ادبي شخصیت ارواښاد ګل پاچا الفت په ویاړ نړیوال علمي سمینار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمینارکښې د ډېرو فرهنګي، علمي او سیاسي شخصیتونو تر څنګ د دې منلي او هڅاند فرهنګي شخصیت سره معرفي شوم. زموږ دوستی او د ګران هیواد افغانستان لپاره ګډه فرهنګي همکاري او هڅې تر نن ورځې پورې دوام لري.

دا چې په سویډن کښې د ژوندو فرهنګیانو، ادیبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاینې او هڅونې، د ملي او وطني چوپړ د درناوي او ارزونې په ویاړ یو په بل پسې درنې غونډې جوړېږي، زما او ټولوافغانانو لپاره د ویاړ ځاي دی.

دې ټکي ته مې پدې خاطر ګوته ونیوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنګه چې اړینه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعنې بڼه لري په موږ افغانانو کې د خپلو ژوندیو څه قدر نسته. کله چې خداي نخواسته مړ سي، یوه نیمه ورځ ئې ویر وکړو او بیا د ابد لپاره رانه هیر سي. هغه د محترم ننګیال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو.))

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دې ناخوالو سره پدې وروستۍ لسیزه کښې د ځوانو فرهنګیانو او روڼ اندو په هڅو او تلاښونو د فرهنګي ټولنو په مټ معقوله مبارزه روانـه ده. د همـدې مـلي او معقولـو تلاښـونو پـه پایلـه کښـې دا دي اوس د دې پروسې شاهدان، یو چې نه یوازي له هیواد نه بهر بلکـې د داسي سـتاین غونډو لمن تر افغانستان پوري هم غزیدلې ده.

اوس د ژوندیو لیکوالو، ادیبـانو، شـاعرانو، ژورنالیسـتانو او فرهنګیـانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کیږي او د هغوئ د ستاینې په موخه علمـي او ادبي درنې غونډې جوړیږي او د همدې غونډو د جوړېدو په درشل کښې زموږ د ټولنې د ژوندیو ویاړونو ستاینه کیـږي او هغـوئ نـور هـم علمي او ادبي چوپړ ته هڅول کیږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه یوازي فرهنګـي شخصـیت دی بلکې یو کارنده ژورنالست او تکړه لیکوال هم دی. د دعـوت جریـدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم لیکـل سـوی، چـې د ده د پوهي او وطني مینې ښکارندویه بېلګه ئې ګڼلای سو.

ښاغلی محمدطارق بزګر نه یوازي د بیلابیلو مقالو په لیکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ایـزو رسـنیو پـه أسـمان کښې د دعوت په نوم جریدې د خپرولو شـمع روښـانه سـاتلې ده او لـه دې لارې ئي نـه یـوازي دا چـې د خپلـو لیکوالـو او سـیاسي څېړونکـو نظریات تر هیوادوالو او نړیوالو رسولي، دا دي اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جریدې د نـشرېدو تـر څنـګ دعـوت ویـب پاڼـه پرانیستې او له دې لاري هم د افغانستان او نړۍ پـه ګـوټ ګـوټ کښـې افغان لیکوالو ته د خپلو نظریاتو، علمي او ادبي لیکنـو د نـشـــر پـوره امکانات برابر کړي دي.

ماته رامعلومه ده چې په بهر کې د یوې چاپي رسنۍ د کـار پـرمخ بېـول څومره ستونزمن کار دی، خو ویـاړ ئي پـدې کښـې دی چـې د همـدې رسنۍ په مټ لیکوال او ولس یو د بـل پـه حـال خبرېږي. ماتـه د بزګـر صاحب هڅې او تلاښـونه لـه نـږدې معلـوم دي او د ده د دې فرهنګـی چوپړ په ملي ارزښت پوهیږم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پر ټنده ليکل سوی چې مياشتنی خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووايم چې په دعوت کې خپاره شوی مطالب دومره عالي او بډاي وي چې په يوه او دوو مياشتو کې نه زړېږي.
زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هيواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، نېکې مشورې او معلومات ترلاسه کړل شي.
زه نه غواړم پدې ليکنه کښې چې د بزگر صاحب ژوندليک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جريدې پر فعاليت او ملي ادبي ارزښت باندې ډېرې خبرې وليکم. دومره غواړم څرگنده کړم چې دعوت اوس يوازې داسې خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبياتو په پياوړتيا کښې وياړلئ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستې د افغانستان د سياسي، اقتصادي، فرهنگي او ټولنيزو پېښو د څو کلن تاريخ په کتابتون او أرشيف او د ورځنيو مسائيلو په اړوند د افغان ولس د نظرياتو او عقايدو د انعکاس په ډگر بدل سوئ دی.
طارق صاحب د ليکوالۍ او فرهنگی چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنگ د افغانستان د سياسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکی په توگه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي گټو او هيوادوالو د هوسا او بسيا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنگی ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلاښونه کړې دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ ځکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپايي هيوادو کښې جوړ سوی، فعاله برخه اخيستې؛ په کومو کې چې د گډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هيوادو کې د فرهنگی ټولنو په نوښت علمی او څېړنيزو کنفرانسونو، سمينارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخيستنې ده. دا خو لا پرېږده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرگردانيو سره د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د خپرېدو تر څنگ دا دی اوس د يوه پښتو ژبې تلوېزيونی چينل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه ستړې کېدونکی تلاښونه کوي.
زه محمدطارق صاحب ته پدې وطنی او ملي فرهنگی چوپړ کښې د لازياتو برياو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمځی رانغاړم او غواړم درنو

(c) ketabton.com: The Digital Library

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښې د دوي دغه فرهنګی چوپړ دبڼ د مالیار، تکړه لیکوال او ژورنالست وروپېژنم.
زېږېدنه، یا دې نړۍ ته سترګې غړول:
د پښتو ژبې دغه پېژندل سوي څیره او ژورنالیست محمد طارق بزګر لـه نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نـړۍ تـه پـه ۱۳۴۵لمریـز کـال د کنړ ولایت د نرنګ ولسوالۍ اوسېدونکی ارواښاد عبدالقیوم بزګـر پـه یـوه منوره او متدینه کورنۍ کښې دنیا ته سترګې غړولي دي.
ارواښاد عبدالقیوم بزګـر د کابـل پوهنتـون د حقوقـو او سیاسي علومـو پوهنځی نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شـاه او داوودخـان پـه رژیمونـو کښې مختلفې دولتي دندو په کار ګمارل سوئ دي او هغه ئـې پـه پـوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولي دي.
ښاغلي طارق بزګر لومړنۍ او منځنۍ زده کړې د کابل ښـار پـه مختلفـو ښوونځیو کښې سرتـه رسـولي دي. نومـوړی لا د کابـل ښـار د نـادریې لیسې پـه یولسـم ټـولګۍ کښـې پـه زده کـړې مصرـوف و چـې دی پـر افغانستان د شوروي اتحاد د یرغل په وړانـدې د مخالفـت لـه مخـې پـه ۱۹۸۰ کې له کابل نه د پېښور په لور هیواد پرېښېدو تـه مجبـور سـو؛ پـه داسې حال کې چې کورنۍ لا په کابل کې اوسیده.
د نوموړی په وینا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کـړو سپارښـتنه او هڅول کیده، څکه خوئې عالي تحصیلات د پېښور په اسلامیه کـالج او د پېښور پوهنتون نه په سیاسي علومو او اسلامیاتو په برخه کښې عالي او مسلکي تحصیلات په برې پاي ته ورسول.
په کوزه پښتونخوا کښې تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کـال د یوازې د ناروی هیواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چـې په ناروی کښې ئې د ښاغلی طارق بزګر په اړه لرم دلته ئې هـم د نـاروي دلوړو تحصیلاتو په موسسه کښـې (Bodø High School Norway) انترنیتی ژورنالیزم ولوست او تر هغه وروسـته ئې دکـانبرن (Canburne University) په پوهنتون کې د ژورنالیزم په برخه کښې تحصیل کـړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایی چې تر څو ژوندی وی زه بـه تـل یو زده کوونکی یم.
لیکوالي او فرهنګی چوپړ:

(c) ketabton.com: The Digital Library

بزگر صاحب وايي لمړی ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرايطو کښې د مقالوپه ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پوري د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کښي په پښتو، دری، اردو او عربی ژبو خپرې شوي دي. طبيعی ده چي تر اوسه ئي له نېکه مرغه د قلم رنګ نه دئ وچ سوی او ګوتې ئې د قلم شوروولو او ماغزه يې د تحليل او مسائيلو د څېړلو پوره او غښتلئ توان لري. پر دې خداي ورکړي استعداد دې نور هم برکت وي.

د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نسواى ماتولاى. همدا دليل وو چې پس له ډېر زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپی رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپروني چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پوري کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو ګڼو کښې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پوري رسېږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبې سره مينې او محبت د د ې ټاټوبې اوسېدونکو ته د انساني چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکې ټولنې د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنګی رښتياني او ګټور چوپړ دعوت ورکړی. دې خپرونې هيڅ کله خپل نظر او عقيده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنګی بهير پر مينه والو نده تپلې، بلکې د خپل نظر د څرګندولو تر څنګ ئې تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنګی او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پوري رسولي دي.

دعوت خپروني او دعوت ويبپاڼه کښې د ورلېږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسوولیت د محمدطارق بزګر پر غاړه دی، خو په دعوت جريده اودعوت ويبپاڼه کښې د نظرياتوخپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د عوت قلمی همکار دنده او مسئوليت دی. اړينه ئې بولم څرګنده کړم چې د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انګليسي اوناروېږي ژبو ليکنې خپروي.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزونې په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارګانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پېرزوينو څو ټکی د بېلګې په توګه

(c) ketabton.com: The Digital Library

را اخلم، تر څو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارګانو او خپله ښاغلی بزګر صاحب د ژورنالستیک او فرهنګی خدمت د ارزښت او رول په هکله تر یوه بریده معلومات پیدا کړي.

ښاغلی ډاکټرصاحب نبي مصداق لیکي:

تاسو د ډیرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښي ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نیک نوم وګټلو. اوس چې هماغې جریدې تر څنګ ډیر اصلاح شوی او ښایسته ویب پاڼه هم پر مخ بیایې ډیر د خوشالي او افتخار ځای دی. ځکه مونږ دا دی درې لسیزې کیږي چې د نړۍ په هر ګوټ کې خواره شوی یؤ. دعوت جریدې ته د انتظار پر ځای، د ویب پاڼې له لارې د افغانستان په پېښو هره ورځ خبریږو.

زموږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وايي:

نشریهء دعوت به مثابهء یک نشریهء ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهایت مفید و ارزنده ای را انجام داده است.

تکړه لیکوال او ژباړونکي رحمت آریا صاحب د استاد صباح سره همغږي لري لیکي:

دعوت د خپلې ناپېلې او بې پرې تګلارې پر بنسټ د افغاني- پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستړي کېدونکو هلو ځلو له لارې پیاوړې لاس ته راوړنې لري او ویاړ یې د افغانانو د ټولنیزو فرهنګي بنسټونو پرځلانده تندي د ځلانده ستوري په توګه ځلیږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانګړې توګه د افغانستان ناورین ځپلي ټولنه چې د ټولنیز ژوند هرګوټ یې د درو تېرو لسېزو خونړیو جګړو په ترڅ کې په ژورو ګړنګونو اوښتی دی.

جګړې نه یوازې زموږ مادي شتمنۍ لوټ کړې، بلکه زموږ معنوي ارزښتونه یې را دړې وړې کړل. نیواکګرو او ښکېلاکګرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهؤ خو د ډیرې خواشینۍ ځای دا دی چې دغه نړونه نه یوازې پردیو وکړه، بلکه یو شمیر ککړو افغان لاسونو هم پردیو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تیل ور توی کړل چې ان پردې په خپله ورته هک پک پاتې شول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرگوره! د دعوت ويبپاڼه يوه له هغو رغښتګرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې ورانۍ په بيا جوړونه کې شپه او ورځ نوښتګرې خولې تويوي.

په وروستيو وختونو کې د دعوت ويبپاڼې انځوريزه مخښه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخښې په پرتله يې لا ښکلا ومونده.

کانديداى اکادميسين او تاريخ پوه محمداعظم سيستانى صاحب هم د دعوت ستاينه کوي وايي:

دعوت با چاپ، نشر و توزيع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگی خود را در جهت آگاهی دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترین تحولات اجتماعی و سیاسی متعلق به کشور جنگ زدهء افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائی که من می بینم، این رسالت را به نحو تحسین برانگیزی ایفا کرده و می کند.

ښاغلی پوهاند دوکتور مجاوراحمدزيار صاحب د دعوت دشلمې کاليزي په مناسبت خپل ليږل سوی پيغام کښې ليکي:

زه پر خپل وار د دغې ټولمنلي مهالنۍ شلمه کاليزه ګران او هڅاند رسنوال دوست محمد طارق بزګر ته نيکمرغه او ښه وايم. ټولمنلتيايې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکوکې نغښتې چې يوخوايې د درو خپرنيو (پښتو، پارسي او انګليسي) ژبو په کارونه د قلمي همکارانو او لوستونکو کړۍ ښه ترا غځولې او بل يې له ټولو رسنيزو اړونو سره سم هرې اندپوهې او ليدتوګې ته خپله غېږ تل پرانېستې پرې اېښې ده. په دې توګه يې د هغو لنډ اندو بنستپالو او بېلتونپالو د بېځايه نيوکو پلمه له منځه وړې چې ګڼ تاريخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سياسي، اندپوهيزو او ژبتوکميزو او بيا د بهرنيو بادارانو له ګټو وټو ځاروي.

د ژوند په داسي ناخوالو کې يې ډير کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دريغه ميني او محبت په احساس سره دا دي شل کړه.

مطبوعاتي کار او ديوې ملي خپروني پرمخ بيول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسي وينو لړلی، لړزانده او د رنګونو په بازار

(c) ketabton.com: The Digital Library

کې د زړه خوږ غواړي چې څوک دي شل کاله ور باندي ووهي او ځان ته لوی ویاړ تر لاسه کړي.

زموږ پیاوړی لیکوال په استرالیاکې مېشت افغان ښاغلي هدایت الله هدایت صاحب، خپله ارزونه پدې ښه زموږ او تاسو سره شریکوي:

محترم بزګر صاحب!

تازه ستاسو د دعوت ویبپاڼه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او بډایه سوې او په افغاني حلقو کې یوه مطرح او درنه پاڼه ګرځېدلې ده.

تاسو ګران د دعوت په خپرونو کې د بیان و آزادی او وطني رسالت ته مو ښه پوره میدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالني استازیتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو ګران یې و ورځنیو ملي غوښتنو او پښتنو ته کوی او هغه واقعیتونه چې تاسویې په دعوت کې منعکسوی، نو ستاسو پاڼه یې د زیات قدر وړ ګرځولې ده.

د کابل پوهنتون استاد کاظم بیمار صاحب لیکي:

د دعوت جریده او بریښنا پاڼه د تاسیس د ورځې څخه بیا تر نن پورې د ګران هیواد افغانستان او هیوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه لیار کې مخ په وړاندي روانه ده او د حقایقو په نشر-او خپرولو کې یې هیڅ وخت دریغ نه دی کړی او د هیچا او هیڅ قدرت تر تاثیر لاندې نده تللي او هیڅکله یې ځان په ژبني، قبیلوي، مذهبي او سمتي تعصبونو او تبعیضونو ندی ککړ کړی.

دعوت، بیطرفه جریده او بریښنا پاڼه ده؛ مګر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هیواد د ملي مصالحو او د وطن د تمامیت مسوولیت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسیدلو لپاره یې تل ملي څیرې او ملي مبارز شخصیتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي ګټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.

له امریکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بیا وایي:

دعوت رښتیا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړیکه وه او ده چیرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنګان وي.

د افغانستان له پلازمېنې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزان صاحب لیکي:

(c) ketabton.com: The Digital Library

د پښتو په رسنیز بهیر کی دعوت ځانګړی ځای لري. ښایی د اوسنیو ټولو پښتو خپرونو او خپرنیزو بنسټونو سرلاری یی وګڼو. زه د زړه له تله خوښ یم چې زموږ فرهنګي او قلمی ملګـري پـه دی توانیـدلی چـي د خپلی ژبی لپاره یی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لاییی هم ورتـه ملا تړلي چې تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي.

ښاغلی عمر پاڅون لیکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهیسې په اړیکه کې یم. دعوت د لاس په لیکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډیر زر یې ټایپ ته لار ومیندله چې په ډیر لنډ وخت کې کمپیوټر ته ننوت چې چاپي جریدې سره یې یـوه د دعوت ویبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت یوه جریده نه بلکه یوه میډیا ده چې نن په زرګونو لوستونکي لري.

دعوت نه یواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکـه بهرنیـانو تـه هـم پـه انګلیسي او نارویژي ژبو په زړه پورې لیکنې وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډیر بهرنی لوستونکی او لیکونکی لری.

انجنیـر فضـل احمـد افغـان لـه کانـاډا نـه پـدې هکلـه خپـل نظـر د لوستونکوسره پدې ډول شریکوي:

زه ویاړم چه د دعوت د ویبپاڼی سره اړیکې لرم او ښـی زده کـړی ورنـه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځـی مـو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دیـن، سـولې، آزادۍ او اسـتقلال لـه پـاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسـی نور بری غواړم.

محمد ایاز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنیر فضل احمد افغان دخـبرو پخلی کوي وایي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت پـه ویلـو اسـتوار وو او دي. قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کلـه چـې یـوه رسـنۍ د یـوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزګر صاحب لـه خـوا اداره کیږي، معلومه ده چې هلته ملي خاین ور نشي ورټکولای.

د دعوت جریدې او دعوت ویبپـاڼې د ارزونـې کـړدۍ لمځـۍ د ګـران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صـالح پـدې ټکـو رانغـاړم چـې

(c) ketabton.com: The Digital Library

وايي: بزګرصاحب! دعوت شل کړه. هغه وړانـدي ليکـي، دعـوت هغـه خپرونه ده چي په تېرو دوو لسيزو کي يي د افغان ولس ملګرتيا کړې او که نورو دې ولس ته ټوپک او ټانـک ډالـۍ کـړي دي، خپرونـې ورتـه پوهـه، مينـه او وروروليي ورکـړې ده. د نېکمرغـۍ ځـای دی چـي دې خپرونې دوې لسيزې عمر وکړ. ډېرې خپرونې خو داسې دي چي تر يو څو ګڼو وروسته يې بيا څرک نه لګېږي، خو دعوت بربښـنايي نـړۍ تـه هم لار خلاصه کړه او د نړۍ هر ګوټ ته يې ځان ورساوه، چـې پـه دې برخه کې د ښاغلي محمد طارق بزګر هڅې د ستاينې وړ دي؛ چـې پـه دومره بوخت ژونـد کـې يـې شـپه او ورځ پـر ځـان يـوه کـړې او دغـې خپرونې ته يې ژوند ورکړی.

غواړم دا خبره وکړم چي ماد دعوت جريدې او ويبپاڼې په اړوند د ځينو پوهانو نظرياتو ته يوه ځغلنده کتنه پدې خاطر وکـړه چـې دغـه نظرونـه پخپله د ښاغلي طارق بزګر د لنډ ژوند اوږد داستان بيـانوي، پـه لوسـتلو ئې لوستونکی ته له ورايه څرګندېږي چي ولـې مـوږ د ده قـدر کـوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولوچې د خپلو فرهنګيـانو، اديبـانو، پوهـانو او عالمانو په نظرياتو او هڅو ځان خبر کړي.

په علمی غونډو او سيمينارونو کې برخه اخيستل:

لکه څرنګه چـې د ليکنـې پـه پيـل کښـې مـې اشـاره ورتـه وکـړه، بزګـر صاحب پر هغو کنفرانسونو او غونډو سربېره چې په اروپـايي هيـوادو او امريکا کښې د افغاني فرهنګی ټولنو په نوښت جوړې سوې په يوشـمير نورو هغـو نړيوالـو کنفرانسـونو کښـې هـم برخـه اخيسـتې؛ کـوم چـې د دولتونو او نړيوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلګې په توګه:

۱/ د ۲۰۰۶ کال د اپريل پر ۲۵ او۲۶ د ((اکو سيستم د بوټو څخـه ونـه د ساينس نظر او چلنجونه او د اکو سيستم او د غربـت مخنيـوی)) ترنامـه لاندې د ملګروملتو د سازمان لخوا علمي کنفرانس او ورکشـاپ چـې د ډنمـارک هيـواد د کوپنهـاګن پـه ښـارکې د دې هيـواد د بهرنيـو چـارو وزارت په مټ جوړ سوی وو.

۲/ د ۲۰۰۷ کال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمـې پـورې د قـانون اينښـودونکو ټولنـو لـه خـوا د G8 (۸ سـتر صـنعتی هيوادونـه) اجنـډا د

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګلونو په نه وهلو سره د ګازونو د تولید کمولو اجندا ترنامـه لانـدي د برلین په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونډسداګ) کې.
۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهایم ښار کې د ملګرو ملتونو لخوا کنفرانس ((پـه نـړۍ کـې ټـول ژوندي موجودات او په ځانګړې توګه د هغوی ژوند کول او اوسېدل)) (۲۰۱۰ او تر هغـه وروسـته). پـه دې کنفـرانس کښـې د ۸۰ هیوادونـو د چاپیریال ساتنې لوړپوړو چارواکو برخه درلوده.
۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په ګدانسک ښارکې د میډیا ۲۴ لخوا چې مرکز یې په سویس کې دی، د فنلند هیواد د بهرنیـو چـارو وزارت پـه مـالي مرسـته د ((د اوبـو د بیځایـه مصرف مخنیوي)) ترنامـه لانـدي ورکشـاپ او کـانفرانس چـې د ۱۷ هیوادونـو ژورنالسـتان وربلـل شـوی وو او د ژورنالسـتانو د شخصـې روزنـې او معلوماتو له پاره جوړشوی وو.
۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نیټې پورې د ملګروملتو او د ناروې د حکومت له لورې د ((ټولو ژوندي موجوداتـو سـاتنه او د دوامـدارې پرمختیا له پاره کارکول)) تر نامه لاندي د نـاروې هیـواد ترونـدهایم پـه ښار کې علمي کنفرانس.
د دې پورته یادو شویو کنفرانسونو تر څنګ په ډېرو افغاني غونډو کـې چې په امریکا، انګلستان، جرمني، نـاروې، سـویډن او نوروهیـوادو کـې جوړې سوي، فعاله برخه اخیستې ده.
د بزګرصاحب سره نړیوالو راډیوګانو لکه بی بـی سـی پښـتو او فارسـی، امریکا غږ پښتو او دری، ازادی رادیو، د فرانسې نړیوالـه راډیـو فارسـی، المان غږ دویچـې ویلـې پښـتو رادیـو سره پـه سـلګونو سـیاسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزګر صـاحب سره د افغانسـتان د ورځنیـو سیاسي، پوځی حالاتو په اړوند ډېـرې مرکـې سـوي چـې پـه نـارویژي اخبـارونو، راډیـو او تلویزیونونـو برسـیره پـه یـو شـمیر افغـاني مجلـو، اخبارونو او ویبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوی دی.
د ښاغلی محمد طارق بزګر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انګلیسي، نارویژي باندي پـوره پـوهیږي؛ خـود دې ژبـو ترڅنـګ یـوه اندازه په عربي ژبه هم پوهیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو پـه اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، دری، اردو، انګلیس او ناروېژي ژبو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزګر صاحب وايي د کتابونو ټولولوسره له ډېر پخوا مينه او علاقه لري. همدا ډول پـه زرګونو انځورونو، ويډيوئې کسټونو، سی ډي او کسټونو چې پـه ټولوکښې د افغانستان پـه اړونـد معلومات راټـول سـوی د بزګرصـاحب د کـورنۍ کتابتون يوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنګي فعاليتونو په څنګ کې پر څو کتابونو کـار کـوي چې ځيني يې تقريباً بشپړ او يو شمير به ئې وروسته د چاپ جوګه شي.

د بېلګې په توګه:

۱/ ناروېژی پښتو ډيکشنری چې تـر اوسه((۲۵۰۰۰)) لغتونه پکښې راغونډ شوی دی.

۲/ پښتو ((۱۰۰۰)) لنډۍ د انګليسي له ژباړې او تشريح سره.

۳/ پښتو ((۱۰۰۰)) متلونه د انګليسي له ژباړې سره.

۴/ د دعوت د خپروشوو ليکنو او مرکو کتابونه د کلکسيون په بڼه.

دولتی دندې:

بزګر صاحب زما ديوې پوښتني په ځواب کې راته وويل: اوس د ناروې د دولتي ټلويزيون (nrk) سره په ځينو پـروژو کـې برخـه اخلـم او کـار ورسره کوم. د دې تر څنګ د ناروې د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توګه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تليفون لـه ليـارې کلـه ناکلـه ترجمه هم کوي.

ستاينليکونه:

بزګر صاحب دخپل فرهنګی چوپړ په درشل کښې د امريکا پـه شـمالي کليفورنيا کـې افغـاني کلتـوري ټولنـه، پـه جرمنـي کښـې د افغانسـتان د کلتوری ودې ټولنې، په امريکاکښې نور ټلويزيون او سويډن د مالمو په ښارکښې د دوستۍ فرهنګی ټولنې لـه خـوا پـه سـتاينليکونو سره نـازول سوی او درناوی ئې سوئ دي.

کورنۍ ژوند:

ښاغلي بزګر د يوې پوښتنې په جواب کښې راته وويل چې درې ورونـه او څلور خويندې لرم. هغه زياته کړه دوه ورونه مـې ډاکـتران او يـو بـل

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورور مې د عربي ژبې او ادبياتو څانګه کښې لوړې زده کړې لري او پدې برخه کې کارکوي.
د افغانی دود او دستور له مخې مې د بزګر صاحب د پتمنو خوينډو د ژوند د څرنګوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه يم چې هغوئ هم د تعليم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښې خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.
بزګر صاحب واده کړی او د ګډ کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خداي څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵کلن، لور يې اغلې مينه جانه ۱۴ کلنه، اباسين جان ۱۰کلن او کشری زوی ئې سمون جان يونيم کلن دی.
ماته له بزګر صاحب سره په اړيکو کښې دا څرګنده سوې چې بزګر يو پېټ خولی، مؤدب انسان په توګه هيڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورګډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډير دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډيرو ساده او خوږو کليمو جواب وايي. يوخوږ مجلسه سړی دي.
هغه يوله هغو علمي او فرهنګی څېرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقيو، ژبني، مذهبی او منطقوي توپير سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم يوځاي ورسره ګډون کړی، د يوه درانه او صابر نظر خاوندپه توګه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښې ئې په ډيرو اديبانه جملو او له فرهنګی اخلاقو نه په ډکې روحيې سره د اړونده مسلې په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په يادېږي چې د يوشمير په اصطلاح پوهانو او ليکوالو په څير دې ديوال ته سرټمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او يا د ترېبون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په يوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو څښتن په توګه پر موږ ټولو هغو چې پېژنويې د يوه درانه شخصيت په توګه ګران او د قدر وړ شخصيت دی؛ ځکه خو پدې ډاډه يم چې بزګر صاحب به زموږ په ټولنه کښې ديوې وتلې او زړه وري فرهنګی څېرې

(c) ketabton.com: The Digital Library

په توګه د تل لپاره د افغان ولس په څنګ کښي د درناوي وړ شخصيت پاته وي.

ښاغلي بزګر د خپل نه ستړي کېدونکي زيار او زحمت پـه پايلـه کښـي زيات علمی، ادبي او فرهنګي اثار د دعوت خپرونـي لـه لاري زمـوږ د جګړه ځپلی هيواد راتلونکو نسلونو ته ديوې علمـي او ادبي پـانګي پـه توګه په پنځوسو هيوادو کې د افغانسـتان د اوسـنيو او راتلونکـو حـالاتو مينه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پټې خزانې او زموږ د هيواد د ليکوالو او سياست پوهانو له معقولو نظرياتو او انديښنو نه څنګه او په کومه ښه د هيواد د روښـانه راتلـونکې په موخه استفاده کوي.

دعوت ويبپاڼې اوس د افغان ولس په ځانګړې توګه زمو د پوره پوهاوی په موخه په يو ډير عـالي ابتکـار لاس پـوري کـړئ؛ هغـه دا چـې پـدې وروستيو کې زموږ د هيواد يو شمير پوهانو سره په دوامداره توګه مرکـې خپروي. زه پدې باور يم چې له دې لاري به دعوت وکولاي سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظريات او وړانديزونه په ښه توګه ور ورسوي.

د هيواد پداسي نازکو شرايطو او ترينګلو حالاتوکې چې زمـوږ ولـس د يو سخت ازمون پر ډګر ولاړ دي، دا ملت د دوستی په جامه کښي د بېلا بيلـو زبرځواکـو د دښـمنيو او ډول ډول دسيسـو لـه سـختو سـېلابونو او توفـانونوسره مخـامخ دی، اړينــه ده چـــې د هيـــواد د داسي ځوانـــو شخصيتونو درناوی وشې او هغوي د ټول افغانستان په ګټه نور هم مـلي چوپړ ته وهڅول سي.

زه ديوه افغان په توګـه د ځـوان نسـل سره د افغـاني مينـې او د دوئ پـه وړاندي د مسووليت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د ليکنو په وسيله ور په ياد کړم چې تاسو پيـاوړي پوهـان، ليکـوال او څېړونکي لری؛ د هغوئ عزت که بل څوک نـه کـوي، تاسـو ئي بايـد د خپلو عادي ساده او لږو امکاناتو په لرلوسره وکړئ. هغه دا چـې د دوي په وياړ او د دوي پر ليکل شوو اثارو باندې ځانونه پوه اوبيا د بحـث پـه نامه يو په بل پسې غونډې جوړي کړی او پدې غونـډو کښـې دوي تـه بلنه ورکړی او د دوئ نه وغواړی چي ستاسو سره پر يـوه کمبلـه او يـوه

(c) ketabton.com: The Digital Library

چوتره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پیرزوینو ونازوي.

د خپل هیواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتي او نالوستوب به زموږ ټولنه تر یوې بلې پېړۍ پورې هم د ګاونډیانو او نړیوالو د اقتصادي، سیاسي، ټولنیز او فرهنګی ستم او تیري لاندې وساتي.

په ګران او سوځېدلي افغانستان کښې د علم، پوهې او خپل منځی مینې او محبت زیاتېدو لورته د پیاوړو ګامونو د پورته کېدو اوخپل هیواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصیت د ستاینې او هڅونې په هیله.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریښتني شخصیت

محمد نقیب تره خیل

محمد طارق بزګر له تنکۍ ځواني پدې باور وه چې تفکر د معرفت او معرفت د هدایت او هدایت د رضایت، قناعت او د ریښتنی شخصیت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پیسو ګټلو پر ځای د علم ګټل خوښ کړل. معرفت هاغه د معنویت واټ ته هدایت کړ، هدایت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنګ وي. او بل که د قدرت په وخت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بیا مستي او هوس زیږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله یې ظلم او استبداد زیږیږي.
هر څومره چې د ټولنې منوره او حاکمه طبقه ریاکاره، خودخواه او جاطلبه کیږي، بیا هم هغومره فتنه او فساد زیږوي، څنګه چې همداسې په افغان ټولنه کي وشول اولا هم کیږي. یو شمیر کسانو په دا ۴۰ کالو کې د هېواد دننه او بهر په لس هاوو ګوندونه- تنظیمونه په سل هاوو ادبي- فرهنګي کولتوري ټولني د هیواد، اسلام، انسان او قوم پالني ترنامه لاندي جوړې کړی دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوئ د ثروت، شهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سیاسي دفترونه د اسلامیت، انسانیت او قومیت پلورنې هټۍ ګرځولي. له همدې لامله د ارزښتنو پلورل د اکثرو افغانانو عادت شوی. له ټولنې حیا کډه شوی او بېشرمي په کې معاف شوی. همدا د ارزښتونو سوداګر په جبر او ظلم ثروت او قدرت ترلاسه کوي. بیا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کیږي. د سلطنت له مرګ سره یې د شخصت مرګ جوخت وي.
دا منلې او عملي شوې وینا که انسان قدرت ته په ګونډو نشي- ثروت ته خامخا تسلیمیږي. بزګر هم د ابراهیم ابن ادهم غوندې د خپل مضبوط ایمان پر باور او د نفسي سپېڅلتیا په قوت پورتنې وینا د خپل ځان په اړوند باطله کړې.
ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پر مقصد د مکي معظمي پر قصد پرېښود. ډېر کلونه وروسته د بحر په څنډه ادهم خپلې څېرې او شړېدلې جامې ګنډلې، پر آس سپورکس یې تر څنګ تېریږي، ورته ځیر ګورې پېژني یې چې زه خو د دې سلطان یو وخت وزیر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وم. ورکښته کېږي او ادب یې کوي، ورته وایي اِې سلطانه! ولې دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصیبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وایي، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهیم ستنه بحر ته گذاره وي، بیا غږ کوي، راکړه ستن مې، یو زر کبان له اوبو سرونه اوچتوي او د سرو زرو ستنې په شونډو کې نیولي وي. وایي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شیبه وروسته هم هغه ستنه یو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، یو یهودې هلک له خپل سپي سره ورپسې په تعقیب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تمیږي. خو څه وخت چې ابراهیم د ناستو کسانو خواته رسیږي، دا هلک پرې داسې غږ کوي: اې بوډا! دا ستا ږیره ښکلې ده، که زما د سپي لکۍ؟ هاغه ورته وایي زویه! که مې دا ږیره د خدای لپاره نه د ریا لپاره پرې ایښې وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکې دې ښکلې ده او که په جنت کې یم بیا نو زما ږیره ښکلې ده، هلک ړومبې خجالتیږي، بیا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کېږي.

بزگر صیب هم د ناروې په هستۍ او د ځوانۍ په مستي کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ریښتني خدمت په نسبت بابېزه وگڼل. تر ځنگ یې د حق په پلوې او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنیز سنگرجوړ کړ. یقیناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقیقت لار موندلې وي. د دعوت رسنۍ د بزگر ریښتینولي او یومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهیم د ادهم اولادې ته د پلار میراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصیت مشروعیت د سلطنت له درباره اخیستی وه. نو د سلطنت له بایللو سره جوخت بېشخصیته هم شول، خو ابراهیم چې یو سر او دوه غوږه نوم ورکې مکې ته راغلی وه، او د پوهې په رڼا د عقیدې په مضبوطتیا د نفس په سپېڅلتیا د مهره بانه او عادل زړه په لرولو یې خپل کوچنې او لنډ عمره شخصیت ستر او تلپاتې کړ. د دې تر ځنگ یې آن د کورنې مړ شخصیت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقیقي شخصیت بڼه ښیي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د بزگر شخصيت دعـوت دي او دعـوت د پـوهې او کولتـور مرکـز نـن هـم ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی طارق بزگر چې زه يې پېژنم

قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلې بزګر له ډېر وړوکوالي پېژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.

ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی يې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننګونو تيرېږي په داسې حال کې دې چې د قلم جهاد او غورځنګ د ټوپک او زور له غورځنګه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلې بزګر د دې سنګر ډېر تکړه او سپيڅلې مبارز دی.

زه ښاغلې بزګر له ډېرې زمانې راپېژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د ليکنې چم يې راښودلی دی او تل يې هڅولی يم. اوس هم چې کله په ټليفون سره غږېږو، نو له کورني احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې يو څه وليکه. هيڅکله يې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهېږم يا دا څه چې دې ليکلي دي غلط يا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هيڅکله نشم رسيدلای او د دوی په وړاندې ليکنه به لکه لمر ته چې شمع ږدی، خو تل يې هڅولی يم. لارښود مې دی ځکه چې تل يې افغانستان لومړی ساتلی او هيڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغېزمن شوی او دا درس يې راکړی چې بچيه! تل دا هېواد لومړی وګڼه. د اشخاصو او شخصي ګټو لپاره ملي ګټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې يې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پېژندل او له خپل اولاد يې کم نه يم ګڼلی. زما په ښه تربيه او روزنه کې يې فعاله ونډه اخيستې ده.

افغانان تل په درانه خوب ويده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپوږمۍ لنډه ښکاري او د مريخ او نورو سيارو غمونو پسې يې راخيستی، موږ خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له دريېمې برخې زيات نفوس مو بيسواده دی. له سياسي او ټولنيزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو ببولالې وايي او ملت لدې خوب څخه راويښولو لپاره هم ډېر خلک نه ګرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې يا يې لدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

خاورې پښې سپکې کړي او یا دلته د خپلو جیبونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچیانو ساتلي دي. زموږ د تاریخ یوه لنډه داده چې تل یې رزمي او جنګي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امیر کروړ دی، بایزید روښان دی او آن نږدې سید جمال الدین افغان، پر دې یو هم داسې مؤثق او تاریخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته باید دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راویښولو لپاره نه ستړې کیدونکې هلې ځلې کوي.

له کومې ورځې چې مې لیک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهیسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکی یې یم. تل یې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم یې خوړلی دی. په نننۍ سیاسي چاپیریال کې چې نړیوالو د افغانانو سیاسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته راړولو په خاطر په سلګونه راډیوګانې، ټلویزونونه او خپرونې پیل کړې دي، له هر وخت زیات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسیږي.

ښاغلی بزګر مې خپل دی. د کورنۍ غړې مو دی او زه ویاړم چې په کورنۍ کې داسې ننګیالي لرو. زه نه غواړم چې ووایم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته یو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وایم، چې زه نن څه یم په هغې کې د بزګر صاحب ډېره لویه ونډه ده، او د ژوند تر اخیري سلګۍ به یې زه احسانمند او منندوی واوسم، او دلته زما له لیکنې هدف هم شخصي درناوی او مننه ده، او هم د دې ملت د یوه خوار غریب بچي په حیث منندوی چې دې ملت د مفکورو په روښانولو کې یې نه ستړې کیدونکې هلې ځلې کړې دي.

له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزګر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره یې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره یې خپله پوهه او احساس راتلونکي نسل ته لیږدولي دی، چې ښه بیلګه یې د ځوانانو دې ټولنې دا احساس دی چې خپل ننګیالي ونازوي.

په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزګر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را میدان ته شي او پخپله ورته یوازې آسانتیاوې برابروي او شاته یې دریږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې ورته لاډېرې برياوې غواړم، او ښه متيقن يم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی يې درويشت کاله وړاندې تهداب ايښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره يې د ثواب او سرلوړۍ يوه دوامداره او تلپاتې سرچينه پرېښې ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر ګران ښاغلی د قدر وړ بزګر صاحب!

محمد سرور وکيلي

زما د مينې او وروږګلوۍ ډک سلامونه او پېرزونې ومنۍ!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه ياد دي،چي له دې خپره وني سره سم په ډېرو بهرنيو هېوادو کي نورو خپرونو هم پيل وکړ، خو ډېرو يې سقوط وکړ او ځينو يې چي شاته ګوندي پلوي اقتصادي تکيه لرله
د سياست له مخي د هغې سياسي تکيې څخه يې مالي مرسته ترلاسه کول او ترلاسه کوي يې؛ نو بېخي ډېر لږ يې پاته دي؛ خو د دعوت خپرونه يوازې او يوازې ستاسو په عالي ابتکار، زيار او مالي لګښت مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.
ماچي د دعوت په خوږې خپرونه کي کوم شی ليکه نو مي تل پر پښتنو ليکوالانو د اړخ کاوه، چي د دعوت له خوږې خپروني سره مرسته وکړۍ، ځکه دا مالي بار پريوه کس باندي ډېر دی او دا خپرونه زموږ ده؛ خو تاسو د دغو ټولو ربړونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چي نن او سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل پښتني غيرت او ژورناليستۍ واک په يوازې سر تر دغه ځايه را ورسوله. تاسو رښتيا هم چي د قدر وړ او د ستايني وړ ياست. خدای(ج) دي له هري بلا، افت، ناروغۍ او خوارۍ نه وژغوره. امين!

په ادبي درنښت

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمد طارق بزګر ته!

امرالدین سرحد

منلې یې وهلی یو پښتون په کلی کور کښې
دا یې وویل: چې لر و بر سوځی په اور کښې
ماتری اوریدلې په غوږو می یو خبر دی
نوی راختلی ښکلی ستوری لکه لمر دی
راشی زمونږ انګړ ته په جرګو په مرکو شو
موتی شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډیرو واوریدلې دا خبرې خونده ورې وې
لاره یې روښانه لر و بر یې دا منلې وې
خلکو ورته وویل مالومه دی نن لاره کړه
فکر دی کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دی مونږ ته بیان شو وویل: دا مې قسم دی
وینه کی ده مینه دغه ځان مې د وطن دی
دعا وشوه د خلکو چی «بزګر» دی ژر په کار شی
جوړ دی کړی «دعوت» چی ویجاړ کلی زمونږ ښار شی
خپلو غمځپلو ته خدمت، ضمیر مجبور کړ
ژوند د زمانی او حوادثو دئ مدیر کړ
اوس نو مونږه لولو د «عوت» د زړه کیسې
تیر شو یو لوی عمر په «بزګر» خوږې ترخې
تل دی د «دعوت» ډیوه روښانه وې
وړانګې یې تودې مخ یې ځلانده وې

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش مردی که قلم را نفروخت!

(بزرگداشت جناب بزگر و رسانهء دعوت)

استاد کم باور کابلی

همرنگ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردی ز گرامی یادگاران
بر خرمن ناکسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگاری
پاکیزه و ناب همچو باران!
کم زاد خجسته ای چو «طارق»
گیتی، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بیند!
آزاده گی اش، زیان نه بیند

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ګرانې ملي فرهنګي څېرې طارق بزګر نمانځغونډې ته زما پيرزوينې

پوهنمل رحمت څواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل يوه شعر پيلوم:

لکه تيره د بيابان تل په يو حال يم
ونه، نه يم چې بدله په موسم شم
سر به هيڅ د مريتوب چاته ټيټ نه کړم
که سوری سوری په غشو د رستم شم
وا به نه وړم د ښايست له پرستشه
که لاهو په اباسين يا په جېلم شم
که غمونه د جانان همدا کانې کړي
وچ صورت به لکه کرکې د چلم شم
خپله وينه مې ښښلې ده مظلوم ته
که په ژوند چرته ملګرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوېلهن کې د زلمو پاڅون ټولنه له يوې وتلې او نامتو فرهنګي او ملي څېرې محمد طارق بزګر او د هغه د فرهنګي کار او زيار ستاينه او يادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړې ټولنې ته کور ودانې وايم چې ښه انتخاب، پر ځای انتخاب او پر وخت يې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته يې غونډه رابللې، چې خدای ذاتي دروندوالې هم وربخښلې او په يوازې ځان کلونه ستر ملی خدمت او دروند تاريخي رسالت سرته رسوي.

تر کومه ځايه چې زه ګران بزګر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظريات د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له ډبرې درنه ملي - فرهنګي څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنګ بدلولو، ځان کږولو، لار چپولو، ځان درنولو او وخت تېرولو د دې وروستې مهال په دې دريوو لسيزو کې ډېرې ستری فرهنګې ستې وښوېدې، بدرنګې شوې، له ملي ګټو په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښنګ شوې او له موسمونو سره هم رنګې شوې، خو فکر کوم طارق بزګر تر اوسه له ټېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلې او د خپلو ملي-اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترڅنګ ولاړ دی.

دې دا دوه لسيزې اخبار، د سوداګرۍ او ګټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پاڼې په هسې ببولالو نه رنګوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاريخي او جنګځپلي هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپين ته سپين، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وايې. دی په همدې لاره روان دی. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره يې يوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مريان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالي او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېګڼې لپاره شوګيرونه ګالي، زيار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتيا هم د زياتې ستاينې او درناوي وړ دی.

زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو ستړياوو، شوګيرونو او ملي فرهنګي هڅو ته د تعظيم او درناوي لاس په ټټر بږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سيدجمال الدين له ټاټوبې راټوکېدلې دغې فرهنګې څېرې ته د سترو ملي فرهنګي کړنو د تر سره کولو هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دویم څپرکی:
دعوت

رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون دیگری بود که در ورایش فداکاری و ایثار، بار دیگر وجاهت و حیثیت یک ملت با پیشینه را آشکار می کنند. در آن سالیان، هرچند واژه گانی که بار معنایی «درد» داشتند، در روایت حال مردم، جزو ادبیات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبوری ایستاده گی، از حافظه ی تاریخی محروم نمی کند. جبهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و میهن، به ایثار می کشیدند.

مقاطعی اند که در بُرش آن ها گاه بُریده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو میراث های پُرشکوه تاریخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هایی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ریسک کرده بودند.

دشواری رویایی با یک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر این، بسط مفاهیم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جبهات، طیف دیگری از افغانان مجاهد را تشویق می کرد تا با کار فکری، فرهنگی و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هایی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزگر را به جا نمی آوردم. از روی تصادف، یافت نشر مضامینم در سایت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت میدیا ۲۴» شد، مرا با یکی از سرد و گرم چشیده گان سالیان ایثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من با شهرت «بزگر» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خـانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت مـا، آزمـون دیگـری سـپری شـود کـه در تنـازع فرهنگـی آن، ثقلـت و دشـواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته هـای فکـری ام را تقـدیم مـی کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شـان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصـل مـی دانـد، بیشـتر مـی شـود، در بسـتر مطمـئن ایـن حـدود بـه خانواده ی بزگر ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت مـی مـانم و بـرای بزگـر هـا توفیـق بیشـتر مـی خـواهم کـه پیشـه ی آنـان(بزگر) در زمینه ی ملک و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغز ها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشـیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خپروني نهه ویشتمي کالیزې په ویاړ

سراج الحق ببرک زی څدراڼ

دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز او د د عوت میډیا څلرویشت ویبپاڼې مسئوول مدیر یوه وړه ارزونه ډله ییزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل ګرځېدلي دي.
ډله ییزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دی. موږ هره ورځ د راډیو، ټلویزیون، اخبار، میلفون، لیپ ټاپ او د انټرنیټ نړۍله لارې د رسنیو تر اغیزلاندې یو. ډله ییزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سر چینې په څېر خپل رول لوبوي.
رسنۍ د انسانانو په سیاسي اند جوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري. سیاست پر رسنۍ او رسنۍ پر سیاست باندې نېغ په نېغه اغېز لري. سیاست او رسنۍ پر یو بل باندې په دوه اړخیزه توګه اتکأ لري.
ژورنالیست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسئوولیت ور په برخه کړل شوي دی. لیکوال او رسنوال د ولس غږ او سترګې دي. د خبریال یا ژورنالیست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبریال د خپلې ژورنالستیکې دندې په تر سره کولو کې څه رنګه خپلې موخې تعقیبوي، څومره پاک انساني نیت او څه ډول ملي احساس لري.
په دې کې هیڅ شک و شوبیان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنیزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو لیکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودي ټولنو او اکادېمیکو بنسټونو او همدارنګه د اکاډېمیکو روڼ اندو، سیاسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړې دولتي چارواکو تر منځ د سیاست، اقتصاد، روغتیا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډګر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سیاسي فکرونو تر منځ اړیکې، د تاریخي پېښو، تجربو، د ازمیښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې یو ستر پلټ فورم او یو ویاړمن مرکزي رول لوبوي.
د دعوت خپروني محتویاتو او منځپانګې په ستره لمن کې تل د انسانیت، افغانیت، اسلامیت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکمیت، ملي ګټو، د بیان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلي کوډکسونو ته جدي پام کېږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت هره ګڼه د افغانستان ملي ګټو په چوکاټ کې دې ټولمنلي ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئوول احساس کړي او يا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.

دعوت خپروني د هر ډول کرکې، تعصب، تبعيض او پارووونکي ليکنو څخه ځان لرې ساتلي دی. د د عوت په اخبار کې هر افغان ته چې د ملي فکر خاوند وي، له کرکې، تبعيض او تعصب څخه پاک وي، د افغانستان ملي ګټو، ملي اسلامي ارزښتونو او ارمانو ته ژمن وي، نه يوازې ځاې شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډير څه لري.

د عوت ميډيا څلرويشت ويبپاڼه:

اټکل له پينځه سووکلونو راهيسې اخبار په نړۍ کې شتون لري، د وخت په تيريدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتياو کې په پر لپسې توګه بدلونونه راغلي دي.

د نړۍ ډله ييزو رسنيو نوې پرمختګونو ته په کتو سره داسې بريښي چې په نږدې راتلونکې کې به چاپي رسنۍ په ځانګړې توګه چاپي اخبارونه د خپل ژورناليستکې کيفيت سره سره له منځه ولاړل شي. له بل پلوه د مولتي ميډيا يا ډله ييزو رسنيو شونتياوې چې د انټرنيت له لارې په بريښنايي ډيجيټل بڼه خپريږي، د ژورناليزم کيفيت ته نوې چانسونه ور په برخه کړي.

تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنيو کې اخبارونه تر ټولو کره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چيني ګڼلي کيږي. اخبارونه له ډير پخوا څخه خلکو ته د لارښووني او د اعتبار وړ خبرې سر چيني ګڼلي شوي دي.

د يوه اخبار يا مهالنې ځانګړي راز په دې کې نغښتي دی، کله چې اخبار کوم مالومات يا ټولنيز ارزښتونه خلکو ته وړاندې کوي، لوستونکې هڅه کوي په دغه ټولنيزو ارزښتونو کې د خپلوي يو ګډ احساس ومومي. له دې سره د اخبار لوستونکی په راتلونکې کې د ټولنې د لوړې پرګنې يا ممتاز قشر- سره په فکري ډګر کې ځان ګډ محسوسوي.

د دعوت ميډيا ويبپاڼه بېلابېل په زړه پورې سياسي او ټولنيز علمي مالومات خپروي. دا ويبپاڼه اوس په سلګونو، زرګونو لوستونکې او

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې ویبپاڼه کې د سیاسي او ټولنیزو مسایلو تر څنګ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.

د دعوت مهالنۍ سره زما پېژندګلوي:

کله چې په ۱۹۸۸ کال کې د دعوت اخبار په خپرونو پیل وکړو. د هیواد په دننه او بهر کې د چاپیدونکو آزادو خپرونو کچه ځښته ډېره ټیټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هیواد کې خپرونې پیل کړې وې. زه هغه مهال یو کال مخکې تر دې نیټې د خپل ګران هیواد له پلازمېنې کابل څخه پیښور ته او بیا المان ته تازه کډوال شوي وم، په لومړي ځل یو دوست ما ته د دعوت اخبار یوه ګڼه په پوسته کې راولیږله. په لیک کې داسي هم لیکلي و، کله چې تا دا اخبار ولوست بیا بیرته راولیږه او یا یو بل افغان ته يي د لوستلو لپاره ورکړه.

د المان د کډوالۍ په لومړیو کلونو کې زما سره د اخبار د ګډون پیسې هم نه وې. اټکل درې یا څلور کاله ورسته مې د دعوت په اخبار کې ګډون وکړو او بیا مې خپله قلمي همکاري هم ورسره پیل کړه.

زما په اند، دعوت خپله منځپانګه، محتویات او کاري کیفیت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي ګټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ټرمینالوجیکي ارزښتونو، ملي او سیاسي سېمبولونو ته دعوتوي.

د دعوت مهالنۍ علمي څېړنیزه لیکنې، تاریخي ادبي مضامین، د افغان لوړ پوړې سیاسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصیتونو، د نظر خاوندانو خبرې اترې، مرکې، د اقتصاد، روغتیا او چاپیریال په هکله هر اړخیزه مالومات، په ځانګړي ټوګه د افغانانو د لسیزو ناورینونو او خونړې جګړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د یووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولنې بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړیوالو منلي شوي معیارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هیواد پالنې او د هیوادنۍ مینې یوه بله ډیوه ګرځیدلې ده.

دعوت، ډېرې علمي، سیاسي، تحقیقاتي، څېړنیزه او تحلیلي لیکنې خپروي، د بیان او د آزاد فکر ژمندويي کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحیې او سیاسي وېښ شعور د پنځیولو او جګیولو هڅې کوي. په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ټولیزه ټوګه دې ټکو ته پـه کتـو سره د دعـوت خپلواکـه رسـنیو مرکـز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي یـووالي، تلپـاتي سـولې او مـلي امن نظم ته را بولي.

د دعوت مهالنۍ زما ځکه خوښیږي چې یوه بې پرې او ناپیيلي خپرونـه ده او د هیڅ یو سیاسي ګونـد او هـیڅ یـوې ډلـې تپلـي تـه پروپاګنـد او تبلیغات نه کوي. دعوت ملي وروروليـ، سولې او ملي پخلاینه لپـاره نـه ستړي کیدونکي هلې ځلې کوي.

ډیره د خوښي خبره ده، چې دعـوت خپرونـې خپـل ۲۹ کلونـه د افغـان کلهوالو په چوپړ کې تیر کـړي دي. د دعـوت خپرونـې اروپـا، امریکـا، اسیا، افریقا او استرالیا پورې خپلو مینه والو ته رسیږي.

د دعـوت مهـالنۍ او د عـوت میـډیا ۲۴ ویبپـاڼې مسـوول مـدیر کـاري فعالیت ته له لرې یوه لنډه کتنه:

بزګر صیب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، میلمه پالنه، د خوښي او خپګان سره مل ژوند لري. بزګر صیب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سربیره ښایي پـه اټکـلي او اوسـط ډول د دعـوت اخبار د لیکلو، ډیزاینولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستي له لارې لیږلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دریو نه تر څلور ساعتونو پورې کـار کـړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو پـه ورځـو کـې ضرب کړو. موږ ته پته لګیږي، چې بزګر صـیب د دعـوت اخبـار چلولـو تـه د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړیا کار کړي دی.

د دعوت اخبار کې مو دا هم لوستلي، چـې بزګـر صـیب د افغانسـتان د سیاسي مسایلو د څیړلو، د افغان غمیزې او جګړې د حـل لارې چـارې لټولو په موخه ډیرو هیوادونو ته د سیاسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرګونه کیلو متره لرې سفرونه کړی دي.

زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نیوکو مستحق یواځې هغه څوک کیداې شی، چې دی د کلهوالۍ په شرایطو کې د رسنوالۍ دنده لا نـوره ښه او بهتره ترسره کولي شي.

د دعوت مهالني ډیزاین او تخنیکي چارې همدرانګـه د ځرنګـوالي پـه برخه کې ښایي د ځینو په سترګو کې کمزور تیاوې شتون ولري. دا باید

(c) ketabton.com: The Digital Library

په یاد ولرو،چي اوس د دعوت مسئوول مدیر نور یو بي تجربي او غیر مسلکي سړی نه ګڼل کیږي.

زه هیله من یم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعالیت په دوامداره توګه وساتي او په ټولو افغانانو په ټینګار سره غږ کوم، چي د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډیره اړتیا لري.

د دعوت د معتبري مهالنۍ د فعالیت، پایښت او ښې په اړه یو وړاندیز:

د دعوت خپروني مسئوولین که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړیوال ډیجیټل ډله ییزو رسنیو پرمختګونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چي د خپلي خپروني بڼه یوې چاپي مجلي ته واړوي. دغه نوې میاشتنۍ مجله باید په هره دوه یا دریو میاشتو کي په یوه ښکلي ډیزاین کي چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کي سیاسي، فلسفي، اقتصادي، روغتیایي، چاپریال ساتني، ټولنیز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامین د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي لیکنې څېړنې او ارزوني خپرې شي. د دعوت مجله باید ځان ته خپل لیکوال ومومي، څو د هرې مسلکي څانګي په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د یوې ځانګړي موضوع په اړه نوې علمي لیکنې وکړي او د دې لیکنو امتیاز یواځي او یواځي د همدې مجلي سره محفوظ وساتل شي. مجله باید په ډیر ښکلي ډیزاین او رنګه انځورونو کي خپره شي. مجلي ته په پیل کي یوه ارزانه بیه وټاکل شي، دغه نوې مجله باید د افغانستان او د نړۍ په ګوډ ګوډ کي د افغانانو په کولتوري مرکزونو کي وپلورل شي. دا مجله باید د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډیر شپیګل، امریکایي مجله ټایمز او د جیوپولیټیک مجلي ته ورته وده وکړي.

د دعوت خپروني نوویشتمي کالیزې په ویاړ:

زه د یو لو ستونکي په توګه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او بریاوې لوړې ارزوم او د زړه له کومي یې ستایم. حالاتو ته په کتو سره فعالیت ډیر مثبت او عالي ارزوم، د امتیاز څښتن او درنو چلوونکو ته د دې خپروني د ۲۹ مي کالیزې د رارسیدو په ویاړ مبارکي وایم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زما په اند د چاپي رسنيو څېړنيزخبريال بزګر صيب اوسپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ځکه دي، چې په کړوالۍ کې يې دغه رسنيزه بنسټ په خپل وس او توان سره په سمه او بريالي توګه مديريت کړي او تر ډېره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

ښاغلي بزګر ته د وياړ او خوښي ځای دې چې دعوت مهالنۍ وکولای شول د ډېرو اقتصادي ستونزو او لړو مالي مرستو سره سره د افغانانو د ګړوالي په اوږده تاريخ کې د خپل بې پرېوالي تګلارې پر بنسټ د يو ملي تاريخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهر کې د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک ګرځيدلی دی. د دعوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندې يا د افغاني ټولنې لوړ پوړي پرګنې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو ګډ کور ګڼي، ځکه يې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم ګټلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به مناسبت۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر

کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستانی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸–۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجلهٔ دعوت وسایت دعوت میدیا، صرف کرده است.۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورندۀ شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساختهء وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می‌آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

(c) ketabton.com: The Digital Library

می کند واگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از درِ خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسَان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصهء زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند. مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آیندۀ جامعه معرفی کرد.

جوانان نیزعلاقمند اند تا از کرکتر و کارنامهء آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کژی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطندوستی از آزمون زمان موفقانه عبورکرده باشند،

(c) ketabton.com: The Digital Library

نخبه گانی استند که مایۀ افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمرهء خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نکونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزگر، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزگر، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

کُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پرآب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایهء حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزگر، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانوادهء منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی به دنیا آمد و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

(c) ketabton.com: The Digital Library

همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شنید و آموخت. بزگر وقتی قدم به سن جوانی گذاشت و نزدیک بود صنف یازدهم لیسهٔ نادریه کابل را تمام کند و بقیهء پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متاسفانه که تجاوز اتحاد شوروی برکشورش، او را از آغوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هزاران تن دیگر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور رفت. در آن جا دروسش را ادامه داد و در رشتهء علوم سیاسی و اسلام از اسلامیه کالج و پوهنتون پشاور لیسانس گرفت و در حالی که ۲۱ یا ۲۲ سال عمر داشت، به کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور ناروی به حیث یک مهاجر افغان از حمایت های اجتماعی و فرهنگی کشور ناوری برخوردار شد، و در رشتهء کمپیوتر و میدیا و کمیونیکیشن (مطبوعات و ارتباطات) به تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشتهء ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربهء زیات بوده و در عرصهء ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشتهء ژورنالیزم خویش را تقویت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صدد برآمد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون علاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعی، خود را با دانش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجلهء ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته است که کار نشراتی مجلهء دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دید آن را برای هموطنان نزدیک خود ابتدا در کشور های

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود بپردازد.
به تدریج علاقه مندان دعوت در کشور های دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.
با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.
آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینك از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسوول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحیث یك افغان وطندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمـر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ښکلي مجله او ښکلي پاڼه

عبدالغفار جُبير

د ((دعوت)) مجلي او ويب پاڼي مؤسس ښاغلی مشر۔ورور محمد طارق بزګر صاحب هغه څوک دئ چي د لومړي ځل لپاره يې زما لومړی اثر (ما ولي اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لګښت سره په ۲۰۱۰ ميلادي کال کې چاپ شو، که زه په لنډو کې درته ولیکم: ((ښاغلي بزګر صاحب زه ليکوال کړم.))

ما له نن څخه ۸ يا ۹ کاله مخکي دعوت ويب پاڼې ته ليکنې لېږلي، چي کله به مي يوه ليکنه ولېږله، د دوهمې ليکنې لپاره به بزګر صاحب تشويق راکړ، او وبه يې هڅولم چي بله ليکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي ساينسي۔څېړنې ۱ ټوک) هم د ده په کوښښ په سويډن کي تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزګر صاحب ته دې الله جل جلاله په دنيا او آخرت کې پوره عوضونه ورکړي. (امين)

د ښاغلي محمد طارق بزګر صاحب ښکلي ويب پاڼه چي مخکي د (افغان سباوون) په نامه او بيا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره يوه هر اړخيزه او معلوماتي ويب پاڼه ده. موږ تر هر څخه مخکي همدغه ښکلي پاڼه اقلاً په ورځ کي څو څو ځلي ګورو؛ دا ځکه چي داسي ليکنې پکښې شتون لري، چي په نورو ويب پاڼو کي نشته او بې بېلګې دي. اسلام، سياست، ساينس، سپورت، تاريخ ، د نړۍ هيښونکي او هر ډول ليکني، کتابونه او ويډيو ګاني پکښې شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولې پيغام، د نېکمرغۍ ولولې، د سکون ټکور، د پرمختګ لارې چارې او داسي نور اړين توکي پکښې پراته دي، نه يواځې د هغو افغانانو ولولې او احساسات منعکسوي چې په لويديځ کې اوسېږي بلکي د ګران هيواد افغانستان ورځنۍ تودې پيښې او ناخوالي هم پکښې رانغښتي دي، چي همدا د دې ښکلي پاڼې يوه ځانګړتيا ده. د بزګر صاحب په دې نړيواله پاڼه کي علاوه له دې څخه چي افغاني او اسلامي ليکنې خپرېږي بلکي ازادې ليکنې هم سته، چي کېداى سي همدغه ليکنې په ډېرو ويب پاڼو کي شتون ونلري، چي مطلب مې دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دئ چي بزگر صاحب خپله يو تکړه نړيوال ژورنالست دی، نو تر ډېرې اندازې پورې د ژورنـاليزم د اصـولو مطـابق د بيـان ازادي يـې هـم پلـې کړېده

دعوت خپرونه:

موږ زښته ډېرې مجلې لوستې او يا يې هم لولو، هـم خـارجي مجلـې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله يوه بې مثله، معلوماتي او هـر اړخيزه مجله ده.

بزگـر صـاحب مـوږ د ((دعـوت)) مجلـې هـره گڼـه را ليـږي. کلـه د ليکوالانو، اديبانو، پوهانو او علماء داسې گڼه گوڼه جـوړه سي چـي بيـا موږ دغه مجله فوتو کاپي کړو او بيـا يـې تـر ملگـرو او دوسـتانو پـورې رسوو، چي لـه دې ښـکلې مجلـې څخـه مـوږ هـر څـه لکـه: سياسـت، افغانپوهنه، ادبيات، تاريخ، ساينس او نور.... رازده کړيدي. که زه پـه دا هر څه په يوه جمله کي را ونغاړم نو زه ويلای سم ((د دعـوت مجلـه او ويب پاڼه يو نړيوال دائرة المعـارف دی.)) الله جـل جلالـه دي و بزگـر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چي همدا ملی وياړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وگڼي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹م پسرلی

قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پیچلیي، د ناورینو او ناانندریو ډک تاریخ کي، نـژدی ۲۹ کلـه مختـه د نـومبر پـه میاشـت کـي، د دعـوت تـر نامـه لانـدي، محترم طارق بزگـر، د خپلـو او د خپلـو مینوالـو د احساسـاتو د بیـانولو، څرگندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخـه د عـامو ولسي-وگړو د خبرولو په خاطر، د فقـر او بي وطنـۍ پـه فضـا کـي، د نـاروي د هارایډ څخه، میاشتنۍ خپرونه پیل کړه. دا پـه داسي حـال کـی چـي نـه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومـره وده ورکـړل شـوي وه او نـه د اوس پـه څیر د لیږد رالیږد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوتري او یـا تیلیفـوني سـهولتونه شـتون درلـود. یـواځنی وسـایل چـی تـري گټـه اخیستل کیده د فکس ماشـین او یـا هـم د پوسـتي خـط وه. د فکـس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چي محترم بزگر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترخنگ د شپي تر ناوخته پوري په پوسته کي راغلي لیکونه، شـعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او ټایپ کول او بیا به یـی پـه خپلـه میاشـتنۍ خپرونه کي د خپریدو لـه پـاره امـاده کـول. هغـه وخـت دغـه خیږنیـزه سیاسي ټوله به لمړۍ چـاپ او بیـا بـه ټولـو مینـه والـو تـه د پوسـتی لـه لاري ور لیږل کیده، چي پوستي مصارف به یی هم پخپلـه د دعـوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترگو شي چي د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورتـه کولو کی لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپـل ولـس او د ولـس منوري طبقي ته د خپلی سیاسي ټولی (دعـوت) ورلیـږل د خپـل ځـان لپاره یو چلینج گڼلی و په دي خاطر یی د خپلي هغه پانگی څخه، چـي د خپلو متو په زور یی گټله، ډیره برخه د دعوت په چـاپ او بیـا د دي سیاسي او ټولنیزی ټولي په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوي توری تیاری سره مخ و. دهیواد پـه سـیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشـت حـاکم و. پـه سـلگونه زره انسـانان د وخت د بیرحمه حاکمانو د تیریو له لاسه د خـاورو خـوراک گرزیـدلي

(c) ketabton.com: The Digital Library

وو. ولس مو په مختلفو گاونډيو او اروپايي هيوادو کې د مهاجر په نامه پاشل شوی و. ميندی بوري شوي وی، ناوي کونډی شوي وي او کوچنيان يتيمان شوي وو او په پرديو هيوادو کی د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي څنگه يی زړه غوښتل همغسي لوبی يی پري کولي.

د هيواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چي د بهرنيو راديوگانو خبرونه اوريدل هم مرگوني جرم گرزيدلي و. ولس د خپل هيواد په اړه د هيڅ نه خبر نه و. نه د انټرنيټ سهولت شتون درلود او نه د سپوږمکيو استانيتاوي ميسري وی ترڅو ولس تري د خپل هيواد د سياسي او ټولنيزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغيړنو او ناندريو نه ډکو حالاتو کي د دعوت مياشتني د ولس د يو شمير منورينو له پاره د رڼا او مشال حيثيت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظريات د ولس د نورو پرگنيو سره شريک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ايښوونکي هم د ټولو تهديدونو او گواښونو سره سره بيا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه مياشتنۍ د ټولو اقتصادي او ټولنيزو ستونزمنو شرايطو سره يو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنيټي دوران کی يی د دعوت ترنامه لاندي پاڼه هم پرانيسته چی د هيواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه يی په انگليسي او نارويژی ژبو هم خپروني پيل کړی.

دعوت هم په انټرنيټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاريخي اوږده موده کي د هيواد د مطبوعاتو د يوه ځلانده ستوري په څير وځليد، په خپرونو کي يی ورځ تر بلي د علميت او د انسانيت او حق په لور د بللو وړتيا نوره هم زياته شوه او ډير ژر يی د انټرنيټي خپرونو له لاري په نړيواله توگه د هيوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تأسيس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډير ستر او تاريخي گامونه اخيستی، د هيواد د ملي گټو او شتمنيو يی دفاع کړی، د وطن او هيواد پالنی روحيه يی غښتلی کړي، او ولس يی د پرديو او پرديپالو، د استعمار او استثمار، اشغال او نيواک په مقابل کی د يوه واحد دريځ په لور رابللی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

تر هغي چي ما د دعوت خپرونی لوستي اويا مي يی انتهر نيتهي ليکني تعقيب کړي، په هيڅ يوه کي يی هم د هيواد سره د مينې او د خپلو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه اخوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نښي نه دي څرګندی شوي، بلکه په يوه متحد پليټ فارم د ولس د راټوليدو دروند مسؤليت يی په غاړه اخيستي او تر اوسه پوري دغه دروند مسؤليت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ايښوونکي مسوول مدير، محترم محمد طارق بزګر ته د دغي ملي خپروني د ۲۹مي کليزي په مناسبت د زړه له کومی مبارکی وايم او د الله تعالي نه ورته په دي اړه د لا زيات توفيق غوښتونکي يم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۹ کاله دعوت وشو، خو
زمونږ د وېښتابه کار څنګه شو؟

محمد آصف ننګ

۱۳۹۶ د تلې میاشت، کابل:

۲۹ کاله یعنې د یو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاڼې دعوتي او د وېښتابه او د اذهانو د تنویر ماموریت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن میاشتنۍ مجلې او بیا د اقتصاد میاشتنۍ مجلې د مدیر مسوول په حیث مسوولیت درلود، راته معلومېږي چې د ټولنې د بیدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې درونــد، له مسوولیت او زحمت ډک مزل، چې ښاغلي محمدطارق بزګر او ټیم یې پوره ۲۹ کاله طې کړی، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدردانۍ وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلې شخصیت قلم او پیام پیاوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړي چې د غفلت له خوبه راوېښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختګ له کاروان سره دې دوی هم سیال شي.

دعوت خپرندوی مرحلې:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه یې په څو مرحلو کې څېړلې شم:

(۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغونې او تحمل پیامونه پکې کم چلېدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختګ او د نظام جوړونې په هکله بحث کول، ډېر اوریدونکي او خریداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې یو روڼ آندی قشر۔ وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ایفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پیامونه کم او د وطن او وطن پالنې پیامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بیا هم د وطن او وطنپالنې سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د لیکوالانو قلم نه چلیده. محدودیتونه هم پریمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن لیرې و خو مخاطبین یې په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ایران، پاکستان او غربي هیوادونو کي تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونو کي د وطنپالني تر څنګ، خپله بي طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره یي ښي ډېرې مقالي خپرې کړې.
(۳) تر سپټمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زمونږ په تاریخ کي د بدلون او تحول تر ټولو عمده مرحله ده. پدې مرحله کي د افراط تر حده د دیموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کي دوه درې پدېدې د بحث وړ دي. اول دا چي رسنۍ غږیزې او چاپي ډېرې شوې، بیا یو څو کاله وروسته پسي بصري رسنۍ او تلویزونونه ډېر شول. پدې رسنیزه وسایلو کي خو شوقي او تفریحي برنامې ډېرې دي، خو د خردمندۍ، بیدارۍ، تعقل، تربیت او هدفمنده ماموریت ته د ولس د توجیه کولو او بسیج کولو پیامونه پکي ډېر کم خپاره کیږي.
پدې حاضر دور کي خواله رسنۍ، تویټر، فیسبوک او... هم پرې اضافه شول، چي د پیامونو د مدیریت او سانسور سلسله یي ختمه کړه؛ بي بندوباري یي وزیږوله، د حق او باطل، د سهي او غلط او د ګټور او مضر پیام او خطاب تفکیک یي مشکل کړ.
بل دا چي پدې مرحله کي د چاپیزو رسنیو، یا پرنټ میډیا، نقش ډېر کمزورې شو. د خبر د نشر سرعت زیات شو او هر څه په ډیجټل بڼه واوښتل.
پدې حاضر دور کي دعوت او بزګر، دواړه ښه چلیدلي. د تیرو ۱۶ کلونو تسلسل مې په چابکه توګه وکتو، واقعاً ډېر عالي پیامونه خپاره شوي، د اعتداله پر کرښي تګ شوی، ابلـه بازاري او اپلت پیامونه او مقالي قطعاً ندي نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کي د سولي غوښتونکي، چاپیریال او محیط زیست، معادن، منابع، اقتصاد، سیاسي اصلاحات، وده او انکشاف، پوهنه، زراعت او هر ډول تنوع څخه ډک نشرات شوي دي.
د بزګر صاحب په اړوند رسنیو کي د هنر برخه هم ښکلي اثار لري. د محلي نایابه موسیقۍ کلیپونه، تصویري هنر، جالب عکسونه او... .
د دې ټولو معنا دا چي دعوت د عصر په ژبه ښه پوهیږي، اعتدال او معقولیت ښه ساتلي شي او د وخت له تقاضاوو سره سم مزل کولی شي.
سپارښتنې:

(c) ketabton.com: The Digital Library

سپارښتني مې هم مختصره دې. ویپ پاڼې کې دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توګه هغه کتابونه چې ژباړې ته ضرورت لري. د امریکا او اروپایي سیاست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه یې ترسره شي او بیا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سیاسي بصیرت په برخه کې به مهم نقش ولوبوي.

بل دا چې که دعوت د مهالنۍ یا فصلي مجلې په حیث په عصري او رنګه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنیو صنعت او د مطالعې کلتور به ادامه پیدا کړي.

ډیر خلک انټرنیت ته لاسرسی نلري، او یو زیات شمیر خلک په پوهنتونونو، انستیتوتونو او مکتبونو او مدرسو کې دي. دوی باید له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چې خدای مکړه بیا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې ځو پوهنتونونو را شروع شول او ځلویښت کاله یې دوام وموند؛ وطن یې هم رنګ کړ او دوه میلیون وګړي پکې شهیدان شول؛ ځکه نو تاکید کوم چې مجله دې هم خپره شي.

زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مینه وال یم، چې له دعوت مې ډېر څه زده کړې؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنیاد حق لري چې امتنان یې وکړم.

له چلونکي ټیم، مشرتابه او د لیکوال غړو له ډلې څخه یې... رښا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپېڅلیو زحمتونو بدله په دنیا او آخرت کې درکړې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترګي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کي روڼي کړې. ستونزي، بې وطني، پرديتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجي د هري ورځي مهال وېش وو.
۱۹۹۴ع کال زما د پاره ځکه خوښ کال دئ چي زه په لومړي ځل په اول نمرګۍ سره دريم ټولګۍ ته بريالی سوم، او په ټوله ښوونځی کي به فاتحانه او مغرور ګرځېدم. دا ابتدايه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښين اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کي وه، چي اوس د جمالدين افغان ليسې يا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه يادېږي. دا چي د دې تعليمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملګرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئې ځارونکي تل د همدې ادارې وه. يوه ورځ يو ځارونکی له يوه بهرني سره ملګری ټولګۍ ته راغلل او زموږ ښوونکی ته ئې د بهرني تر مخ د يو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دوديز سبک له مخه د پښتو کتاب د يوې پاڼې د متن ويلو وويل؛ چي بايد په لوړ ږغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وويل. بهرني فکر وکړ چي ده لکه چي همدا څو پاڼې ياد کړي؛ په لاس کي ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئې راته وويل چي له دې مجلې څه ووايه! ما چي د مجلې پر تندي لومړۍ کرښه وويل، ټولو ته ئې خوند ورکړ؛ کرښه کي ليکل سوي:
((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وايي.)) نوري پاڼو کي هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چي به ئې وښوول، لکه بلبل داسي به وږغېدم.
وروسته څو نور ټولګيوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جګېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چي تر ښوونکي پوري د ټولو خولې اوبه ورته کولې.
ښوونځی، کلي او کور کي اوازه وه چي سردار ولي ته ئې انعام کي (کتاب) ورکړی، هغه هم يوه بهرني! ځکه مو کتاب باله چي هغه وخت کي موږ مجله او کتاب نسوای سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنداري ارزښت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سينګار ډول ساتل.
کلونه تېر سوه، يوه ښوونکي مي راته وويل چي هغه ستا سره مجله د څو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورين تندی ورکړه، خو مجله مي بيا ونه مونده او ښوونکي به راته وويل چي زه به بيا بله درته راوړم. اټکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغواړم، خو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت

(ډېرو هغو پيغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هيواد
نلري د يوې لارښود په حيث خپل رول لوبولی دی)
شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پر بنياد د خپل ژوند لارې ټاکي او د خپلو معلوماتو په رڼا کښې خپل ژوند تيروي. ويښ انسانان، قومونه، ولسونه، او ملتونه تل کوښښ کوي چې معلومات يې د حقايقو پر بنسټ ولاړ وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کامیابه، سرلوړي، پر خپلو ځانونو معتقد او خپلواکه ژوند کوي.
که په تيرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه يو له بل سره پرتله کړو نو په ډېره اساني سره به ووينو چې هغه ولسونه چې د غلطو معلوماتو ښکار شوي دي نو يا خو يې نوم او نښان ورک شوی دی او يا د تباهي ښکار شوي او د ذلت او د بل واکی په تورو شپو کښې د محتاجی ژوند تيروي.
که چيرې مونږ د افغانستان دې تيرو څو لسيزو ته يوه کتنه وکړو نو پدې به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمونږ تر غوږونو تر ننه پورې رارسيږي ترينه تر څومره د پرديو ګټو دپاره استفاده شوې ده او څومره زمونږ د تباهی او بربادی سبب ګرځيدلی دی.
د دغو ټولو حقايقو په نظر کې نيولو سره بايد ووايو او دا ومنو چې معلومات او رسنی زمونږ د ژوند او مرګ سره تړلي دي. دا بايد ومنو چې سپيځلي ژورنالستان هميشه د خپلو پرګنو او ملتونو ګټې له خپل ژوند څخه برترې ګڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښې ويني. نو ځکه په ډېرو ځايونو او حالاتو کښې دغه سپيځلي انسانان د ظالمانو، وحشتګرو او د بې ضميره انسانانو د توطئو ښکار شوي، په زندانونو کښې غورځول شوي او ډېرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.
ښاغلي محمد طارق بزګر هم يو له هغو سپيڅلو ژورنالستانو څخه دی چه خپل ټول عمر يي د خپل جنګ ځپلي ولس ته قرباني کړی دی او د خپل ملت اواز يي په هر ځای، هر وخت او هر حالت کې ژوندی ساتلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دا یوازې نه چې یوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډېرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هیواد نلری د یوې لارښودې په حیث خپل رول لوبولی دی.

کله چې زه د لسو کالو په عمر کې له خپل ټاټوبی افغانستان نه له خپلې کورنۍ سره وشړل شوم او بیا وروسته د اروپا او امریکا ښارونو کې سرګردانه او له خپل ټاټوبي او ولس څخه نا خبره ګرځېدم نو همدغه دعوت او د دعوت پر څیر نورې ملي خپروني وې چه ما ته او زما پر څیر میلیونونو نورو ځوانانو ته یي د خپل هیواد کیسې کولې او زمونږ زړونه یي له خپل ټاټوبي سره پیوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکته مونږ یواځې دا نه چې د خپل هیواد له حالاتو خبرېږو بلکه د دغه معلوماتو په رڼا کې د خپل هیواد او خلکو د سوکالی له پاره هلې ځلې کوو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، هیڅکله د چا د تاثیر لاندي
نه دی تللی او نه به ولاړ شي

استاد کاظم بیمار ننګرهاری

د دعوت جریده د خپل تاسیس له ورځې څخه بیا تر نن ورځې پوري د ګران هیواد افغانستان د آزادۍ، سوکالۍ، خپلواکۍ او آبادۍ لپاره ډیرې هلې ځلې کړیدي او کوي یې. دعوت هر مشر ـ او کشر ـ رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسې په ملکونو ګرځیدلی، او د هغوی افکاریې راټول او بې له تشبثه یې نشر کړیدي.

د دعوت وظیفه د هیواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چې دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو ویاړي، ځکه چې د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د تو طئو رسوا کول او له منځه وړل دي.

دعوت هیڅکله د چا د تاثیر لاندي نه دی تللی او نه به ولاړ شي. دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کې قیام کړیدی او په دغه لار کې بې له ویرې مخ په وړاندي روان دی.

دعوت، کورنی او بهرني دښمنان رسوا کړیدي او هیچا ته یې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه یې چې لیدلي هغه یې رسوا کړیدي. دا وزینه جریده د هیڅ فاسد حاکم او جنګسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال یې په میړانه او مردانګۍ رسوا کړیدي.

دعوت د روسي سور استعمار په مقابل کې په میړانه وجنګید او د خپل ملت په راویښولو کې یې پراخه ونډه اخیستي ده، او تر هغه وخته وجنګید تر څو چې سور استعمار په شا تګ ته مجبور شو.

دعوت د ګاونډیو هیوادونو لاس وهنې غندلي، او په تیره بیا د ایران اخوندي نظا م ته یې په هیواد کې د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړیدي، همدارنګه، هم یې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډیورند د کرښې په شا وخوا د اغزن سیم په ارتباط د پښتنو د حق خودارادیت موضوع په کلکه ذکر کړیده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د پښتونستان د مسئلي د حل کلک ملاتړ او د فخر أفغان باچا خان د مشي او پالیسۍ سخت پلوی دی. په ګران هېواد افغانستان کي د خویندو او میندو د حقوقو په هکله یي هم کلکه مبارزه کړیده، او یو وار بیا یي وطنوالو ته دا ثابته کړیده چي دعوت به همیشه د عدالت پلوي وي او په دغه لار کي به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.
په هیواد کي همیشه د ملي مبارزینو پلوي کړیده او د نیشلیزم او وطن پرستۍ غږ یي او حرکت یي ژوندی ساتلی دی. او هر کله یي چي بی روا او بي عدالتي لیدلی ده هغه یي رسوا کړیده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکی ابتکار او منډې تړرې دي چي دعوت لا هماغسي- ځوان او د خپلو هیوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله یي د هیواد تکړه شاعر ګل پاچا الفت صاحب داسي وایي:

سرګردان وي په جهان هغه مړونه
چي د خپل وطن غمونه یي په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کي په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زیات ارزښت لري، نو ځکه پري مونږ ویاړو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

میرمن شکریه بارکزۍ د دعوت
د ۲۹مې کلیزې په ویاړ

ش. بارکزۍ:

زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو یې کوئ. ډیر وخت نه کیږي چې زه ووایم چې د دعوت لوستونکي یم. اول غواړم چې مبارکي یې تاسو ته ووایم؛ ځکه چې هر ادبي او کلتوری فعالیت د هېواد نه د باندې ډیر سخت دی، ډیرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې یې هم لري، خو بهر ډیر دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چې په هره صفحه کې یو نوی نوم او یو نوی فکر سره اشنا کیدم. سربیره پردې چې هغه پخواني لیکوالانو، شاعرانو او سیاستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډیر د خوشالۍ ځای دی. اوس مې پریږدۍ چې لږ رښتیا هم ووایم.

بی بی سی فارسي چې وینم، کله ناکله فکر کوم چې ولې دا د ایران خلک هر چیرته چې دي د پوهنتون استادان دي یا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مګر ستاسو نشریې دا راته وښودله چې نه، موږ یې هم لرو، خو متاسفانه داسې چینلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوۍ خپل نظریات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چې نوي ځوان لیکوالان ستاسو د نشریې له خوانه معرفي کیږي. دا زما له پاره ډیر د خوشالۍ ځای دی یا کیدای شي چې زه ډیره د خارج نه لیرې وم، دننه وطن کې وم نو ډیر به د دې نه خبره نه وم چې زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنۍ د هیواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم یو کلکسیون د افغانستان د ګټو او ملي شتمنیو، څیرو او ملي څیرو نه دی چې باید درنښت یې وشي او باید خلکو ته وروپیژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو یې کوئ.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپروني ۲۹مې کليزې په مناسبت

ډاکټر حضرت عمر زاخېلوال

ژوند څومره په څغاسته تيريږي، لکه پرون داسي مي په ياد شي چې پـه پېښور کـې د دعـوت د خپرونـې د بنسـټګر او مسـوول ښـاغلي محمـد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زی چي زما ډېر نږدې دوست او ملګری و ماته د دعوت د جريـدې د لومړنيـو ګڼـو څخـه يـوه کـاپي راکړه. پـه هغـه وخـت کـې مـا د افغـاني جريـدو سره چنـدان علاقـه نـه درلوده، ځکه اکثره يې تنظيمي وې چې يا په خپلو تنظيمي لاپـو پټـاکو او يا هم د جنګ او جګړو په تـرويج، تشـويق او تشـديد څرخېـدې، د هېله مندۍ مطالب په کې کم و. زما په څېر يو زلمی کـډوال تـه چـې لا تر اوسه يې زده کـړې نيمګـړې او راتلـونکی يـې نـامطمين مګـر هيلـې زياتې وې ناهيلونکي وې. مګر د دعوت په جريـده کـې مـې بـرعکس هغه څه پيدا کړل چې مايې لوستل غوښتل:

د آزادۍ او بې پرې خبرونو تر څنګ ازادې شنني، خپلواک نظريات او د داسې ملي شخصيتونو سره مرکې چې د کډوالۍ په چاپېريال کـې پـه نظر نه برېښېده مګر نومونه يې آشنا او هېلې ورته زياتې وې.

په ټوله کې جريده په ملي موخو څرخېده لکه سوله، ملي يووالی، مـلي شـناخت، مـلي حاکميـت، دې موخـو تـه شـته ګواښـونه او فرصـتونه او هېواد د يو لا ستر ناورين څخه ساتل.

په ۱۹۹۱ ميلادي کال کې زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کې نه انټرنېټ و نه ارزانه موبايل تيليفونونه او يـا د اړيکـو نـورې اسـانه وسـيلې. لـه افغانسـتان څخـه د شـوروي پوځونـه وتـلي وو او د شوروي اتحاد په نسکورېدو سره د غرب لپاره پـه افغانسـتان کـې نـور د علاقه مندۍ څه نه و پاتې؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلويزونو او نه هم په جرېدو، اخبارونو او مجلو کې په خبر يا مضمون ارزېده. مګر پـه افغانستان کې خبرونه ډېر او اکثر يې د اندېښني وړ وو.

د ډاکټر نجيب د حکومت وروستۍ سلګۍ وې او د جهادي تنظيمونـو او سيمه ايزو استخباراتي ملاتړو يـې د قـدرت پـر سر د خـونړي پـړاوو

(c) ketabton.com: The Digital Library

تیاری نیولی. په داسي وخت کي همدومره چي په ګران هېواد کي پیښي دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېریوالی او بې خبري.

نو د هېواد د حالاتو سره د نږدې پاتي کېدو لپاره مي د دعوت د جرېدې سره اړېکي اړیني وبللې. ښاغلي بزګر صاحب ته مي لیک او خپل ادرس ولېږه چي په پیرزوینه یې له هغې وروسته د دعوت جرېدې په مسلسله توګه راستولې او په دې توګه یې د ګران هېواد د ترخه تاریخي پړاو سره نږدې وساتلم.

زه د دعوت خپروني د ۲۹مې کالیزې په مناسبت څخه په ګټې ښاغلي محمد طارق بزګر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه یواځي ما سره د دوی د ځانګړي پیرزویني بلکي همدارنګه د هېواد د تاریخ په ډېر حساس پړاوو کي د مطبوعاتو په ډګر کي د دوی اغیزمن تاریخي مسولیت او رسالت د ښه ادا کولو له کبله د زړه له کومې مننه کوم، د لاسته راوړنو یې ورته مبارکی وایم او د هسک ځښتن څخه پدې او د ژوند په نورو چارو کي لا زیات بریالیتوبونه او سرلوړی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

درې لسيزې جهاد مو مبارک شه

ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او کـه هېـر شـوي مـې نـه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شـوې وو. پـه هغـه وخـت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چې د استقلال جريدې او د څو نورو تر څنگ به له پېښور څخه خپرېدې.
په لندن کې د ستميانو ورځپاڼـه (اميـد) تـر هغـه وختـه او تـر څـو کـالو وروسته پورې داسـې نشرـيات درلـودل چـې نـه ورتـه افغانسـتان، نـه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلـود. د دوی همفکرانـو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کـې چـې لا هـم جنگ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.
نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايد او وروسته له ليليسټروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چې پـه افغانسـتان کـې د روان جنگ او داخلي پرديپالو په خلاف خپل مضمونونه ورولېږي. دعـوت له کوچنيوالولي نه په بيړه ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديپـالو پـه مقابـل کې د پوهاند هاشميان د آيني مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و گرځېده. محمد طارق بزگر چې د دې جريدې د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعـوت چاپـاوه او د پُستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپـا تـه اسـتوله. پُسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی بـه هرومرو د خپلې کورنۍ د آزوقـې ډېـره برخـه د جريـدې پـه نشرـولو او پُستولو باندې مصرفوي.
د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعـوت د لاسي ليـک نـه چاپي ليک ته ورسېده او د پُسـتې پـر ځـای د انټرنېـټ لـه لارې لا هـم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.
څو کاله وړانـدې محمـد طـارق بزگـر پرېکـړه وکـړه چـې يـو انټرنېټـي تلويزيون منځ تـه راولي؛ څـو د نـړۍ پـه ټولـو برخـو کـې افغانـانو تـه د دعـوت لـه جريـدې نـه لا ښـه او پـر وخـت خبرونـه او پروگرامونـه ور

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورسوي. د دې لپاره موږ ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروگرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له اېډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي تلوېزيون کې داخل کړي.
زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او قفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته پکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونگرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.
محمد طارق بزگر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي- هر ورځني کړاوونو تر څنگ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه گرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنگ د پوهاند هاشميان (آينهء افغانستان) له مجله نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېرى او را پاتي کړاونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوې سرچينې له روسانو سره په لس کلن جنگ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درگومې کړاونو باندې له هر نظره څېړنې شوې دي.
زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزگر صيب تر څنگ پوهاند هاشميان ته هم د دوی د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

(c) ketabton.com: The Digital Library

هېرېدونکي مقامونه ګڼلي دي. خدای ج دې له دوی دواړو سره ښه وکړي او بزګر صیب ته دې الله ج توفیق ور کړي چې د دعوت ځینې تاریخي فایلونو مواد د کتاب په بڼه هم راته چاپ کړي. زه حاضر یم چې له کابل څخه د داسې مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هیلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت
نهه ویشتمه کلیزه دې مبارک وي

محمد نقیب تره خیل

ښاغلئ محمد طارق بزګر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وایـي چـې باعزته خلک با اخلاقه با صبره باحوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملګري کې وفادار پاتي کیږي.
زه له ۲۰۰۱یوم کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزګر صیب سره د تلیفوني اړیکو سربېره دوه درې پلا کښېناستلي سره هم یـو. احساساتي جذباتي او د باجګیرۍ خبري چـې هېـواد، ولـس، قـوم، ژبـې، دیـن تـه خدمت کوم هیڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په یاد خـدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصیت یـې د فضـلیت، تقـوا او د ښـو اخلاقو ثبوت دي.
کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:
که څوک له چاسره پدې نېت ښـه کـوي چـې یـو وخـت بـه یـې بـدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مینه کوي چې خلک مې وستایي، دا هم اخلاقي عمل نـه دی. اخلاقـي عمـل هغـه ده چې د ځان د خوښې او ګټې عمل په کې نه وي.
د صبر او حوصلې په اړوند به له بزګر صېب سره د شـوي عمـل یادونـه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزګر زمـا د پوښـتنې پـه ځـواب کـې داسې وویل:
افغان کولتـورۍ ټـولنې کـولن کـې غونـډې تـه بللـی وم. د دعـوت یـو ګډونوال ته مې یادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د ګـډون روپـې دی راکړي. ویې ښیه! ښایسته ځنډ وروسته راغې. له یو ملګري سره ولاړ وم. د پنځه ګون اېرو لوټ یې راګذار او پر ځمکه ولوېد. را وامې خیست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځاي پنځه ګون ورکـړی، هاغـه هـم د سوالګر په څېر.
هو؛ د قناعت نښه یې دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره یـې نه د چا ملاتړ او نه یې د چا مخالفت کـړی. د وینـا تـر حـده عمـل یـې

(c) ketabton.com: The Digital Library

کړی او د سوسیالیزم او امپریالیزم د یرغلگرو د هغوي د گوډاگیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله گرو په ضد د دعوت سنگر جوړول یی د زړه ورتوب نښه ده.

پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامې ورېدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یی کولتوري ټولنې په بلجیم، جرمني، هالنډ، انگلیند او د اروپا په نورو هېوادو، امریکې او استرالیا کې جوړې کړې غونډې یی وکړې، مجلې یی راوویستی، سایټونه یی جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یی ټولنې، سایټونه او مجلې شلې شنډې او شاړې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاینان، جنایتکاران او فاسده ادارې یی نوملي. سره لدې چې د ښاغلي بزگر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دي او د پېژندگلوی امکانات یی هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپیڅلتیا په وړاندې هېڅ وگڼل نو ځکه د پرگنو ترڅنگ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ بانـدې تـل پاتې وفادار لري چې هر رېښتني افغان د دعوت له سنگره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووایی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دې سل کلن شي

زاهد جلالي

د دعوت خپروني له نامه سره لـه ماشـومتوبه اشـنا یـم. هغـه مهـال زه د هجرت دیار د نوښار سیمه کې د جلوزو پـر سـړک پـه یـوه کمـپ کـې اوسېدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزګر صاحب تر کلیو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بیا چې ځوان شوم، انټرنېټ سره اشنا شوم، لیکنې و ژباړې مې پیل کړې، دعوت انټرنټي پاڼه یو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کـې د سترو لیکوالو ترڅنګ نشرېدې.

له دعوت سره زما اشنایي اوږده شوه او تر دې ځایه راورسـېده او لا پـر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښـکاري. یـوه دا چې له هماغه پیله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبې د سترو لیکوالو لیکنې هم په کې خپرېدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نګـارګر، هاشمیان، ځیرکیار او نورو سترو لیکوالو او پوهانو سره یې آشنا کړم.

د دعوت پاڼې بله ځانګړنه د دې ازادي او خپلواکي ده. نـن سبا خـو د هرې رسنۍ پـر تنـدي د ((ازاده او خپلواکـه)) شـعار لیکـل شـوی، خـو تقریباً هره رسنۍ د یـوه جهـت لـه لـورې تمـویلېږي او د نـورو نظرونـو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نـه ده. دعـوت کـې رښتیني ازادي شته. زه تل دوستانو ته وایم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای یې دعوت دی.

د دعوت تر شا ایکي یوه سته ده او هغه طارق بزګر صـاحب دی. بزګـر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً یـو محـترم او د پراخـې سـینې او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلینو د مجلې مسوول، بزګر صاحب راته څـو وار پـه خپلـه ویـلي چـې د محصـلینو د مجلې د دغې ګڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د یـوه کتـاب د چـاپ لګښت یې په خپله غاړه اخیستی، تر څو د سید جمال الدین په اړه دغـه

(c) ketabton.com: The Digital Library

لیکل شوی کتاب په ټیټه بیه د خلکو لاسونو ته ورسیږي او د هغه په اړه پوهاوی زیات شي.

بزگر صاحب، فرهنگ دوسته سړی دی او د خپلو وطنوالو د علمي پرمختگ له پاره یې پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي.

بزگر صاحب راباندې گران دی. له زړه یې احترام کوم او هیله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په څیر نور نوښتونه هم وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د خپروني او ويبپاڼې په هکله يو څو ټکي

ډاکتر محمد نواب ويساند

وروستيو نږدې څلورو لسيزو پرله پسي غميزو او ناخوالو، افغان ټولنې ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زيانونه واړول. نيم ژوبله توليدي بنسټونه يې په بشپړ ډول ويجاړ، کاري بشري ځواک يې له هېواده د يو زيات شمير په کار پوه کسانوپه وتلو سره وپاشه او د ټولنيزو رسنيو (ميډيا) چارې (چاپي، انځوريزې، غږيزې)، چې د دولت د درې گونو قواوو (اجرائيه، مقننه او قضائيه) وروسته په سياسي، ټولنيزو، کولتوري او اقتصادي ډگر کې د سمې او په واقعيت ولاړ راپوروونو په ورکولو سره، چې د يوې څلورمې قوې په توگه د ټولنې د پرمختگ او رښتني ولسواکۍ (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانگړی اغېز درلودلای شي، هم ټکنۍ کړې.

خو د خپروني گټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هيوادونو کې ميشتو خورو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هيوادنۍ مينې له مخې د پردېسۍ په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوريزو او غږيزو خپرونو له لارې د خپلو شونتياوو، وخت او شرايطوته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.

د دعوت ميډيا، چې په پښتو، دري او انگليسي-ژبو خپروني لري او اوس يې ۲۹ يمه کليزه لمانځل کيږي، د يو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهې سمبال، با تجربه ژورناليست او په خپلو خلکو او هېواد مين شخصيت ښاغلي محمد طارق بزگر له خوا د پراخه هلوځلو او زيار وروسته په کار پيل وکړ. په دغه تيرو کلونو کې يې نه يواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډگر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تيريدو سره يې د يو لړ نوښتونو په راوستلو د ويبپاڼې ښې او جوړښت ته داسې ښکلا ور وبښله، چې د خپلې ځانگړنې له کبله د ډېرو معتبرو ويبپاڼو په منځ کې د پام وړ او زړه راښکوونکی ځای لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت میډیا، نه یواځې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسي یوه په زړه پورې سرچینه وګرځېدله، بلکه د ټولنیز ژوند د بېلابېلو فننو پورې تړلي علمي او اکادمیکو مالوماتو خپرول، چې د وګړو د مسلکي پوهې د لوړولو او د ټولنې د پرمختګ سره مرسته کوي، ځانګړې ارزښت لري.
لوستوال په ډېره اسانۍ سره کولای شي هم خپله دعوت خپرونې او ویبپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه ګټه پورته کړي اوهم یې د نورو همفکرانو سره شریک کړي.
دعوت میډیا، د کلتوري او فرهنګي ارزښت درلودلو ترڅنګ، په خپل وار د افغان ټولنې د واکمنانو له خوا د پټ ساتل شوو کمزوریو په راسپړلو، ناخوالو او بې عدالتیو په ګوته کولو او د پردیپالو او ملي ګټو ضد څېرو په افشا کولو او همدارنګه د نورو منفي پدیدو په وړاندې مبارزې ته د ټولنې د رښتینو بچیانو په راویښولو او هڅولو کې رغنده رول لوبولی دی.
زمونږ له بیداره بخته، له هغې راهیسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسونه د انټرنیټي تکنالوژۍ د نړیوال کېدو له برکته سره نږدې شوي او نښلوشوي دي، د د عوت میډیا هم په خپل وار د ننۍ نړۍ مهمې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نږدې او لېرې پرتو سیمو اوسیدونکو ته د خپلو خپرونو له لارې رسولې دي.
خو له بده مرغه زمونږ د هېواد یو زیات شمېر بې وسوه افغانان د اقتصادي او امنیتي ستونزو له امله نه شي کولای د خپرو شوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وګړو (انټرنیټ ته د نه لاس رسي له کبله) په څېر ګټه پورته کړي.
د دعوت میډیا له لارې نه یواځې د هېواد او نړۍ د روانو حالاتو په هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېواد کې د سرتاسرې سولې د ټینګښت، د اداري فساد د له منځه وړلو، د ورځېزو چارو د ټیکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکو وړاندیزونو د خپرولو اغیز یې هم له پامه نه شو غورځولای.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې د دعوت میډیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپرونـې د کلیزې مبارکي وایـم اود لا ډیرو بریاوو په هیله یې.

وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکـوال یـا څېړونکي په نـوم یـوه جـلا کړکـۍ، چـې د تیـرو خپـرو شـوو لیکنـو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړیني موضوع د ژر پیداکولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د نهه ویشتم خپرنیز کال په مناسبت

دکتور محمد عثمان روستار تره کی

د افغانستان د جګړې د پیل نه راهیسې، مهاجر افغانان چه د نړې په مختلفو هیوادونو کې یې تیت او پرک ژوند له سره تیراوه د لاندې دوه دلیلونو په بنست یوې اغیزمنې مطبوعاتي کمیونیکیشن لاسوند ته اړتیا لیدل کېده:

ــ خپل منځي اړیکي د تامینولو په مقصد

ــ د وطن د حالاتو نه خبرتیا

دغه اړتیا د افغانستان نه د باندې افغاني مېډیا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړ.

د کډوالتوب په لمړیو کلونوکي د نړې په ګوت ګوټ کې بې شمیره خپرونو په کار پیل وکړ چه زیاتره یې د بهرنیانو له خوا تمویل کیدلې. د وخت د تیریدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزونې د فلتر نه تیر شو؛ یوازې هغه خپرونې پاتې شولې چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

ــ د تمویل ډاډمنې سرچینې

ــ مسلکې مدیریت

ــ تکړه قلمی همکاران

ــ د لوستونکو هرکلې.

د افغان مهاجرینو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لږو خپرونو څخه ګڼل کیږي چه د نوموړې معیارونو په بشپړیدو، توانیدلې نهه ویشت کاله عمر وکړی.

دعوت د هیواد د اوږدې غمیزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاریخي شخصیتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پیکه کولو او ورکاوي طوفان را الوتی وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مینو افغان شخصیتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او ګډ وطن د ساتنې او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولرې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د خپل عمر په اوږدو کی د افغانانو او په ځانګړي توګه د افغاني کډوالو په منځ کی د نظر د تبادلي د باوري وثيقي په توګه پيژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمينه برابره يې کړي ده. د ژبي، قوم، سيمي او مـذهب د تعصبونو په وړاندې د ټينګ ملي مورچل د دريځ نه د مقـابلي جوګـه شويده او د افغانـانو د سـياسي شـعور د ودې پـه اسـتقامت يـې اوچـت ګامونه پورته کړيدي.

د پيژندل شوې قلمي همکارانو سره اړيکي، په پښتو، دري ژبو خپرونـي او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړي د مهمـو وروسـتي خبرونـو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د يو ستندرد اخبار ښه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توګه د دعوت چلونکو ښاغي بزګر ته د دعوت د نهه ويشتمي کليزې په مناسبت مبارکي وايم او ورته د هيواد په خدمت کې د لاازياتې هڅې او زيار هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د افغانانو د ملي روحيي او ستراتيژيکو روابطو کې لوی رول لوبولی دی

فهیم نظیمی

ما د ښاغلی بزګر صاحب سره ډېر کلنونه پخوا په یوه میلمستیا کې په لندن کې ولیدل او په تصادفی توګه اشنا شوم او له همغې ورځې د دعوت ویبپاڼی او مجلی دعوت سره هم اشنا شوم. د هماغه وخت راهسې د ښاغلی بزګر صاحب ورځپاڼه زما د هیلو، نظریاتو د خپرولو، وطنوالو او نړیوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسیله ګرځیدلی ده. د ده مسلکی پوهه او هاند او زیار د دی باعث وګرځیدل چی نوموړې ورځپاڼه چاپی او رسانه یی خپرونی وکړي او ډیر زیات مینه وال پیدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو په ټینګولو او نړی والو ته د افغانستان د حقیقت او واقعیتونو په رسولو کې لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کیږي چی ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب او د ده ټیم شپه او ورځ په پوره ایمانداری او مسلکی مهارت او لیاقت کار او زیار ایستلی او لوی مطبوعاتی او ژورنالیستیکي خدمات یې په پښتو او انګلیسی ژبه وړاندی کړي دي، چی خورا زیات د قدر او ستایلو وړ دی. د ده دا ټولی لاسته راوړنی په ډیرو کمو اقتصادی امکاناتو تر سره شوی او لا هم روانی دي.

دعوت ورځپاڼه او مجله، انترنیتی سایت او فیسبوکی خپرونی اوس جهانی شهرت موندلی او خورا ډیر مینه وال لری. زه فهیم نظیمی د ښاغلی بزګر صاحب د زیار، هاند، لیاقت او مسلکی پوهی او د وطنپالنی د عالی روحیی په درلودلو له کبله و ده ته د زړه له کومی مبارکی وایم او ویاړم چی ښاغلی بزګر صاحب او د ده ټیم دا ټول صفات په تیرو څو لسیزو کی د عمل په ډګر کی افغانانو او نړی والو ته ثابت کړي دي. د لوی خدایه ورته د لا بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د انسانیت

بېکسیار

کابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمینارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانګو وه چې زه ترې رابېل شوم.

د حمزه بابا دغه شعر چې وایي ((یو شور یي د شهرت و چې شوم پېښې په پېښور))، هغه وخت په رښتیني مانا کابل ته مخاطب کېدای شوای. ما تازه تازه شعر اومشاعرو ته مخه کړې وه، له کتاب او اخبار سره مې جوړه راغلې وه، ادبي بنډارونو او شب نشینیو داسې په غېږ کې اخیستی وم چې ستړیا او بې خوبي مې هډو پېژندله نه.

پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هیجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډک محفل کې له ډېرې مستۍ د دوکړیمار دوکړه وچوي. اروایي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرګ، شیدو وچېدو یا کومې ناروغۍ له وجې په درې میاشتنې ماشوم د مور شیدې بندې شي. په پارسۍ کې دغه ماشوم ته شیر سوخته وایي.

هو البته یو څیز چې له کابله بیا تر پېښوره، او بیا د پېښور په هغه ټوله موده کې تر هر څه زیات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستیا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې ګوندونو، سازمانونو، ایزمونو، له ګوندونو جلاشویو ډلو او له ډلو جلاشویو ټپلو ته. یو کس به چې یوازې یو دوه ورځې ځان در سره لږ خوږ را خوږ کړ او لږ په ادب او احترام به یې در سره ستړې مشې، خواره مشې وکړه نو دریمه ورځ به یې ضرور دیوې ډلې، ټپلې، نظریې او عقیدې دعوت در مخکې کاوه.

څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترینګلی شو، یاني له بده بد تر. په پېښور کې که له یوه همژبي او هموطن سره د بنډار او ناستې امکان و، یا د کوم اردو یا تنظیمي اخبار د کتو او یا په قصه خوانۍ کې د مرګ منظر، ادم خان درخانۍ، غم غلط، د بیلتانه ټپې او دې ته ورته کتابونو د لوستو امکان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله کابلیان یو عجیب مالګین طنزي ډیالوګ لري:

ـ ولوېدې؟

ـ هو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ـ ژوبل شوې؟
ـ نه.

اوس نو زه داسي لوېدلی وم چي د خوږو بيان يي نور هم په ناسور زخم د مالګي پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه يو همژبی، نه يو کليوال، نه يو دښوونځي يا پوهنځي ملګری، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشيني، هېڅ هم نه، ابی مړه تبه شلېدلي.

د نهيلۍ، غم، درد او کرب په دغسي توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو اروايي حالاتو کي، د اروپا په دائيم الدائيم تورو ورېځو، يخونو، بارانونو او ځول کي چي ښايي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسې يو دوه ګامه ژوندون لنډول
د اروپا زنده ګي څه زنده ګي؟

څه ګورم چي يوه ورځ بيا يو ((دعوت)) را غی. اول خو لکه هغه چي وايي، مار خوړلی له پړي وېرېږي، لږ غوندې ووېرېدم. ماوې که د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسي راغلل، خو چي مي پرانيست او ومي لوست، کيسه بل ډول وه.

دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره ټوپير درلود لکه بېخي له کومې بلې سيارې او د ځمکي له کومې بلې جلا کړې چي راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ايزم دعوت و، نه د کوم ګوند، نه د کومې ډلي او نه د کومې ټپلي.

دغه دعوت د افغانيت دعوت و، دغه دعوت د اسلاميت دعوت و، دغه دعوت د غيرت، ننګ، ناموس، حيا او د وطن د مور د پړوني دعوت و. دغه دعوت د هغو مهاجرو خويندو، ميندو د لوپټې دعوت و چي: چايي پلو ليدلی نه و.

اوس د جمرود په غاښي ځي سر تور سرونه.

لدغه دعوت څخه يوه تر سکونه وطني وږمه راتله، چي پکي د ممانړو، ګور ګورو، ښېځو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاني خټکيو، بغلاني هندوانړو، قندارِيو انارو، جوزجاني پستو او خوستيو جلغوزو رنګونه او خوندونه لکه د ګوتې غمی پکې را ټول شوي وو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

لدغه دعوت څخه د روس او روس پلوو خلاف د افغان فیلسوف ګل پاچا الفت دغه ناره بې لـدې چې د هـرې ګڼې پـر تنـدي لیکلې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

یو پټ غلی احساس دی چې ارام مې نه پرېږدي
په اور مې کړوي لکه چې خام مې نه پرېږدي
جرئت مې زیا توي دومره په ځان یمه پوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام مې نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درې لسیزو په اوږدو کې مدام د پاکستانیزم، ایرانیزم، عربیزم، روسیزم او ډېرو نورو ایزمونو خلاف د رښتینو او پـه وطـن مینـو افغانانو د مبارزې تود سنګر و، دی او وي به ان شاالله.

د دغه دعوت په هکله یوه بله خبره هم د استاد الفت پـه وینـا: وخـت د اعتراف دی ګونا خپله درته وایمه!

پدا دومره کلونو کې مې یوه افغانۍ، یوه انه، یوه حبه د دعوت چلوونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومه شعري ټولګـه یـا د هیلـې مجلـې کومـه ګڼـه مـې، هغـه هـم د چـا پـر لاس ور لیـږلې وي والله اعلـم؟ خو ښاغلي بزګر د دعوت هره یوه ګڼه، نه یوازې یوه ګڼه بلکـې د یـوې ګڼې څو څو کاپیاني هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخـامخ د پوست له لارې ماته را استولې دي، او خدای خـبر چـې زمـا پـه شـان به یې په لسکونو او سلګونو نورو ته هم استولې وي. زه له خپله اړخه او تولو هغو ملګرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت ګڼـې رسـولي دي د دعوت کلیزې په ویاړ ښاغلي محمد طـارق بزګـر، ډاکـتر محمـد فریـد بزګر، د بزګر ټولې کورنۍ او د افغاني رسنیو پراخې مجموعې ته مبارکي وایم. پاکه ربه د انسانیت دغه چغه همداسې رسـا لـرې او ازانګـه یـې د افغاني رسنیو په ټولې کې مه کموې. امین، ثم امین!

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دعوت سره د ملګرتوب له پیله تر نن

ډاکتر جمشېد سمون

له هماغه پیله مې چې دوه اونۍ وړاندې ښاغلي او ملي ژورنالیست درانه ورور محمد طارق بزګر راته په نږدې راتلونکې کې د دعوت د ۲۹ مې کلیزې او په هکله یې د نظر او یا څه لیکلو پوښتنه مخته کښېښوه، له آره نیت دا ؤ چې د ښې او منځپانګې له مخې به له ما سره د دعوت چاپي ښې په شتو څو ګڼو او همدارنګه د دعوت وېبپاڼې په هکله، چې لوستونکی او مینه وال یې یم، خپله ارزونه کوم، خو له یوې خوا د خپلې لټې له امله چې تل د نن کار راڅخه سبا او بل سبا ته پاتې وي او له بلې خوا ورځینی فزیکي مصروفیت د دې لامل شول چې له پورتني درانه پېټي اوږه سپکه او په دې هیله چې د دعوت ۵۰۰۰ تیراژ درلودونکي چاپي خپروني او په شپه او ورځ کې د کم و ډېر ۱۰۰۰۰ لیدونکو دعوت وېبپاڼې ځیرمنه او بې پرې ارزونه به نورو دوستانو هرومرو کړي وي، له دعوت سره د خپلې ملتیا او پر دعوت د روږدېدو کیسه تېره کړم.

پوره یوویشت کاله وړاندې کله چې شمالي ټلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ایستای شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسې او ښوونځي د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول.

د طبي زده کړو د وروستي کال وروستۍ میاشتې مو وې، زموږ د ټولګیوالو لخوا، د کابل طب انستیتوت او په تېره بیا د وروستي کال د محصلینو د زده کړو د بیا پیل کېدو هلو ځلو، له ((مشر ـ ملا صاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعو څه ګټه نه درلوده او ځواب به بیا هم هماغه د راډیو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان ته انتظار ؤ.

یو عجیب و غریب ترینګلی او نا هیلی حالت منځته راغلی و، ټول ټولګیوال مو کورونو ته ستانه شول. ښایي ډېرو به ځان ته بوختیاوې پیدا کړې وې، یو له بله چنداني نه خبرېدو، د اوس په څېر د اړیکو وسایل نه ول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

له خپل مسلک سره د بې کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکټر صاحب روح الله ساپي او ډاکټر صاحب جان محمد اپريدي په هڅونو او ټينګار مې په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.
د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته ووېل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترګې پر دعوت خپرونې ولګېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کړکيو هنداړو ته سرېښې او که هسې له کړکۍ سره پراته ول.
له دولس- ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملګرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خبره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بې خوندو، پيکه، بې مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د څښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خبره د فکر باز يې د دوی پر ځانګو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر ځو محدودو په لوړ معيار، بې پرو او کره چاپي او غږيزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه–نيمه ګڼه د ((شمشاد)) او بيا راوروسته ((هيلي)) مجلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو.
د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنګي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپېيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانګې يې خوند راکړ، ډاکټر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بې له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوی وي؟
هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم بېرته پوښتنه وه، راغبرګه کړه: ((ولې دعوت دې پخوا نه ؤ لوستی؟ طارق بزګر نه پېژنې؟ د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه راليږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

(c) ketabton.com: The Digital Library

انجنير صاحبان اوسېدل، شايد انجنير صاحب نجيب دلته ورتـه راوړي وي.))

څه موده وروسته چې د خپلې سپېڅلي روږدتيـا او د ځينـي کتـابونو او ضروري موادو د پېرودنې لپاره د پېښور په کتابپلورنځيو گرځېـدم، نـو د خيبر بازار په ((سعيد بک سټور)) کې مې په دعوت خپرونه بيا سـترگې روڼې شوې. هلته د کتابپلورنځي يو کارمن ؤ، ښه ښکلې غټه تکـه تـوره ږيره يې وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجې دی هم د برې پښتونخوا (افغان) ښکارېده، د نورو په پرتله يې له برنو سره په ښه چلند کې جوت توپير ليده محسوسېده. ما ورته ويل دغه دعوت خپرونه تاسې ته څوک راوړي؟ ويل ولې، خير خو به وي؟ ما وې هسې، پوښتنه مې کولـه چـې څنگه کولای شم ويې وينم، صوفی صاحب چې زما په بې خطرۍ پـوه شو نو ويل ((دا خو ډاکټر صاحب بزگر راوړي، که غواړې زه به يـې د دفتر د ټيليفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلې او ورسره ملاو به شې.)) د ټيليفوني اړيکې په مټ مې د پېژنـدگلوۍ تـر څنـگ لـه ښـاغلي ډاکټـر صاحب محمد فريد بزگر څخه د دوی د کارځای په ((آبدره روډ)) کې د ORA دفتر پته هم واخيسته او په همدا لـومړي ليـده کاتـه کـې يـې د مينې او زښتې مهربانۍ د څرگندولو تر څنگ د دعوت خپرونې پـه څـو وروستيو گڼو او همدارنگـه د ORA او KOR نـادولتي موسسـو د گڼـو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره وقدرولم.

راوروسته به هم، چې کله د لويې پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکټر صاحب بزگر د ORA له دفتر، د هېوادمـل صـاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پيرمحمد کاروان، اسـتاد بـاجوړي، عبـدالهادي هـادي او احمد تکل د بي بي سي د تعليمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نويـد د ((ليکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسـيا سـافټ)) لـه دفترونـو مې خامخا د تازه خپرونو د ترلاسـه کولـو لپـاره د کتنـې او دورې هڅـه کوله او تل د دوی له مهربانيو برخمن وم.

مسکو ته له کډوالې سره مې هـم لـه نېکـه مرغـه د دعـوت خپرونـې لـه پـازوال، نومـوتې ژورناليسـت او مهربـان اجتماعـي شخصـيت ښـاغلي محمد طارق بزگر سره تر دې دمه بې اړيکو پاتې شوی نه يم. د دعوت په پېرزوينو ترې خوښ او منندوی يم. رب (ج) دې يې زمـوږ لـه پـراخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوره څخه نه کموي، فکر او قلم یې همداسې سپیڅلی، تانـد او منلـی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹مه کلیزې؛ د ویاړنې یوه پلمه

اجمل روهي

څه باندې دوه لسیزې وړانـدې، کلـه چـې زه هـم د زیـات شـمېر نـورو افغانانو په څېر جـلا وطنـۍ تـه اړ شـوم، د برخلیـک څپـو زه د جرمنـي خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصلـۍ دوره پـه اروپـا کـې تیـره شوې وه، خو داسې یـو هېـواد تـه راتـګ، چـې ژبـه دې نـه وي زده او وګړي یې انګریزې ژبې ویلو ته هم لېوالتیا نلري، ځینې ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تـګ نـه تـر کاروموندنې پـورې ټولې چارې ور سره تړلې وې.

هغه مهـال، چـې د نـن پـه پرتلـه ټکنـالوجي دومـره پرمختللـې نـه وه؛ د انټرنیټ او ډیش انتانونو نه شتون هم مـوږ لـه دې نـه محـروم کـړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لویه خوشالي بـه دا وه، که کوم چا ته به زموږ لیک رسیدلی و او د هغوی لخوا به ځـواب را ورسید او یا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راورسـیدې. د جلا وطنۍ په همدې کلونو کې، ځینې ورځپاڼې یا بهتره ووایم جریدې تقریباً په منظمه توګه رارسیدلې او تر لوسـتلو وروسـته بـه لاس پـه لاس کیدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلګې مې چـې پـه یـادې دي: «وفـا» چـې بنســټ ګــر یــې اروانښــاد پروفیسرـ رســول امــین او سرمحقــق زلمــي هېوادمل یې مدیریت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزګر په مدیریت، «آئینه افغانستان» د ښاغلي سیدخلیل الله هاشمیان په مشرۍ او «مجاهـد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل پـه مـدیریت.د دغـو ورځپـاڼو پـه لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېودانۍ مینه خړوبیدلـه او هـم بـه اپـډیټ کیدلو.

څرنګه، چې سږ کال د «دعوت» **۲۹** کلیزه ده، نو زه به هم د دغه رسـنۍ (ورځپاڼې او ویبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کـې پنځیـدلی نظـر وړانـدې کړم.

زما په اند د هرې بریالۍ رسنۍ په هکله چې خبرې کیږي دا په حقیقت کې د هغه رسنۍ د مدیر او کارډلې د بریالیتوب په هکلـه خـبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

که څه هم د ليکوال د شخصيت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځيني بيا له دې نظر سره مخالفت لري او وايي، چې کيدی شي يو څوک ښه شخصيت ونلري، خو ښه آثار يې وړاندې کړي وي.

له نيکمرغه زه د «دعوت» بنسټګر او مسوول مدير ښاغلی طارق بزګر پيژنم، له نږدې مو بنډار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابيږي، چې هم دروند شخصيت لري او هم درنه او بريالۍ رسنۍ چلوي.

يو څو ټکي د ګران بزګر صيب په هکله:

ډير اجتماعي او د اړيکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلګه يې د ۲۹ کلونو پرله پسې ژورناليستيک کار، له حسد او دښمنيو نه ليرې او بس هسې خوږ انسان.

يو څو لنډ ټکي هم د «دعوت» په هکله:

هيڅکله يې ژېړ ژورناليزم ته مخه نکړه؛ د پيسو او نورو امتيازاتو لپاره يې څوک بې ځايه ټارګيټ او سپک نه کړل. تل يې ملي ګټې په پام کې نيولي او په هېواد کې د خيانت، فساد او ملي خائينيو پر وړاندې يې د مبازې بيرغ تل اوچت ساتلی.

ګران بزګر صيب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کليزې او برياوو مبارکي وايم، الله دې همداسې لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د ملي ګټو او بیان ازادۍ په تله کې!

سرلوڅ مرادزی

د دعوت د ۲۹مې کلیزې په ویاړ!

تر نورو خبرو مخکې اړینه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کلیزه او په راوروسته کې د دعوت بریښناپاڼې ښېګنیزه او بریالۍ چلونه قدروړ او منلي شخصیت محمد طارق بزګر، د هغه همکارانو، او بیا لیکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپروني او بریښناپاڼې سره همکاري لري او اړیکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووایم.

له هېواده لیرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپېریال او نیشت امکاناتو، د خپروني د وسایلو او تخنیک د تیارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزګر صیب ۲۹ کلن قلمي او پوهنیز زیار چې مهالپیر یي تر ننه پورې د یوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه یوازې د ستاینې او قدروړ دی بلکې د هېوادپالنې یوه داسې غوره بېلګه ده چې ځوان نسل یې باید هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپروني ټولو ګڼو ته لاسرسی نه درلود او یوازې ځینې مې لوستې او بریښناپاڼې سره له پیله اړیکه پالم، خو سړی ویلای شي دواړه، د دعوت خپرونه او هم بریښناپاڼه د هېوادپالنې په ګاڼه سمبال او د ملي ګټو په بیان، ملاتړ او ساتنه کې په تول پوره دي.

د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او بریښناپاڼو پریماني او ارزاني ده، خو ملي ګټو او د بیان ازادۍ سره د بریښناپاڼو او خپرونو چلند یو راز نه دی. یو شمېر یې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته ګټه رسوي او که د ژورنالیزم نور ارونه او ځانګړنې ورسره غوټه شي چې زما د ځانګېوهې له انګړه بهر دي، خبره نوره هم درنه او پیچلې کوي.

ملي ارزښتونو او ګټو ته ژمنتیا او د هغو ساتنه او همداراز د بیان ازادي هغه دوه وزرونه دي چې که یوه خپرونه یې ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژوندۍ پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له یادو ښېګڼو څخه یوه یې پېکه او یا دواړه یې پیکه او یا یې هیڅ ونه لري، څوک یې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزي. همدا لامل دی چې ځینې خپرونې ژر

(c) ketabton.com: The Digital Library

مري او اوږد ژوند نه لري او ځيني نورې لکه دعوت بيا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.
زه د دې دعوه نه کوم چې د دعوت خپروني به په يادو برخو کې کومه نيمګړتيا ونه لري، خو تر کومه چې زه يې ارزولای شم، په واړو ډګرونو کې په بريا پلونه اخلي او د لا بشپړتيا او پرمختيا پړاوونه وهي.
دعوت د افغان ټولو قلموالو او ليکوالو د ليکنو او لوستلو خونديځ دی.
دعوت د کيڼلارو، ښيلارو، منځلارو او ګڼلارو ليکنې په پراخه ټنده خپروي او تر خپلې وسې پورې يې د بيان ازادي ژوندۍ ساتلې ده. تر اوسه زما هيڅ ليکنه چې ښای ځينو به يې د دعوت تګلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهنې خپرې کړې. همداراز زه ليکنې، خپلو بېلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسي په موخه نورو بريښناپاڼو ته هم ليږم، خو د ځينو نورو ترڅنګ دعوت په ډېر ورين تندي دا ليکنې خپروي چې ترې مننډوی يم.
يو وخت ما بلې بريښناپاڼې ته ليکنه ليږلې وه. په ليکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه ليکلې وه، نوموړې بريښناپاڼې چې نوم اخيستل يې اړين نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنګليد په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص يې د ارواښاد تش يوه کلمه قدرې هم پيرزو نه ده!
په پای کې د ملي ګټو او ارزښتونو خبره يو ځل بيا دلته رااخلم. زه خو وايم خپرونه دې د ملي هويت، خپل تاريخ او روايـاتو په منځپانګه بډايه وي. که نور ورځچاري رنګارنګ مطالب خپريږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.
د خپروني په تګلار کې ملي ګټو ته ژمنتيا او په خپرونو کې د داسې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپرونې سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مينه زياتوي، هغوی د هېوادپالنې په روحيه روزل کيږي او په دې لامل د خپرونې ځلا او ښکلا لا زياتوي. د دعوت خپرونې چې په دې ګاڼه تر ډېره سمبالې دی، دې ټکي ته يې نوره پاملرنه هم رااړوم!
دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابرياوې غواړم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

خجسته کتاب دعوت

دکتور سید خلیل الله هاشمیان

جریدهء وزین دعوت اینک ۱۶ ساله می شود و در مسیر این مدت به مدیریت مسئول شخصیت مبارز، آقای محمد طارق بزگر، موقف ملی و مبارزهء ملی خود را برای احیای افغانستان آزاد، دموکراسی ملی، رفع و دفع هر نوع تبعیض و تاسیس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمی تحت اشغال قوای اجنبی قرار گرفته، جریدهء مبارز دعوت پیوسته به ضد اشغال اجنبی شعار داده است.

جریدهء مبارز دعوت همیشه از اتحاد ملی حمایت نموده و از حکومت دست نشانده تقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزیه طلبان دست به کار شود، زیرا تا زمانی که جنگ سالاران تجزیه طلب، ولایات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملی تامین شده نمی تواند.

جریدهء دعوت از اظهار حقایق هراس نداشته واقعیت ها را بی پرده بیان می کند، چنان چه در شمارهء مسلسل ۱۶۲ می خوانیم که در دورهء «حاکمیت متزلزل و فاجعه برانگیز مسعود- ربانی که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلاً ۵۰ فیصد عمارات ملکی و رسمی در کابل تخریب شدند... به استناد یک منبع معتبر خارجی، در فروری سال ۱۹۸۳، بین احمد شاه مسعود، عبدالرشید دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنیت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکمالاتی روس ها به جانب کابل تامین کند....»

جریدهء دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملی پشتو توانسته است در بین طبقهء وسیع دانشمندان پشتو زبان محبوبیت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زیاد به زبان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ملی دری، موازنه بین دو زبان را نیز نگه داشته و از لحاظ ژورنالیزم مانند پلی، فاصله بین امریکا، اروپا، آسیا را به هم نزدیک ساخته است.
تمنیات نیک خود را برای دوام و موفقیت این جریدهء مبارز ملی و برای صحتمندی و سعادت شاغلی محمد طارق بزگر بدین وسیله ابراز می کنم.
پیروز و جاویدان باد مبارزهء ملی به ضد ارتجاع داخلی و به ضد اشغال کشور توسط لشکر اجنبی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د کتاب په بڼه

پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنۍ خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدیخوا په ناروې کې د ښاغلی محمد طارق بزګر په سروالۍ خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.

د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کیدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکی ښاغلی بزګر دی چې له کډوال کېدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.

د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کډوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بیلو هیوادونو په تیره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډیر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کډوالان نه وو چې د ژوند ښه کولو د پاره به د خپل پروګرام له مخې له وطن نه وتلي وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کډوال شول نو ځکه د کډوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواك کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتلله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلی. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پیښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه ګڼه مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

(c) ketabton.com: The Digital Library

تاريخي ضايعه ده؛ ځکه چې په دغو خپرونو کې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعګانو انعکاس کړی و. په هغو کې د افغان کارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال ښيي چې افغانان به د شتمن ليکلي کلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينګه کيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره کې عامه او شخصي کتابتونونه چور شول، او ډير کتابونه يې وسوځول شول. په هغو کې زما کتابتون هم راځي چې له انګلستان او امريکې نه مې ډير کتابونه ورته راوړي او بيا د کابل د زاړه ښار د کتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او کتابګوټي راټول کړي وو. زما په کتابتون کې يو شمير اثرونه بېجوړې وو؛ لکه د برتانوي هند حکومت د استخباراتو د ځانګې يوه خپرونه چې د افغانستان د وخت د لويانو په هکله وه، او بيا ما د خپلې ځيرنې درې کلنې مودې په بهير کې له ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومات پرې ورزيات کړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې په نيم تخته يې پاڼو کې شنه پشتي لرله او اضافي ليکنې يې په انګريزي کې زما په قلم دي شايد بل ځوك لوستلی ونه شي.

په کابل کې د طالبانو تر پرزيدلو نه وروسته د خپرونو يوه لويه ازاده دوره پيل شوې ده، خو د دغې دورې خپرونې دننه په وطن کې د لوستونکو د پاره دي. په داسې حال کې چې له افغانستان څخه د باندې په لويديځې او عربي نړۍ کې د دوو لکو په شاوخوا کې افغانان اوسيږي. له ښه مرغه د دغه افغانانو او داسې هم په وطن کې دننه افغانانو د پاره اوس هم په باندينيو هيوادونو کې خپرونې کيږي؛ لکه په امريکا کې "آئينه افغان" د ډاکټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، په کاناډا کې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، په جرمنې کې "ګوربت" د ښاغلي محمدآصف په همت او "اسه مايی" د ښاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريکې کې "کيوان افغان" د ښاغلی رحيم وحدت په مشرۍ او په ناروې کې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزګر په سروالۍ، دغه خپرونې هم ملي دي او هم يې د عمر کولو توان ښوولی. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخت ايستلی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کیږي او یا ملي نه دي، لکه د "امید" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې یوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کیږي.

لکه چې ړومبی مې وویل چې شپاړلس کاله کیږي چې دغه خپرونه د ښاغلی بزگر په زیاړ راووځي په باندینیو نااشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ایستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ایستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منډه لولي. بې له دې چې ځیر شي لیکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زیار ایستلی وي. په دغه اړه ښاغلی بزگر یو مثال کیدلی شي. دئ د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش یوه برخه د دعوت په ویستلو باندې لگوي. له دینه جوته ده چې د ښاغلي بزگر د دعوت د خپرولو هڅونکی قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ایستل د پیسو د پاره نه وي او نه هم دا د پیسو گټلو لار ده، هغه هم په باندینیو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه څرگندیږي.

دعوت د هیواد په دواړو رسمي ژبو خپریږي، خو د پښتو پله یې درنه او افاده یې هم معیاري ده. په هره گنه کې یو یا ده لیکنې په انگریزي هم لري، خو د دعوت غټه ځانگړتیا د هغې د لیکنو څنگه والی دی. لیکنې یې نږدې ټولې د افغانستان د پیښو په تېره د سیاسي پیښو په اړه تحلیلي دي، مهمې نړیوالې جاري پیښې یې هم په مخونو کې راوځي. په لیکنو کې یې په موضوع گانو باندې بحث کیږي نه په فردونو باندې. هو، د فردونو کړه وړه او نظرونه او سیاستونه به پکې ډانډس کیږي او ټکول کیږي، خو پخپله هغوئ په سپکه نه یادیږي. دعوت د مدني اصلونو مراعات په ټینگه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصلونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په لیکنو کې د فرد حیثیت هر څوك او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کړه او فکرونه سپیڅلي نه کڼل کیږي، هغه سپړول کیږي یا یې قدر کیږي یا بېرحمه نیوکې او وارونه پرې باندې کیږي. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئولیت گڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعگانو په ښو او ناوړو خواو

(c) ketabton.com: The Digital Library

باندې خبر کړي چې هغوئ او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. په دې حساب د دعوت لیکنې نه ننداره ییزي، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحلیلي لیکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډیر علاقه مندان، خوښونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمي مرستیالان دي چې د وطن د پیښو د بېلو بېلو اړخونو په اړه پخې لیکنې وراستوي او مرسته ورسره کوي. دوئ په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زیات عمر کولو توان ورزیاتوي. نو دعوت د یوې ګډې موخې په لور په لویدځې نړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ یوه ځرګنده، لوړه او ګټوره بیلګه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان لیکوالانو به یوه بل باندې پیژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم ګمان نه کیږي چې حتی د دعوت لیوالانو په هم د هغه ټولې ګڼې ساتلي وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حال کې د خپرونو ساتل اسان نه دي. نو ښاغلی بزګر وړاندیز کړی چې د دعوت غوره لیکنې د کتاب یا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوستونکي هر وخت چې وغواړي ترینه ګټه واخلی. دا یو بل ښه ګام دی چې ښاغلی بزګر پورته کړی. په دغه کار سره به د دعوت د غوره لیکنو ارزښت او پایښت نور هم یقیني او ګټورتوب به یې زیات شي. په دغه ګټور کار کې هم زه د ښاغلی محمد طارق بزګر برى غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت او محمد طارق بزګر
ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحيم

ګرانه وروره بزګر صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسي ته زړه لـه کـومي تبريـك وايـم چـې د دعـوت درنده خپرونه د خپلو ليکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډك تاريخ او په ځانګړې توګه د تيرو ديرشو کلونو په ترڅ کې چې زموږ د هيواد او هيوادوالو د سياسي او ټولنيز ژوندانـه يـوه ډيره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د يو شـمير هغـه هيوادوالـو چـې د ډيرو ستونزو په ګاللو سره، هيواد او هيوادوالو تـه د خـدمت او خـير پـه نيت د مطبوعاتو او تبليغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاالله به زموږ د تاريخ يوه مثبته برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تيرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانيت باندې باور او ډيـر صـبر نـه شي تر سره کيدای.

د تيرو ديرشو کلونو راپديخوا زمـوږ هيـواد د پرديـو او د هغـوئ امربـرو افغانانو د لوبو او تجربو ميـدان پـه توګـه کـارول شـوی دی چـې افغـان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډيرو قربانيو او مصيبتونو د ګاللو سره سـګره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصيبت لاس په ګريوان دي. که څـه هـم د نيکه مرغه په هيواد کې دننه تر يو حده دا زمينه مساعده شوي ده چې يو شمير ازاد نشرات رامنځ تـه شي خـو د هيـواد نـه بهـر ميشـته افغـاني موقوتې خپرونې او الکترونيکـې وسـايل د خپرونـې لا اوس هـم خپلـه ځانګړې وظيفه لري او صبا به يې هم ولري.

د افغان ولس اکثريت او موثرې طبقې ښايي چې د خپـل موجـود لـوی مصيبت د جريان نه د واقعيت درك کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حيث نه يوازې د نـورو ولسـونو او هيوادونو څخه په تجريد کې ژوند نه شي کولای، بلکـې دا وظيفـه يـې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهـذيبی هويـت څخه د دفـاع تـر څنـګ د بشـري تـولنې سره د سـوله ييـزو او د هغـوئ مشروع حقوقو او هويت ته د احـترام پـه واسـطه حتـی المقـدور نـژدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

اړيکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هېوادونو د مشروعو حقوقو د تامين په لاره کې د ټکر له پاره زمينه برابره نه شي. زما په نظر د هېواد نه په بهر کې مېشته افغاني ذکر شوی خپرونې اصلی نقش په دې اړوند به ځانګړی اهميت ولري.
دا نقش په حقيقت کې په دې اړوند د يو منصف او د يو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.
کوم د انصاف او واقعيتونو پر بنا متکي تنقيدونه چې په هېواد کې دننه مېشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځينو عواملو او محدوديتونو له کبله نشي خپريدلی، بايد د هېواد نه په بهر کې مېشته خپرونو په واسطه هرو مرو هېوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هېواد نه په بهر کې مېشته خپرونو وظيفه به وي، چې په هېواد کې دننه د مثبتو پېښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غير افغاني علاقه لرونکو کړيو په خبرتيا ورسول شي.
په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپرونې د يوې خوا نه د افغان ولس د تنقيدي غبرګون د خپرونې نقش تر څنګ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوا نه به د هېواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړيکو د ټينګولو او پراختيا عامل به وګرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البيني ښو اړيکو د تقويې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.
د دې کبله ښايي چې د هېواد نه بهر مېشته افغانان (که د نورو هېوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درندې خپرونې او نورو په بهر کې مېشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادي او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبريك وايم او درته اجر، ډېر صبر او توفيق غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره زما اړيکه
هلمند پرديس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره په خپلو اړيکو وغږېږم، غواړم د دغه رسنيز مرکز په ځينو ارزښتونو او خدمتونو يو څه ووايم. دعوت خپلواک رسنيز مرکز په حقيقت کې يو خپلواک او د رسنيو په ډګر کې يو بې پرې او ازاد رسنيز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختګونه ټول د افغانستان او افغان دردېدلي ولس سره تړلی او د دوی اواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه درونډ بار ته دا نهه ويشت کاله کېږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنيز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنګه دغه رسنيز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کاميابۍ راز يې په خپله د دغه رسنيز مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب دی. د ده ډېرې هڅې، زيار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مينه دا هغه څه وو، چې محترم بزګر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړي دي، او دغه رسنيز بهير يې تر هدف رسيدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن يې موږ تاسې نهه ويشتمه کليزه لمانځو.

محترم مشر بزګر صاحب سره د ډېرو نورو ښو خاصيتونو لرلو تر څنګ يو بل ارزښتمن خاصيت دا دی، چې هغه ريښتوني وطندوسته شخصيت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر ګامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبيلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنيز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم ورونه ملګري او همکاري کوي، او بزګر صاحب دا خبره په حقيقت کې په اثبات رسولي ده، چې يو شاعر يې په خپل شعر کې وايي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې
ما ته يو دی که مغل دی که افغان

پوره يوه لسيزه مخکې چې کله ما د مسافرۍ په درشل قدم کيښود د وطن بېلتون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مينې داسې اورونه بل کړل، چې زه يې ليکلو ته اړ ايستم. ليکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلي مين وم، حتا له کلي بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنګيده، خو

(c) ketabton.com: The Digital Library

چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مینه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستۍ احساس او مینه وه، چې ما به د انترنیت له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شریکول. شپږ کاله پخوا د دعوت میډیا خپلواک رسنیز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنیز مرکز ته به مې خپلې نیمګړې لیکنې ورلیږلې او د دغه همکارۍ په نتیجه کې له محترم مشر بزګر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به یې زه هڅولوم، چې زما لیکل ښکلي او په تول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما لیکلو بلا تیروتنې لرلې، کیدای شي اوس یې هم لري، خو زه محترم بزګر صاحب زړه ماتی نه کړم، او هر وخت یې مناسبې لارښونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښونو برکت و، چې څلور کاله مخکې بیا د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخیستي، د دې لپاره ما دوه دلایل لرل، یوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مینه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم یې، ما باید دا په عمل کې اثبات رسولې وای، څکه چې افغان وطن او ولس پر موږ حق لري، چې خدمت یې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوګه شم او بله وجه یې د محترم مشر بزګر د کار او خدمت څخه متاثره کیدل ؤ، چې ده هم له چا څخه په دغه بهیر کې اجوره نه ده اخیستي او خپل وطن او وطنوالو ته یې دا نهه ویشت کاله وړیا خپل رسنیز خدمتونه وړاندې کړي دي.

په پای کې زه مشرـ بزګر صاحب ته دوعاګانې کوم، چې ستر رب العزت یې عمر ډیر او ارمانونه یې پوره شه، او لوی خدای دې موږ ته هم دا توفیق راکړي، چې په دغه بهیر کې ورسره ریښتوني ملګري پاتې شو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال نشرات جهانی
کمپلکس دعوت تبریک و تهنیت باد

استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است.

دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد وشخصیت برازندهء بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ – ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنونده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزودارم.

شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشهء خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود.

اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه‌ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی‌توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه‌های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خودکامه گی نوع توتالیتر است.

این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمردر اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟

دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به دستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزهء صادقانه وبی الایشانه نموده و

(c) ketabton.com: The Digital Library

شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کردن تمام نیرو های دموکراتیک تا بنای حکومت قانون، تا ختم جنگ و برادرکشی، تا تحقق آزادی، مردم سالاری، سیکولاریزم و خردگرایی در سرزمین درد دیدهء ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطهٔ شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی برای ایجاد ارتباط وطنی، افغانی و روشنفکرانه برای توسعهٔ دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن است. دعوت برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعوت، تریبونی برای آزادی، دموکراسی، روشنفکری، عدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انداز به نام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبی و بر علیه دزدان، چپاولگران، آدمکشان، جنگسالاران، سلاحداران، قاچاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نموده و در این مسیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمی گذارد و آنانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چور و چپاول باشنده گان این خطهء تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پول، کرسی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنان را برای ملت غیور افشاء و رسوا می نماید.

به عقیدهء من، نویسنده گان، قلم به دستان و همکاران رسالت مند دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خواهی و افتخارات میهنی خود را به یاد داشته باشند و در مسیری روشنگری مردم جد و جهد

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیشتر نمایند تا بـار دیگـر بـه پیشـرفت هـایی در زمینـه هـای اقتصـادی، اجتماعی و حقوق انسانی دست پیدا کنند.

مردم ما باید آزاد باشند تا به خود و آیندۀ کشور امید داشته باشند. همـۀ ما باید برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تـا بر نیرو های سلطه گر و چپاول پیشه چیره شویم.

ما باید با امید و میل به دستیابی به رفیع ترین قلل افتخار برای کشـور بـه سمت آینده حرکت کنیم. زمان پیشرفت و ترقی به وسـیلۀ مـا در زمینـه های هنری و فرهنگی فرا رسیده، پیروزی نزدیک است و تغییر اجتنـاب ناپذیر است.

دعــوت بــا پیــروی از اصــول آزادی و حقــوق بشــر و دموکراســی ومردمگرایی به قوی ترین شبکهء جهـانی بیشـتر ازگذشـته مبـدل شـود. زمانی قدرت‌های بزرگ بـا ورود مسـتقیم بـه کشـورها، جهـان سـوم را غارت می‌کردند، ولی حالا در هـزارهء سـوم در ظـاهر بـه نـام آزادی و دموکراسی می‌خواهند ملت‌ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.

باید در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگ سالاری هوشیارانه عمل نمایم تا آنان عقیـدهء پـوچ و بـی معنـی منطقـه پرسـتی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغـان و افغانسـتانی، شـمالی و جنوبی و ستم طلبی و سلطه خواهی چـون ویـرس مهلـک و کشـنده بـر جامعه تزریق نکنند تا بار دیگـر شـاهد بـدبختی، فلاکـت و سـیه روزی وطن و مردم ستم دیدهء آن نباشیم.

ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما درکشور، تجربهء عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسای وطن حقوقی دارد کـه بداننـد و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حـق نـدارد کـه آنـان را از چنین حقوقی محروم کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقهٔ اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیدهء بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند.

هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدیدآورندهٔ آن هاست، دارد.

در دورهٔ مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالا ترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هرکس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من معتقدم که وظیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیهٔ انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مشتی اوباش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطقوی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی

استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پاڼې د درویشتمی کلیزی په ویاړ

استاد ابوبکر ساپی

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزگر صاحب محنت دئ
څوک صفت د خپلی پاڼی څوک د ځان کړي
د دعوت د پاڼی بی ساری شــهرت دئ
څوک يي ستايي په شعرونو او نغمو کښی
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښی، همدا يې حقانيت دی
گوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دين بيان ستر امانت دئ
په وطن باندی يهودو يرغل کړی
بی گناه وژنی همدا يي ستر خيانت دئ
هرې خوا ته دی ورانکاری را ټول شوي
سر و کار يي شيطانت او ضلالت دئ
د دعوت پاڼی درنو لوستونکو واوری
يي قلم په لاس هم ډير مو مسووليت دئ
له دعوت سره د دين دعوت کښي مل شی
د صافی لخوا همدغه يو وصيت دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک!

محمد امين بسمل

د يو هېوادپال، ولس پال درانه او مـلي هڅانـد افغـان پـه لاس اېښـودل شوی نيالگی (دعوت) ثمر ته ورسـېد. دا نيـالگی د هجـرت، غربـت او لاس تنگي په داسې بدو حالاتو کـې کښېښـود شـو، چـې د راتوکېـدو، زرغونېدو، لويېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هيلې يې زياتې نه وې، خو د يو متين او سنگين انسان په همت يې دا ټول پړاونه او مزلونه په بريا سره ووهل. مبارک دې وي بيا هم مبارک!

درويشت کلن دعوت نن هغه ښايسته او صالح اولاد ته پاته کيږي، چې نه يوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترگو کې خوږ لگي، بلکې کليـوال او سېمه وال هم سترگې پسې اړوي (له نظره مه شې گرانه دعوته).

احساس مې په غربت کې اوښکې تويه کړي له سترگو
چې لولمه ليکنې د پتمنو په دعوت کې
د هيلو مات وزری مرغی بيا په الوت راشي
اميد دی چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هيلو دا مات وزری مرغی به څه وخت سرمنـزل تـه پـه الوت شي، لا خو وخت ډېر دی، خو بيا هم د دې تمه شته، چې يـو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راگرځم د دعوت ميوه لرونکي نيـالگي تـه، چـې ايښـودونکی يـې يـو داسـې پـتمن افغـان دی، چـې د توصـيف لپـاره يـې د پـوره الفـاظو په راټولولو کـې ځـان عـاجز گـڼم. زمـوږ دا گـران افغـان محمـد طـارق بزگر نوميږي.

د ښاغلي بزگر صاحب د همـت، هېوادپـالنې او متانـت پـه اړونـد زمـوږ نورو درنو افغان ليکوالو خپل ښايسته نظريات وړاندې کـړي، خـو کـوم څه، چې ما د بزگر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

ــ د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکی.
ــ د پراخې سينې (حوصلې) څښتن
ــ ماهر او هېوادپال ژورنالست
ــ جذاب، حليم او صابر انسان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ــ پالونکی، مرستندوی او حقبین
ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزګر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره ټیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له ټیلیفوني اړیکو ما د بزګر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې ټیلیفوني اړیکه ورسره ټینګه شوه نو دې ته یې اړېستم، چې یو څو هر اړخېزې پوښتنې ورڅخه وکړم. جالبه خو داوه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.
که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزګر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزګر صاحب خپل تګ لوری سم ټاکلی و.
د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وېیلای شم، چې د دعوت نوښتګر هم بزګر و هم زرګر. زرګر په دې مانا، چې وییي کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپرونې پرې زرینې او رنګینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.
د یادولو ده، چې موږ غم لړلي افغانان (پښتانه) له نېکه مرغه نه یوازې بزګر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لر او بر، تل افغان، بېنوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغۍ او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېبپاڼې چلوونکي لرو، چې د سړي زړه پرې باغ باغ شي.
زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او دردوونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بریالي وي.
د خپلې لیکنې په وروستۍ برخه کې په موږ ګران بزګر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنګ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو ګرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېږي، دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

به په دې مانا وي، چې هغه له يادو ويبپاڼو او ملت سره دغداري نيت لري. زما د وړانديز د نه منلو په صورت کې دې بزګر صاحب او دا نور درانه افغان ويبپاڼې چلوونکي د هغو مرموزو او مغرضو کسانو ليکنې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورلېږي يا خپرې نه کړي او يا دې په داسې يوه ټيټه او ځانګړې کتګورۍ کې خپرې کړې، چې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لګي.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت درانه چلوونکي محمد طارق بزګر ته د زړه په مينه د دعوت د پاخه زلميتوب مباره کي وايم.

محمد امين بسمل
د جرمني له باير ن ايالت څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library

دریم څپرکی:

پیغامونه

د منزل په لور د دعوت دیرش کلن مزل

ولي الله ملکزی

که د نړیوال ستیج په پاسني لوړ کې، د نامي امپراطوریو او تهذیبونو د عروج او زوال تابلو ته ځیر شو، نو هرو مرو به مو یقین راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسیدلو لپاره په پیړیو پیړیو مزلونه شوي ترڅو د دوئ د څواک څولۍ ډکه، ارته او وغوړیږي.

د رسنیو دنیا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو یو ستومانه او دیته ورته تاریخ لري. د لرغوني چین دنګ دیوالونه، د بغداد منارې، د بیروت کوڅې، د اروپا ښیرازه ورشوګاني او د امریکا سیلکن ویلي، ټول د دی شاهدان دي چې د نړیوال کلي جوړول او یوه څنډه له بلې سره نښلول څومره ګران، څومره هڅو او څومره شوګیرونوته اړتیا لري؟

له نن دیرش کاله وړاندې، د دعوت په نوم یوه کوچنۍ او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دی ستر کاروان له وروستۍ جوپې سره یوځای شوه او پدی زیره او شګلنه لاره یې قدم وهل پیل کړل. لا د خاړپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کی لمړنۍ شماره چاپ او ځما د ګوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پیسې نه وې او کله به د متوازنو اوغوښنو لیکنو او مقالو کمی وو، خو ټینګ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنګونو وه.

دعوت کومه اسماني صحیفه نده چې غلطي او اشتباه به نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننګه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننګوي چې د جګړې سپرغیو ته ببوزی وهي. دعوت د دریو لسیزو پدی اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاړه کړی او نه یې د څه واخله او څه راکړه سودا کړی ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رڼا مبارزه بریالۍ ګڼي او له کرکۍ څخه، کرکه لري. دعوت د مینې ساندې زمزمه کوي او د پخلاینې له شعار سره ستوني نرموي.

کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت خپروني د رواجي پاڼې په ځای د ویبپاڼې بڼه غوره او د انټرنیټ په نیلۍ سپره شوه، نو غږ یې د نړۍ په ډیرو

(c) ketabton.com: The Digital Library

برخو کي غوړونه پیدا کړل. دا اوسنۍ کلیشه یی د یوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماینده ګي کوي او ښایسته ډېر څه پکې سترګو، سترګو ته کیږي.

څما کشر ورور او د یو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزګر د ښې حوصلې او څرګند لرلید خاوند دی. د مالي او تخنیکي ستونزو سره سره یی و کولای شول تک تنها دومره غټ او دروند پیتې ته اوږه ښکته کړي او دی ځایګي ته یی را ورسوي.

موږ ولیدل چې د روسي ښکیلاک په مهال او بیا وروسته مرحله کې، د خدای بلا ورځپاڼې، مجلې او رقم رقم خپروني را میدان ته شوې، خو په څومره چټکۍ چې راغلې وې په هماغه سرعت سره تری تم شوې. ولې دعوت د وخت او شرائطو ګواښونو وارخطا نکړ، میدان یی پری نښود او د منزل په لور خپل مزل یی همداسی جاري وساته. دعوت نن لوستونکي لري، د افغاني رسنیو په کتار کې خپل پرستیژ لري او د خبر او څیړنو د یوې سرچینې په توګه ور باندی حساب کیږي.

هیله مند یم چې دعوت به د تیر په څیر، په راتلونکي کې هم د خپل دین، ولس او ارزښتونو په څنګ کې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپروني به لا وغوړیږي، لا به وځلیږي او لا به ګړندۍ او میړنۍ شي.

سکرمنتو، کلیفورنیا- امریکا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت سره زما ملګرتیا

استاد عمر پاڅون

دعوت سره زما ملګرتیا ډیره پخوانۍ ده چې لسګونو کلونو تـه رسـیږي. دعوت هغه وخت په خاپوړو کې وو په قلم به په څو محـدودو مخونـو کې په لاس لیکلی چاپېده. دا دی اوس دعوت په کمپیوټر او د انترنـت نړي کې لوی او بیل ځای لري. دعوت یواځې یوه چاپي جریده نه ده د دې پــه څنــګ کــې څلــور جــلا ویبپــاڼې، دوه پښــتو او درې: www.dawatmedia24.com، www.afghansabawoon.com، یوه انګلیسي www.dawatmedia.com او یو پښتو ټلویزیونی چینـل www.astv24.com چې لا هـم د کـار لانـدې دی، چـې پـه دې سره دعوت یو رسنیز مرکز دی، یو ځواک دی، یو قوت دی.

زه بوډا شوم خـو خوشـاله یـم چـې دعـوت خپلـه دیرشـمه (۳۰) کلیـزه لمانځي. اوس نو یو سړی په زغرده ویلی شي چې د خپل هېواد څخـه بهر د افغانانو په ځانګړي ډول د پښتنو یوه نړیوال رسنیز مرکـز (دعـوت میډیا) شته. دا ټول د محمد طارق بزګر نه ستړیکیدونکی هلې ځلې دي چې په یـواځې سر د دعـوت جریـده پـه ښـکلی ډول چـاپ او د نـړۍ نېژدی ۵٦ هېوادونو کې خپلو افغانانو او غیر افغانانو ته رسیږي.

د هېواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافرۍ په ژوند کې د خپل شخصی لګښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسـې ډول چـاپ، خپـرول او تـر مینه والو رسول څـه اسـان او د هـر چـا د وس کـار نـه دی چـې دا ټـول محمد طارق بزګر صاحب په یواځې سر پرمخ بیایي. نو د لـوی خـدای (ج) په دربار کې ورته اوږد عمر او قلم یې تاند غواړم.

د دعـوت درنـو قلمـي همکـارانو، لوسـتونکو، مینـه والـو او پـه سر کـې فرهنګیانو او فرهنګپالو څخه هیله لرم چې دعوت درنې میـډیا او پـه سر کې د دعوت درونـد مشر محمد طارق بزګر صاحب یوازې پـری نـږدي لکه چې تر اوسه یې یواځې پریښی نه دی. په راتلونکې کـې همداسـې خپلې ټولې مادي، معنوي او فرهنګي مرستې رواني وساتي، تـر څـو پـه بهر کې زموږ دا فرهنګي / کلتوری شمع تل روښانه وي.

شتوتګارت- جرمنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ
او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده

ډاکټر صلاح الدین سعیدي

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده او د لمر حیثیت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنګه او یا ډېر ضعیفوي.
زه د دعوت د ویبپاڼې سره له یوې لسیزې زیات ډېر کلک روابط او علایق لرم او د دې پاڼې او نشراتو نه مو پوره پوره ګټه اخېستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.
الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکوونکو او تنظیمونکو ته او په ځانګړې توګه جناب محمد طارق بزګر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې بریاوې په برخه کړه. ستاسې با مسؤولیته او ستر تنویري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانیت په ګټه، سولې او ښه تفاهم په ګټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتیژیک مرکز د علمي شورا په نمایندګۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم.
الله (ج) مو نور هم کامیاب او بریالي لره. ومن الله التوفیق

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر څه مې له دعوته زده کړه،
او ډېر څه نه پکې خبر شوم

نجم شینواری

د دعوت خپروني د ۲۹ کليزې په وياړ!
بزگر صيب! زه به درته ووايم، په ۲۰۰۲ کال چې زه مصر تـه د تحصـيل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهيدم، اخبار، تلويزيون هرڅه عربي، يو څه موده و روسته چې مصر کې د پښتانه افغان محصلينو سره لږ بلد شو، او د هغو کوټو ته تگ راتگ پیـل شـو، يـوه ورځ مـې د يـو افغـان محصل گلاب سید په کوټه کې د دعوت خپرونه ولیده، ښه په غور غور مې ولوستله، ډېر مطالب پکې وو چې ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملگـري چـې نـوي راغـلي هغـو ځـان سره د پيښـور نـه يـا افغانسـتان نـه راوړې ده، ملگـري نـه مـې وپوښـتل دا مـو پاکسـتان نـه راوړي..؟ هغه وويل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ويل نو څنگـه راځـي؟ وايي دا په اروپا کې ځيني افغانان چاپوي، او بيـا يـې پـر افغانـانو مفتـه ويشي، وايي تر مـا د مخـه دا پـه بنـډلونو راتللـه، چـې چاتـه راتلـه هغـه محصلين تللی، خو خپرونه اوس هم په دې ادرس راځي... بيا بـه نـو زه هم ورته انتظار وم، چې رابه غله نو هغه به ولوستله، وروسـته بـه زمـا وار وو.. ډېر څه مې پکې زده کړه، او ډېر څه نه پکې خـبر شـوم، او ډېـرې دعاگاني مو درته هلته کولی.. ولو چې ما تاسي نه پيژندلی... خو قسمت مو وو... او د پيژندگلوۍ هم يو جالبه کيسه ده... که تاسې ته ياده وي... ماته خو ياده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هيواد او ملت خـدمت تـه تل تاند اوسې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت رسنۍ، نهه ویشت کلنه شوه

عظیم الدین علیمي

دعوت رسنۍ نهه ویشت کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت میاشتنۍ خپروني د لوستني ویاړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشراتي ژوند بشپړتیایي پړاوونه په ډېره ښه توګه وهلي او د رسنیو په کتار کې یې خپل ویاړلی ځای موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هیواد د ادیبو، ژبپوهو، تاریخپوهو، ټولنپوهو، سیاستپوهو او په نورو برخو د مسلکي لیکوالانو پام ځان ته واړولی او د هغوي همکاري یې خپله کړې چې په پایله کې د نشراتي ډګر ځلانده خپرونه ګرځیدلې او په زرګونو لوستونکي یې موندلي دي.

په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوۍ سره د هیواد ستونزې له ملي دریځه څیړلي او د هیوادوالو د اذهانو په روښانتیا کې یې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.

د دعوت میاشتنۍ خپروني له لارې، د افغانستان ځوریدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنۍ د مؤسس او د امتیاز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزګر، شپه ورځنۍ هڅې او زیار د ډېر قدر او ستاینې وړ دي.

د دعوت خپروني د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت ښاغلي بزګر صیب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وایم او د بزګر صیب د لا زیاتې بریا هیله کوم.

هیره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزګر د دعوت میډیا ۲۴ په نامه د ویبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې یې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي یې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزگر»، دست اندرکاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادتمندی، کامگاری و موفقیت های شمارا تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کار های زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانهء هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت مندانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفهء تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همهء تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت له هماغه لومړۍ ورځې
خپل روښانه افغاني دريځ درلود

ډاکټر لطيف ياد

د دعوت درنه پاڼه چې د ۱۹۸۸ زيږديز کال د دسامبر د مياشتې نه يې د ناروي په هيواد کې خپلې خپرونې پيل کړې دي د هيواد د نامتو ژورناليسټ او ليکوال ښاغلي محمد طارق بزګر صيب په مشرۍ خپريږي. د خپريدو له هماغه لومړۍ ورځې نه يې خپل روښانه افغاني دريځ درلود او ويې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپريدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځليږي.

دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دينې، ټولنيزو، تاريخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسيس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ويشت کلونه يې پوره کيږي، ډير په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي يې دي.

د دعوت ميډيا سينټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګريزي ژبو هم خپروني کوي چې دغه ګام يې په رښتيا سره هم د قدر او ستايني وړبولم.

زه د دعوت د وياړلي پاڼې د نهه ويشتمي کاليزې په وياړ ښاغلی بزګر صيب ته مبارکی وايم او ده ته د لا زياتو برياوو هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزګر

عاشق فنا

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزګر د اوسنی نړیوال سیاسی-کلتوري تاریخ زرینی پاڼی دي. په دی زرینو پاڼو به کتابونه ولیکل شی او د بشری افتخاراتو په خزانه کی به خپل ځلانده او روښانه ځای ولری. طارق بزګر، دعوت او دعوت میډیا د افغانستان او افغانانو په ټولنیز ژوند کی د نوښت، بدلون او مثبت پرمختګ، علمی او منطقی زیری دی.
بزګر، دعوت او دعوت میډیا هغه انسانی روښانه څراغونه دي چی د ټولنی تاریکو برخو ته د علم، سعادت، پرمختګ، آزادۍ او خپلواکۍ رڼا خوروي.
د دعوت هره شیبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشریت ته مبارک شي!

عاشق لونګین فنا

مبتکر و صاحب امتیاز مدال جهانی «انسانیت، صلح، علم»

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و نُه ساله گی رسانهٔ دعوت میدیا پُر میمنت

ف. هیرمند

مدت زیادی نمی شود که نوشته های ناچیزم را به وبسایت «دعوت میدیا» می فرستم که جناب طارق بزگر اداره و رهبری آن را عهد دار می باشد. این رسانه به دلیل نشرات ملی گرایانه اش، خواننده گان بی حساب دارد و با انتشار مسایل و مطالب روشنگرانه و وطنی و ملی خود عطش خواننده گان بی حساب هموطن خود را فرو می نشاند.
رسانه ای که مقتضیات زمان را بداند و به این درک اش مطمئن باشد که سرزمینی که برای خاك و مردمش نشرات دارد، نیازمند دریافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص می باشد.
این کشور در وضعیت وخیمی به سر می برد و نیاز اساسی دارد که در تحکیم و صیانت اتحاد باشنده گان آن کار خالصانهٔ نشراتی به عمل آید و با این انتشارات، وحدت آنان هرچه بیشتر استحکام یابد و از ارزش های سرزمین یك پارچه و واحد کشور در هر گام تبلیغاتی، نگهبانی شده و در همین روند از دارایی های مادی و معنوی و هر داشتهٔ افغانستان حراست به عمل آید.
وبسایت «دعوت میدیا» در این عرصه ها با مسؤولیت و حساسیت قابل توجه کار و نشرات می نماید و مساعی به خرج می دهد تا این آرمان ها با دقت و مؤثریت مطلوب تحقق یابند.
برای جناب طارق بزگر و سایر گردانندە گان نجیب این رسانه دعا و تمنای پیشرفت های بیشتر و بیشتر را دارم. افتخار ماحصل فعالیت رسانهٔ دعوت میدیا به همهٔ شما مبارك!

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت درويشتمه کليزه دې مبارکه وې

انجنير فضل احمد افغان

زما ګران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزګرصاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نيکې هيلی تقديمه وم.
زه ډير خوشحاله يم چه د دری کالو را په ديخواه ستاسی د ډير درونـد علمی، دينی، سياسي او اجتماعی ويبپاڼې نه استفاده او ډيری ارزشمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمينان سره ويلای شم هغو وطنوالـو چـه پـه تيرو درويشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نـه ګټـې پورتـه کـړی وي بايـد اوس پـه دينـی، سـياسي او اجتماعـي علومـو کـی لکـه يـو اکاديمسين په ځير د ملي او بين المللی چارو باندې هر اړخيز بحث او ليکنی وکړی.
زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړيکې لرم او ښـی زده کـړی ورنـه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلـې شـپی او ورځـی مـو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دين، سولې، آزادۍ او اسـتقلال لـه پـاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسـی نور بـری غـواړم او د دعـوت درويشـتمه کـاليزه د زړه لـه کـومی تاسـی او ټولو ګرانو وطنوالو ته مبارکی وايم. خدای دی مل شه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال پُر فیض دعوت مبارک باد!

انجنیر فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهایت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخیر با داشتن افتخار استفاده از ویبسایت وزین دعوت، توفیق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاریک، بی علمی خود را با مسائل سیاسی، اجتماعی و علوم دینی منتشرهء ویبسایت وزین دعوت تنویر کنم. به یقین آن خواهران و برادران هموطنم که در بیست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزیز ما در دعوت مستفید شده اند، امروز به حیث شخصیت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظیفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پیشبرد وظیفهء مقدس ملی که عبارت از تنویر و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصیت های ملی هموطن ما، خاصتاً در این مقطع زمانی که مادروطن عزیز در آتش جنایتکاران داخلی و خارجی می سوزد، میباشد. این مؤفقیت بزرگ را به شما برادر عزیز و هموطنان میهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنویر می کنند، از صمیم قلب تبریک عرض و از بارگاۀ خداوند متعال، آرزوی مؤفقیت های مزید شما را می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ادیسی ادبی ټولنې پیغام

پښتون هر وخت د توپک او جنګ په دوستور ویاړلی دی، ده دا دوستور لمانځلی دی، او د تاریخ پاڼې یې هم په د دستور رنګینې کړې دي، نو ځکه د پښتانه په کور کې د جنګ او د دغه ویاړلي تاریخ دغه بدرنګ دستور لا تر اوسه هم لمانځلی کیږي؛ خو بل طرف پوهه او قلم دي چې نني پرمختللې جهان تري برخمن دي او راتلونکي یې هم روښانه ښکاري، مګر پښتنو پدې برخه کې ډیر کم فکر کړی دی چې د پوهې او قلم سړي د سر سړي بلل کیږي، خو دا بیا زموږ ګاونډیو هیوادونو درک کړې ده چې زموږ د پوهې او د قلم سړي یا د مرګ کندې ته ورغورځوي، یا دوی باید د غربت شپې د بل په دیار کې صبا کړي او موږ لا تر اوسه پدې فکر کې نه شوو چې د پوهې او د قلم خاوندان باید ولمانځل شي، ونازول شي، تر څو پدې لار کې نور خواري هم وکړي.

جنګ په هر رنګه حلاتو کې پښتون ګټلی دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلري. علت یې دا دی چې پښتون جنګ ګټلی دی، خو قلم یې بایللی دی.

د افغانستان په ټولنه کې عموماً ډیرو کمو خلکو دیته پام شوی دی چې علم او پوهه د یوه هیواد راتلونکي مسیر ټاکي. هغه چا چې د علم او پوهې څخه ګټه لیدلې او تري خوشاله دي، ځکه چې ده په دغه لاره کې ډیر زیار او زحمت ایستلی دی چې نورو ته یې هم ګټه ورسیږي، ژورنالیست، لیکوال ښاغلی محمد طارق بزګر صیب یادوم.

ښاغلی بزګر صیب د ژوند په دغه راز پوهیدلی دی چې علم او پوهه د انسان راتلونکي تقدیر او تدبیر کې جوړونکي رول لري، او همدغه علمي پوهه ده چې نن انسان تر مریخه هم رسیدلی دی.

ښاغلی بزګر صیب د پښتنو او پښتو ژبې له حاله خبر سړی دی، او ده محترم دا درک کړې ده چې هر انسان باندې خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لري چې ورته خدمت وکړي، نو ځکه باید سړی په ځان شپه او ورځ یوه کړي او عملي کار وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی بزگر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چی همـدم گـړی د دعـوت ورځپاڼی او دعوت ویب پاڼی چلونکی مسـوول دی، او همدارنگـه پـه علمی سیمنارونو کی برخه اخسیتل، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یی بله بیلگه ده.

ښاغلی بزگر صیب د ملی یوالی په برخه کی هم بی تفاوته نـه دی پـاتی شوی، او نن یی خپل ځان تر هغه سرحده رسولی چی موږ یی باید قدر وکړو او ستاینه یی وکړو.

د ښاغلی بزگر صیب د لمانځلو ورځ به نورو تـه هـم دا جـرات ورکـړی چی دوی به هم په دی لار کی زیار او زحمت وباسـی، او پـه دی بـه پوه شی چی عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس.

ښـاغلی بزگـر صـیب تـه د اوږد ژونـد هیلـه لـرو، پـه علـم، پوهـه او قلم یی برکت شه او په اخیر کی د سویډن پـه هیـواد کـی زمـوږ مسـافر میشتی ورونړه ((د زلمو پـاڅون)) تـه د ښـاغلی بزگـر صـیب د لمـانځلو ورځی مبارکی وایو، ستاسو په همت او وطنپرسـتئ افـرین. ستاسـو د لا نورو بریاو په هیله.

د ادیسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د هر چا نظر او هيلي خپرې کړی دی

نیک هدایت ځاځی

نیکې هیلي او سلا مونه!

زه د دعوت اخبار ۲۳ کلنۍ په اړوند او همدارنګه دعوت وېبپاڼې او د پښتو لمړني انټرنېټي تلويزيون په اړوند کوم چه په ډېرو مالي مشکلاتو او کمو امکاناتو د هيواد تکړه او پر افغانستان مين خبريال او ليکوال قدرمن محمدطارق بزګر تر مديريت او مسئوليت لاندي په کار او فعاليت شروع کړي ده، خورا اغيزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چي د هر چا نظر، هيلې يې په دعوت کي خپرې کړې دې؛ پوره بې طرفي، استقلاليت، رښتينولي او د هيواد د وولسونو، قومونو، ليکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه يي کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نو له دې کبله دعوت ۲۳ کليزه د دعوت رهبرۍ هيئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وايم. د لوي خداى (ج) له درباره ورته لاډيرې برياوې غواړم. ورسره هيله کوم چي افغانان دعوت اخبار، ويب پاڼې او د لمړني پښتو ټلويزيون سره تر خپل توان پوري مالي مرستي وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلويزيون لاغني شي. ستاسو لابرياوي زما هيله او ارزو ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د دعوت د مجلې او ورسره موازي د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم

محمد ایاز نوری

د دعوت د رسنیو د مرکز محترم مشر، افغان ملی شخصیت محمد طارق بزګر او ملګرو ته! سلامونه او شې هیلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ویب پاڼې درویشت کلنه کلیزه د زړه له کومې درته مبارکي وایم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجودیت او خپرونې زمونږ د افغاني ټولنې د اکثرو په ژبه یعنې په ویاړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټیز لوی اهمیت وړ موضوع ده، ځکه زمونږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خیانت ورسره شوئ او دا کرغیړنه لړی همدا اوس هم روانه ده. په دې بهیر کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم او په ځانګړې توګه د خپل ورور د افغان ملت خدمتګار محمد طارق بزګر صاحب زیار او قرباني ډېره ستایم. که د بزګر صاحب ملي احساس او مستمر زیار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ بریالیتوب ته نه وای رسیدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت په ویلو استوار ول او دي. قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې یوه رسنی د یوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کیږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاین ور نشي ورټکولای.

د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختګ کړئ او کافي افغانان یې په دننه د هیواد او بهر کې هره ورځ او شپه ګوري او خپله لازمه استفاده ورځخه کوي.

د دعوت د ویب پاڼې په هکله زما یو وړاندیز دا دئ، چې د هر لیکوال په نوم، یوه د آرشیف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د لیکوالانو د آرشیف په نوم چې که خپله اړونده لیکوال او یا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تیار او ورپه لاس ورشي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د يوه افغان په حيث، چې هيـواد او ملـت مـې ډېـر راتـه گـران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کُلني هر افغان پال او آزادی پـال وطنـوال تـه ورمبارکوم. عاليقدر محمد طارق بزگر صاحب ته شه روغتيـايي حالـت نوي او نوي برياليتوبونه په شخصي او ملي ژونـد کـې د لـوی الله څخـه غواړم. بزگر صاحب! يوازې نه يې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان يو خدمتگار
محمد اياز نوری

(c) ketabton.com: The Digital Library

منه، ستاينه او خواله

استاد محمد اسمعیل یون

ښاغلی فرهنګپال او فرهنګپال محمد طارق بزګر ته!
سلامونه او احترامونه مې ومنه، هيله لرم په ټولو نيکو ورځنيو چارو کې بريمن اوسې. تير کال مې پېښور کې د ((دعوت)) يوه ګڼه ترلاسه کړه> رښتيا خبره ده چې سترګې مې پرېږ خوږې او د زړه باد مې پرې کيناسته. ډيره موده کېده چې د داسې يوې خپرونې په لټه کې وم چې زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورګره وي، خو د ډيرو خپرونو کتنه او د هغو له چلوونکو سره به مو چې ليدنه وکړه نو چا به د ټاکلې ((پاليسۍ)) په وجه، چا د ((مجبوريت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو په وجه د ټکېدلو زړونو د فريادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د څيرو له ښکارندويې څخه اوړې تشولې. خو دلته هم د ځينو اشخاصو له خوا ځينې وختونه يوه نيمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډيرو دردونو د يوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده توګه چې ((دعوت)) د پېښو څرګندونه کوي، زموږ په اوسنيو خپرونو کې يې بيلګې ډيرې لږې دي. په ځانګړي ډول هغه ستر او ملي رسالت چې خپرونې يې بايد پوره کړي، هغه په دعوت کې زياته ځلا او تجلا مومي.
آره خبره خو دا ده چې ډير کلونه کيږي زموږ د ژبې، فرهنګ او ملي هويت رنګونې او له منځه وړلو لپاره د نژدې او لرې دښمنانو له خوا ښکاره او پټې هڅې رواني دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول څرګندې او په ډاګه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهيسې هم روان وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې واى، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنګينه ټاپې لګول کېدې. د ((ملحد واکۍ)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړی وای نو هغه خو د ((فاشست)) په نوم يوې کندې ته غورځول کېده، خو د نورو قومونو او ژبو په ځانګړي ډول د ((فارسي)) له پاره بيا خبره سرچپه وه. کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه (انترناسيولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغله نو دوی خو لا

(c) ketabton.com: The Digital Library

نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واړولي او ويې ويل پښتو او پښتـونولی خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پـر نـوم چـې کومـه اخـوانی ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بـې شميره ورانيو تر څنګ يې د افغاني ـ پښتنی ارزښتونو او کلتوري شتمنيو په ړنګوني او لوټوني پيل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سيمي ځينـې هېوادونو د افغانستان او په خانګړې ډول د پښتنو لرې او نـژدې، نـوو او زړو دښمنانو هم ګډون درلود او لري يې.

لکه څنګه چې څرګنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولـو کـې پښـتنو غوښ او ټاکوونکی رول درلود، خو بيا هـم لـه هغـو وروسـته د اسـلامي حکومت پـه نـوم يـو پښـتنی ضـد نانـدريزه اداره جـوړه شـوه د ((شـني ليکی)) پيروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونـه يـې د ((پان اسلامستان)) ګڼل او د خپلې ژبې او قوم په بـاب يـې هغـه د چـا خبره غوږ هم نه ګراوه. په پايله کې پښتانه په ټوليز (کلي) توګـه پـه څـو ډلو وويشل شول: [۱] انترناسيونالستان (د سرې ليکی پلويان)، [۲] پـان اسلامستان (د شني ليکي پلويان)، [۳] بې تفاوتان (بـې خـبره پښـتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه يا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه يې هېـره کړې او عمـلاً د پښـتو پـه ضـد ودريـږي)، [۵] روڼ انـدي (روڼفکـره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخـې عمـلاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولۍ ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شـمير ډير زيات نه دی، ايله دومره ځواک لري چې له سـتمي پښـتنو سره يـې مقابله کې ولګوي. د انترناسيونالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خـو لا پريږده چې وخت په وخت يې پښـتو ژبـې او پښـتنو تـه درانـه زيانونـه اړولی دي.

کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پيښو انځورونـه مې پکې ولوستل. د ناوړه پيښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورتـه اوچتـه شوې او نوره هـم اوچتيـږي. مـوږ خـو اوس لاس تړلـی، او فکـر تړلـی اولس يوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي تړلی.

تر کومه ځايه چې په نورو ژبو او لږکيو قومونو پورې اړونـديږي، پښـتو پالنه او يا پښتونولي د چا له ژبې سره د کينـې او تعصـب مانـا نـه لـري. روڼ اندي پښتانه په دې انـد دي هغـه حـق چـې فـارسي ژبـو ځـان تـه

(c) ketabton.com: The Digital Library

حاصل کړی او ساتلی، پښتانه هم باید ورڅخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او ګړېدل جرم نه دی. او که دا کار جرم وګڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.

ښاغلی بزګر صاحب! موږ اوس په هېواد کې له نوموړې ستونزې سره مخ یوو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهیږئ، ځکه چې همدا درد ستاسو په زړه کې هم څپې وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکني درولیږو، خو مونږ او ستاسو تر منځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکني مو ناوخته دررسیدلی، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکې د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی
ستا د پښتنی او انسانی لارې یو بل یون
مارچ ۱۹۹۶/۴- پېښور

(c) ketabton.com: The Digital Library

په سټوکهولم کې ښاغلي محمد طارق بزګر وویاړشو
د زلمو پاڅون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولنې په نوښت، د ژمني سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډیسمبر په لسمه په سټوکهولم کې د ګران هیواد افغانستان د ویاړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر په درناوی، ستاینغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سویډن د مالمو ښار او د سټوکهولم له بېلابېلو کمیونونو څخه افغانانو ګډون کړی وو. ډیری ګډونوال د هیواد ځوان پښت وو. یو شمیر یې د زلمو پاڅون ټولنې غړي او په ټوله کې د هیواد راتلونکي علمي او فرهنګي شتمني ده چې پخپل ګډون سره یې غونډه لا پرتمینه کړې وه. د راغلو میلمنو په منځ کې ښاغلی حبیب الله غمخور له مالموښار څخه دې غونډې سره د مالمو میشتو افغانانو د یووالي او پیوستون بېلګه انځور کړې وه.
غونډې ته د ناکې کمیون (Nacka kommun) د لوړ ښوونځي (لیسه) په کنفرانس هال کې تیاری نیول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتیب سره مخې ته بیول کېده.
غونډه په یوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکریم د څو مبارکو ایتونو په تلاوت پیل شوه، وروسته د افغانستان ملي سرود وغږول شو.
روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې یې پر مخ بیولې، ښاغلي محمد طارق بزګر، ښاغلي حبیب الله غمخور او ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دریځ (لوژ) کې خپلو ځایونو ته ولاړ شي. وروسته ښاغلي هوسا د پاڅون ټولنې یو مشر غړي نصرت الله ننګرهاري ته بلنه ورکړه چې د ټولنې په استازیتوب میلمنو ته ښه راغلاست ووایي او د زلمو پاڅون ټولنې په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلي ننګرهاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلي قریب الرحمن سعید پیغام ولوستل شو.
د غونډې ویاند ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې مایک ته راشي، چې ښاغلي مرادزي د سټوکهولم د استوګنو په استازیتوب یې ښاغلي بزګر او د غونډې نور ګډونوالو ته هرکلي او ښه راغلاست ووایه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوموړي د بزګر صاحب د ۲۳ کلن وياړمن فرهنګي خدمت ستاينه وکړه. هغه، ښاغلی بزګر د هيواد ملي ګټو او د افغانانو ملي يووالي ته ژمن شخصيت وباله او د مهاجرت په شرايطو کې يې د ښاغلي بزګر په نوښت او ميړانه د د عوت د جريدي او په را روسته کې ورسره د بريښناپاڼې په بريا چلولو کې د نوموړي هڅې او زيار د قدر وړ وګڼه. هغه په وينا کې زياته کړه، دا چې بزګر صاحب غواړي نږدې راتلونکي کې په پښتو ملي ژبه يو نړيوال تلويزيون فعال کړي او په دې لار کې نه ستړې کېدونکې هڅې کوي. داسې زيار يې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوڅ مرادزي له عالمانه او هر اړخيزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د درونډ استاد روستار تره کي پيغام د غونډې ګډونوالو ته واورول شو. له دې روسته يو زيات شمير پيغامونه چې د نړۍ له بېلا بېلو هيوادونو او لويو وچو څخه د هيواد دردمنو ليکوالانو، شاعرانو، ژورناليستانو، د ادبي او فرهنګي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزګر په وياړ او درناوۍ راليږلي وو او په هغو کې د بزګر صاحب ۲۳ کلن فرهنګي هڅې او د ژورناليزم په ډګر کې د نوموړي د زيار او هاند ستاينه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته يو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرګه کيدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سيف الرحمان شيرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت ځواکمن پيغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (ګلستان) پيغام له کوټې څخه، ښاغلي همايون ننګرهاري د نيک هدايت ځاځي پيغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجينر فضل احمد افغان پيغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاويد مومند د عمر پاځون پيغام له جرمني څخه، د مالمو څخه د ډاکټر حکمت الله حکمت پيغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدين شعر د بزګر په وياړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پيغام، د بلژيک څخه د ښاغلی امين باوري پيغام او د اوکراين د اديسې ادبي ټولنې پيغام. له دې سربېره د وخت د کمښت په لامل د يو شمير نورو پيغامونو لنډيز د غونډې د چارو د کوربه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې ګډونوالو پخپلو تودو ولولو بدرګه کړ.

د غونډې وروسته ويناوال له مالموښار څخه راغلی دروند ميلمه ښاغلی حبيب الله غمخور و چې په زړه پورې وينا سره يې د غونډې ګډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وينا په يوه برخه کې وويل: زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه يوازې فرهنګی شخصيت دی بلکې يوکارنده ژورنالست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم ليکل شوي چې د ده د پوهې او وطني مينې ښکاره بېلګه يې ګڼلای سو.

ښاغلی محمد طارق بزګر نه يوازي د بيلوبيلو مقالو په ليکلوسره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په اسمان کښې د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې يی نه يوازې دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي څېړونکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولي، دا دي اوس يی د ۱۹۹۷ کال راپه ديخوا د دعوت جريدې د خپرېدو تر څنګ دعوت ويب پاڼه پرانيستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړی په ګوټ ګوټ کښې افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د خپرولو پوره امکانات برابر کړي دي.

ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په ترڅ کې وويل چې بزګر د نړيوالو ليکوالو او ژورنالستانو له خوا ياد شوي او مننه ترې شوې ده او د خپلې دې خبرې له پاره يی د امريکايی ليکوال ښاغلی بروس ريچاردسن د کتاب حواله ورکړه چې پښتو ژباړه يی ((افغانستان: رښتيا پلټنه)) نوميږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د وياړ ځای دی او د دغه کتاب ليکوال د ښاغلی بزګر څخه په دغه کتاب کې مننه او يادونه کړې ده.

ښاغلي غمخور، بزګر صاحب ته راوړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزګر په ډېرې مننې سره واخيسته.

بل ويناوال ښاغلی حفيظ الدين پيرزاده و چې د بزګر صاحب د فرهنګي او ژورناليستي ګټورو خدمتونو ستاينه يي وکړه او د ستر ليکوال او شاعر ګل پاچا الفت په خوږو شعرونو سره يې غونډه توده کړه.

همداراز ښاغلي ډګروال حليمي صاحب هم پخپل وار سره د بزګر

(c) ketabton.com: The Digital Library

صاحب د فرهنگي هڅو په وياړ خپلې څرګندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزګر د تېز او غوښنده قلم ستاينه يې وکړه.

د غونډې د چارو کوربه د چاى او دمې لپاره نيم ساعت اعلام کړ او له چاى روسته د ښاغلي بزګر په ژوند يو لنډ مستند فيلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړى وو.

د غونډې په روستۍ برخه کې بزګر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د ګډونوالو د پوره پاملرنې وړ وګرځېده.

بزګر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنګه ښاغلي بزګر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنګي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رااستولي وو، دوى ته کورودانې ووايه او د دوى له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرګنده کړه.

ښاغلى بزګر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه ګڼم! څه چې ما کړى يوازې د يو افغان او پښتون په توګه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړى دى. او که خبره د دعوت وي د دعوت برياليتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دى چې تل يې د خپل وس په اندازه په تيرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړي دي.

بل خوا بزګر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کوليکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالۍ کړ او په همدې توګه يې يو کوليکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالۍ کړ.

په پاى کې د زلمو پاڅون ټولنې لخوا يو ستاينليک ښاغلي بزګر صاحب ته د ښاغلي ډاکټر سرلوڅ مرادزى او د ښاغلي حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د څلور بجو شاوخوا کې پايته ورسېده. د غونډې ويډيويي فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

ګران محمد طارق بزګر

محمد یوسف هیواددوست

یادونه:
د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر، شتون په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد ګل خان مومند:

پښتو د بڼ چوښی یم شور به کړمه پښتنو ته
تل دوي ته په وینا یم که وم وم که نه وم نه یم

زما خبرې تل سپیني دي او له همدې امله هیڅ مجبور نه یم یا د چا بې ځایه توصیف او تعریف وکړم او یا یې بې ځایه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزګر صیب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هیواد د ژورنالیزم او په تېره بیا له هیواد څخه د باندې د افغاني ژورنالیزم تاریخ به د هغوی نوم هم په زرینو کرښو ولیکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کیږي چې د ګران افغانستان د ژورنالیزم او ادب د ګلالي بڼ دغه عندلیب او د دغه په زړه پورې بڼ دغه مالیار سره له دې چې له هیواده د باندې په ناروې کې د مجبوریت او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زېږونکي هیواد د تاریخ او زموږ د فرهنګپاله ولس د پایښت او ښایست ترانې غږولې، په لکونو مخه پاڼې یې تورې کړې، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډیزاین، څرنګوالی او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت یې پر ځان تېر کړی. په لکونو واره یې تا او ما ته ټیلیفونه کړي، فاکس او تیلګرام ته ناست و او له هر چا یې د اخبار لپاره د مطالبو د لیکلو هیله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سیمو کې د مظلوم غږ تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم یې افشا کړی، د افغانستان او له هیواد نه بهر د لسګونو مطبعو دروازې یې ټکولې، او په زرګونو خپرونې یې تر ما او تا رارسولې.
ګران او نه ستړی کېدونکی ژورنالیست ښاغلی محمد طارق بزګر یادوم!
همدغه د یوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغاندوسته فرهنګیال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې یوه شېبه هم د

(c) ketabton.com: The Digital Library

((دعوت)) د ملي او درنې خپروني له په زړه پورې خپرېدو لرې پاتې نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، مېړانې، پاڅونونو، سرلوړيو، ښاديو او رازونو سره ملګرى پاتې شو. ((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شين)) ښامار، بدمرغه مخ او ناوړه نيتونه يې ولس او نړېوالو ته بربنډ کړل. ((دعوت)) و چې په سيمه کې يې د ښکېلاک او زبېښاک د ((سترې لوبې)) ټول اړخونه او ((تياره)) ګوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو يې پردې لرې کړې. دغې خپروني پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موږه راورسول.

((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړېوالو ليکوالو او غوره څېړونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، څېړنو، راسپړنو، مرکو، رپوټونو، خبرونو او تحليلونو رنګين کړل. د ژورناليزم ټول بنسټونه او اصول يې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، ګونګه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معياري ده، په تېره بيا تل يې پښتو ګرامر او په ځانګړې توګه پښتو ((ى)) ګانې سمې کارولې دي.

لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت يوه اړتيا ده. د دغه شان يو مدبر او مدقق ژورناليست لکه ګران محمد طارق بزګر شتون، په افغاني ژورناليزم کې يو وياړ او د الهام وړ دى.

زه په دې توګه ګران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزګر ته د ((دعوت)) د ۳۱ کلنۍ مبارکي وايم او د دې خبرې څرګندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کې ځان شريک بولو. بزګر صيب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

څلورم څپرکی:
د بزګر څیره

در مستند ناروېژی «پناهنده»

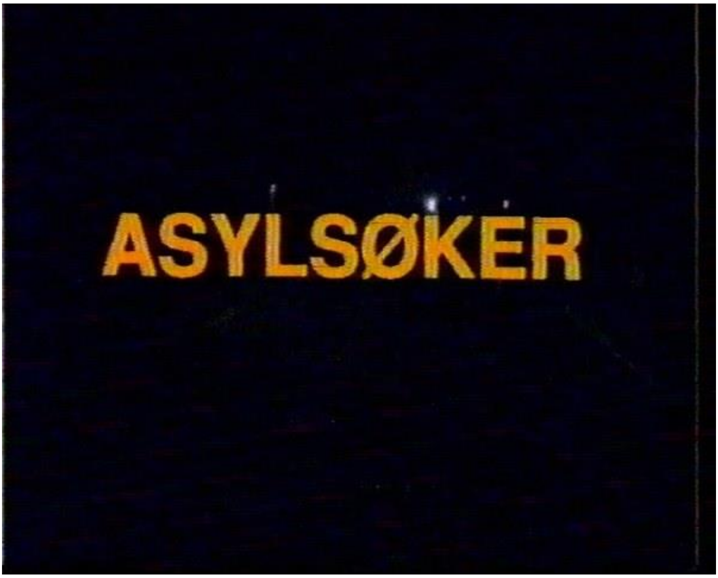

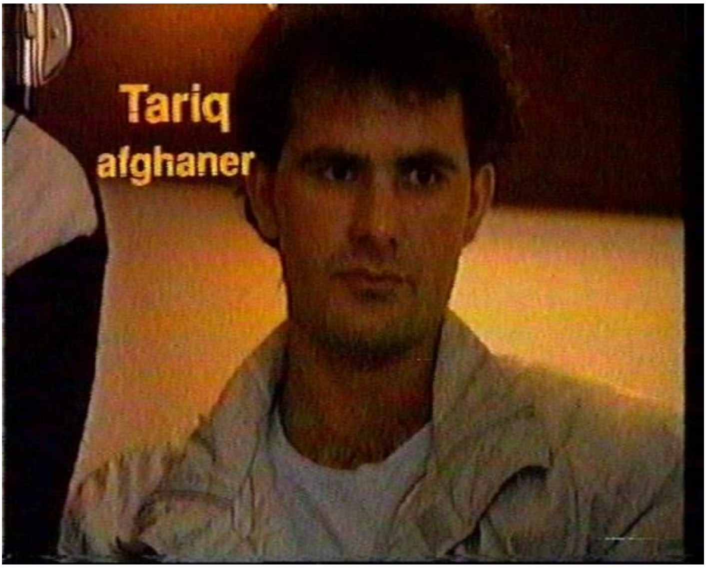

(c) ketabton.com: The Digital Library

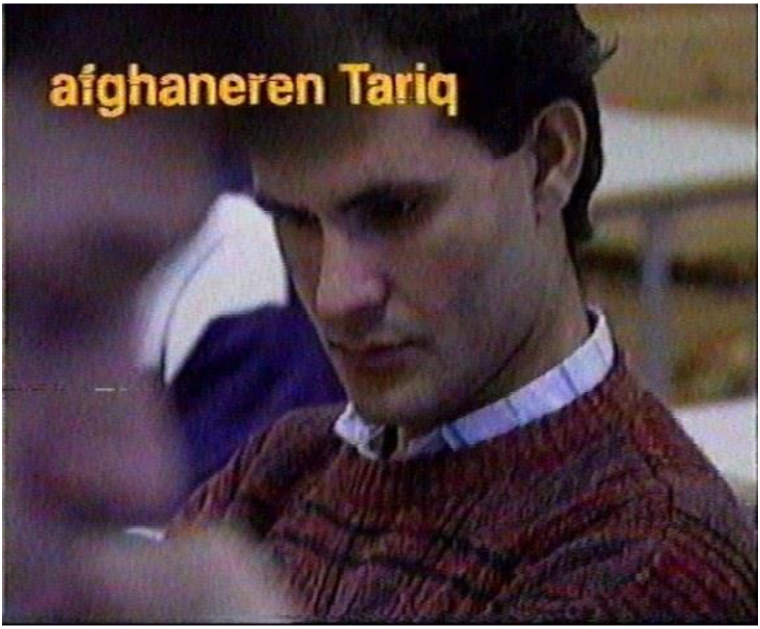

(c) ketabton.com: The Digital Library

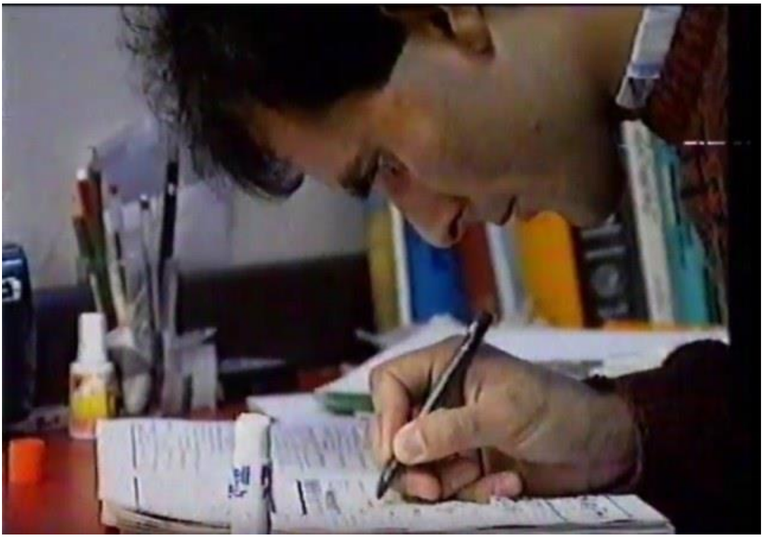

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

در مطبوعات غربی

– Misbrukte Shahs gjestfrihet

KRITISKE: Afghanske Tariq Bazger og kona Nooria har lest Åsne Seierstads bok. – En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

Av GURO HOFTUN GJESTAD og JANNE MØLLER-HANSEN (foto)

Redaktør Tariq Bazger forstår godt at hans venn, bokhandler Shah Mohammad, ble sjokkert da han leste Åsne Seierstads bok.

– Forstår? Jeg mer enn forstår at han ble sjokkert, sier Tariq Bazger. [illegible] kommer ut til afghanere i 45 land.

– Åsne Seierstad har misbrukt Shah Mohammads gjestfrihet ved å beskrive hans familie og hans privatliv. I Afghanistan heter det at «hvis jeg har spist ditt salt, er jeg en del av din familie. Jeg er takknemlig overfor deg og respekterer deg». Det betyr at hvis du har vært noens gjest, ønsker man ikke vertskapet noe vondt, forklarer Tariq Bazger.

Tariqs kone Nooria leste boken i sommer og reagerte på hvordan Åsne Seierstad beskrev et helt land ut ifra møtet med en familie.

– Åsne Seierstad gir en del feilaktige bilder i boken. En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

[illegible]

... mat og jord. Det finnes dårlige mennesker og gode mennesker [illegible] og la han beskrive det han ser. Da vil han kanskje si at norske kvinner er billige. Rett og slett fordi han ikke kjenner kulturen, sier Tariq Bazger.

Han har truffet Shah Mohammad i Pakistan og kjøpt mange bøker av ham.

– Han gjør en veldig bra jobb. Det finnes mange bokhandlere i Kabul, men han er det eneste som selger bøker til utlendinger i Afghanistan, sier Tariq Bazger.

Overrasket

Som journalist og redaktør er Tariq Bazger svært kritisk til Åsne Seierstads fremgangsmåte:

– Skriver man om Afghanistan og dets politikk, skal man ikke ta hensyn til om makthaverne liker eller ikke liker det du skriver. Men hvis man [illegible]

(c) ketabton.com: The Digital Library

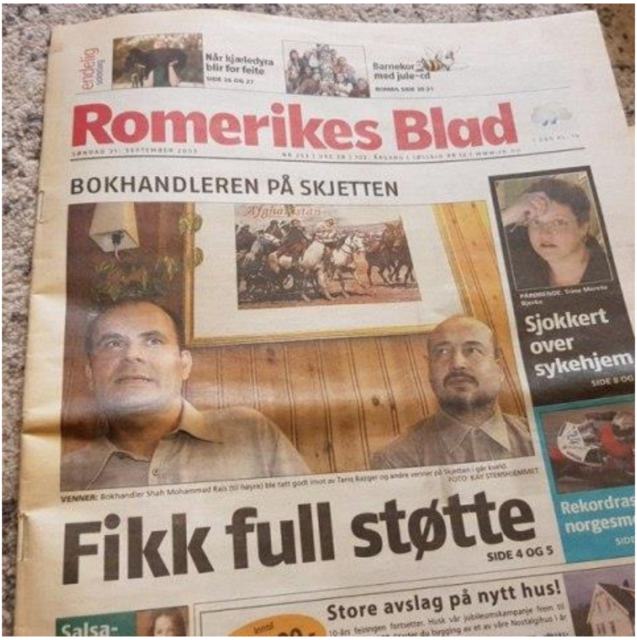
endelig søndag

Når kjæledyra blir for feite
SIDE 26 OG 27

Barnekor med jule-cd

Romerikes Blad

BOKHANDLEREN PÅ SKJETTEN

VENNER: Bokhandler Shah Mohammad Rais (til høyre) ble tatt godt imot av Tariq Rasger og andre venner på Skjettan i går kveld.
FOTO: KAY STENSHJEMMET

Fikk full støtte

SIDE 4 OG 5

Sjokkert over sykehjem

Store avslag på nytt hus!

Vikebladet/Vestposten

LAURDAG 28. OKTOBER 1989 11

Den stolte, hogreiste 23-åringen frå diplomatfamilien i Kabul prøvde seg på kroppsarbeid for første gong i sitt liv på Skaarfish i Hjørungavåg - med svært dårleg resultat! Ja, det stemmer, det var faktisk første forsøk - om vi då ser bort frå den gongen far til Tariq sette han til å hogge ved i tre samfulle dagar i sprengkulden, som straff for ein dårleg matte-karakter.

Geriljaleiaren likar ikkje lettvinte jenter

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

Afghanarane ved asyl-mottaket

Flytter frå Hareid

Ved asylmottaket på Hareid er åtte afghanarar i oppbrots-stemning. Frå Skedsmo kommune utanfor Oslo har dei fått beskjed om at dei er velkomne til å etablere seg. No ventar dei berre på endeleg avreisedato.

• ANNE GRY EILERTSEN

Vikebladet Vestposten

INSTALLASJON

Ulstein Elektro AS

Nr. 48 62. ÅRGANG TORSDAG 3. MAI 1990

Flott 25-års jubileum

Fotballen rullar...

Billig på daglegvarer

(c) ketabton.com: The Digital Library

VP - fredag 7. april 1989

LOKAL HØYRING OM AFGHANARANE SIN SITUASJON

RESULTERTE I LOKALT POLITIKAR-OPPROP

Tredje steget

afghanarar

"I november kom 10 afghanarar til Hareid. To av desse har i nærare 14 dagar sete i varetekt i Oslo, og i går vart dei sendt attende til Pakistan, som vart seu på som deira første mottakarland. Den eine 15, den andre 19 år gamal. Dei åtte som er attende på Hareid ventar no i spenning på kva svar dei vil få.

PEDER MASESIDE:

Folk å minnast

KR. 80,—

Afghanistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

innatt ...t!

Ivar Grimstad kåserte om ein tur til Sovjet.

Vikebladet/Vestposten

Tareq har fått svar

Avslag etter 11 månader

Inga Hareide

Sist fredag fekk Tareq Bargzah frå Afghanistan melding om at søknaden hans om opphaldsløyve her i landet var avslått. I elleve månader har han venta på svaret, vona på at tida var til hans fordel. Han er redd for at det kan bli gjort alvor av dei trugsmåla han har motteke for skrivinga si om han blir sendt attende til Pakistan. Men UDI vurderer saka annleis, dei viser til brudd på 14 dagars-regelen og meiner difor han må reise attende til Pakistan. Framleis held altså departementet fast på at 14 dagars-regelen også skal gjelde for Afghanarane, sjølv om det er allment kjent at det kan seg ikkje gjere å flykte direkte frå Afghanistan til eit europeisk mottakarland.

Tareq har si utdanning frå universitetet i Kabul med politikk og juss som fag. I hovedsak var han oppteken av politikken i sør- og sentral-Asia. I studietida virka han som distributør av illegal propaganda mot det kommunistiske regimet. Men han vart oppdaga og sett i fengsel i Kabul. Etter ti månader her vart han flytta til eit fengsel i den austlege delen av landet. Men under ei bombing av fengselet maktet han å flykte, og kom då [illegible] mujahedin gruppe. [illegible] han leiar for ei avdeling geriljasoldater.

Allereie då fekk han åtvaringar mot skrivinga si. Ein høgtståande leiar av ein annan gruppe, såg med misstru på denne soldaten som hadde si utdanning frå universitetet og ikkje den religiøse skulen. Tareq byrja føle seg trua, og flykta til Pakistan. Men heller ikkje her følte han seg trygg. Den mektige leiaren hadde og ein høg posisjon i dette landet. I tillegg hadde både KGB og HAD folk plassert i flyktningemiljøa. Tareq såg inga anna løysing enn igjen å kome seg på rømmen.

Her i landet har Tareq målmedvete arbeidd for heimlandet sitt, og har ikkje vore redd for å stå fram med meiningar si. [illegible] god-ord, han har blitt truga på livet både over telefon og pr. brev.

Tareq vil anke avgjerdsla. Så er han i alle fall trygg i denne tida. Lenger fram tør han ikkje tenkje.

Vikebladet/Vestposten

Også augu...

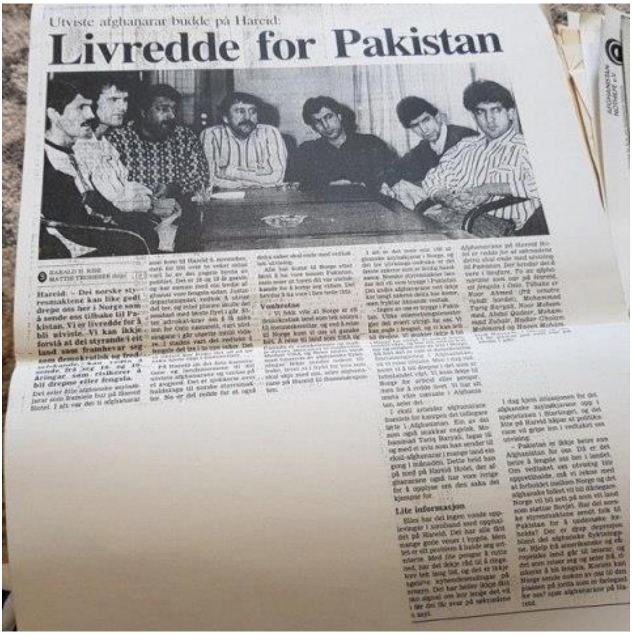

Utviste afghanarar budde på Hareid:

Livredde for Pakistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

AFGHANARANE PÅ HAREID HOTEL

PARTIARBEID I EKSIL

MARIT KVAMMEN

Han er høg og senesterk, i trettiårsalderen, hans engelske ordforråd er upåklageleg, men aksenten gjer at han stundom er litt vanskeleg å forstå. Men Mohammed Tariq snakkar gjerne, forklarar tolmodig tilhøva i heimlandet Afghanistan - til alle som vil høyre på og sjå utstillinga han og dei ni andre afghanarane som for tida er på hotellet, har laga i stand.

For desse asylsøkjarane er det maktpåliggande å drive politisk agitasjon, same kvar i verda dei er. Det opptek dei i mesteparten av fritida.

Mohammed Tariq er tidlegare geriljaleiar, det vil seie han har hatt kommandoen over ei av timannsgruppene som geriljsen i hans område er inndelt i. Spør vi kva han gjorde i det sivile liv, er svaret student. Jus og politikk er faga hans. Den russiske etterret-

Dei tur ikkje på Gorbatsjov for det om han har gitt ordre om tilbaketrekking av troppane. I Kabul har han sine folk som kontrollerer at det ikkje skal haldast frie val likevel, hevder Tariq. Sovjet måtte trekke seg tilbake no, og det var vi som tvinga dei!

«Vi» er Den islamske union av den Afghanske Mujahideen, som er det fullstendige namnet på sameinslutninga av dei mange islamske partia.

Og det er ikkje berre Gorbatsjov desse muslimane har skepsis til. Den andre stormakta, USA, har vore lite til hjelp, meiner dei. På den sida fryktar dei ei utvikling som i Khomeinis Iran dersom Mujahideen kjem til makta.

-Men det er utelukka, kan Tariq fortelje. I Iran er det Shia-muslimane som rår, i Afghanistan høyrer berre 10 prosent av folket til denne religionen, 90 prosent er Sunni-muslimar. Det forklarar alt, slik han ser det. Sunni-muslimane ville aldri la ein førar som Kho-

Dei ti afghanarane som er plasserte på Hareid Hotel, har alle ei fortid i geriljaen, med unntak av den yngste, ein blid 15-åring. Han går på ungdomsskulen på Hareid, draumen er å kome tilbake til Afghanistan om eit års tid - og til geriljasoldat.

I motsetning til dei tamilske og iranske asylsøkjarane er afghanarane slett ikkje opptekne av å vere anonyme, tvert om. I romjula arrangerte dei eit større informasjonstreff på hotellet, med plakatar, fotomontasjar og omvisning. Dei vil tale Mujahideen si sak kvar som helst, både desse og dei 150 andre afghanarane som for tida oppheld seg i Norge.

Men Muhammed Tariq har ei spesiell oppgåve som han arbeider med dag og natt. Han lagar informasjonsavis. «Dawat» skriv han sjøl, mest for hand, og får avisa mangfoldiggjord på kopimaskinen ved Ulstein Nor. Avisene blir så sende til adresser over heile Europa, til landsmenn i eksil.

Vi er på Hareid Hotel, midt i rommet eit lite norsk juletre, på veggene rundt plakatar med motiv frå Sunni-muslimane sin religion, profetar og Koranen, ein stor plakat med dei enkle ord: DOWN WITH RUSSIA. Montasjar med bilete frå den lange krigen i Afghanistan. Til venstre har Muhammed Tariq, redaktør og utgjevar av alle eksil-afghanarar si informasjonsavis, «Dawat». Den blir laga her og distribuert frå Hareid.

Men dei andre afghanarane på hotellet hjelper til. Muhammed Noor (t.h.) er militærlege, alle har eller sin bakgrunn i geriljaen. Dei kan ikkje tenke seg å sitje uverksame den tid det tar til avgjerd om verkunderveisninga er unnagjord. Her gjeld det å spreie informasjon om det som skjer i Afghanistan, det er ikkje alltid nøgde med versjonen i norske media.

mot Pakistan, afghanske byar etter sovjetisk bombing, lemlesta barn...

-Her er mine brør, viser Tariq på eit bilete av ei geriljagruppe. -Har du mange sysken? -Fire brør og fire søstre, svarar han stolt. -Og søstrene, er dei også med i geriljaen? Han drog på det. -Dei er

Organist-stilling i Hareid ledig

HAREID:

Kyrkjelyds-arbeidar i permisjon

Vest Posten

NR. 21 - ONSDAG 15. MARS 1989

20. ÅRGANG KR. 4

Fem av ni afghanarar er att på Hareid Hotel

KVA SKJER MED OSS ? SPØR DEI

Dei fem afghanarane som no bur på Hareid Hotell. Sitjande: Noor Ahmad, Noor Mohammad. Ståande: Mohammad Tariq Bargoli, Farhad Muhmand, Ghulam Haider Muhmand.

I redsle og uvisse sit fem afghanarar att på Hareid Hotell. Etter hendinga sist torsdag, då to av landsmennene deira vart henta av politiet, er det uvissa om framtida som igjen slit i dei. Forrige gong politiet henta to afghanarar var 2. januar i år. Kva lagnad desse to har fått, er uvisst. I alle fall veit ikkje kameratane deira her på Hareid om dei framleis sit fengsla, eller om dei er sende heimatt.

Naseem og Zubair, dei to som torsdag vart frakta til Oslo og som no sit fengsla på Fornebu, har innleia ein svelte-streik og vil rette søkelyset på korleis tilhøva er for afghanarane i eksil, anten det er her i landet eller i Pakistan.

Kva slags ekteskap lever du i?

FRA HEIMANE-VÅRE-KVELDEN SIDE 4

Vestposten i påskal

Vestposten tek ferie i neste veke.
Annonser til fredagsnr. må vere oss i hende innan kl. 10 torsdag f.m.
Første nr. etter påske blir onsdag 29. mars.

Red.

Ulf Myhre ved Vegkontoret:

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vest Posten
NR. 25 - ONSDAG 5. APRIL 1989 — 20. ÅRGANG. KR. 4,-

Godt utvalg i golvbelegg
Hareid Ror a/s

TOK BERGEN MED STORM.

rungavåg-slaget ørundfjorden!

Anders Hustadnes

Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -

Møte mellom afghanarar og politikarar sist måndag

Etter initiativ frå afghanarane som bur på asylmottaket på Hareid Hotel, fann det måndag kveld stad eit møte mellom representantar frå dei politiske partia i kommunestyret og desse seks asylsøkjarane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakesendingane av afghanske asylsøkjarar til Pakistan som har funne stad tidlegare i år. Ein har idag ikkje sikre informasjonar om kva som har skjedd med desse i Pakistan.

Dei politiske representantane viste forståing for afghanarane si sak, og møtet resulterte i at dei var samde om å oppmode styresmaktene om ikkje å sende attende fleire afghanske asylsøkjarar før ein i det minste får sikre informasjonar om lagnaden til dei som alt er sende tilbake. Det var og brei semje om at det snarast råd vart arbeidd ut eit politisk opprop der dei vil be dei sentrale styresmakter på nytt å vurdere afghanarane sin situasjon.

Referat frå møtet vil vi kome attende til.

Vel-

...ar lokalpolitikarane om hjelp:

Dagleg frykt blant asylsøkjarane

Med Tone Skorgenes som tolk orienterte Mohammad Tariq Baryali (i midten) Hareidpolitikarane om kva afghanarane har å bli sende tilbake til. Noor Mohammed sekunderte. Spørsmålet er kva dei kan nytte i den store samanhengen å engasjere seg. Når partia på Hareid får diskutert saka og teke kontakt med sine respektive stortingsfolk, vil det bli eit opprop til Justisministeren.

MARIT KVAMMEN

Dei seks afghanarane som er att på Hareid Hotel, skjelv i redsle for kvar framand bil som stansar utanfor. Er det og som skal hentast no?

Måndag kveld møtte dei Hareidpolitikarane frå alle parti for om mogleg å få dei til å reagere mot regjeringa sin politikk andsynes den vesle gruppa afghanske flyktningar som har kome til Norge frå Pakistan.

Gjennom avisene har det blitt kjent at 60 av dei ca 150 afghanske asylsøkjarane i Norge har fått ...

Kven må reise?

Det som ikkje er opplyst, er kven av afghanarane som har fått handsama opphaldssøknaden sin. Og frykta breier seg. Hittil har ingen afghanar fått løyve til å opphalde seg i Norge, ... land det vert vist til. Regjeringa støttar seg også til uttale frå FN's høgkommisær for flyktningar, som seier at afghanarar er trygge i Pakistan. Den forsikringa fekk også den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

Farleg i Pakistan

... afghanske eksilmiljøet verkar. Han kan fortelje om kameratar som har vorte likviderte, om eit system av leigemordarar og soner der «alt er tillate». -Du kan få gjort kva som helst for pengar i Pakistan, seier Tariq.

Dei to siste afghanarane som vart henta frå hotellet like før påske og på rekordtid sende ut av landet, har enno ikkje late høyre frå seg. Kameratane som er att på Hareid, trur at dei anten er fengsla i Pakistan alt, eller dei kan vere på sjukehus som fylgje av svelte-streiken - begge alternativ er «i beste fall».

Feigt å vere flyktning

... slike som «stikk av». Dei blir merka, og kan vente seg ... tilstander når dei kjem tilbake.

Kvifor ikkje Pakistan

... der er ikkje slik i dag at det ei ... gleg. 5,5 millionar afghanarar lever i dag utanfor landets grenser, dei fleste i Pakistan og Iran, ... dei har flyktningestatus. ... KGB og den afghanske etterretningstenesta, Khad, opererer i flyktningemiljøet. Fleire ... ande afghanarar i eksil i Pakistan har vorte tekne av dage. Dette ... maktkampen mellom dei afghanske grupperingane som dei ...

(c) ketabton.com: The Digital Library

...areq under afghanistan-kvelden på Hareid bedehus:

Afghanistankrigen ikkje s...

ANNE GRY EILERTSEN

Det vart fullt hus under «Afghanistan-kvelden» på Hareid bedehus tirsdag. Det var afghanarane ved asylmottaket på Hareid som stod både for mat og program denne kvelden. For å takke for seg, sidan dei snart skal flytte til Austlandet, og for å informere om forholda i Afghanistan.

Og det var redselsfulle scener frå krigen dei frammøtte vart vitne om på videoskjermen. Nokre av opptaka var faktisk berre 2 månder gamle. Og dei viser at sjøl om russarane no har trekt seg ut av landet, så styrer dei i teddane likevel, mange kallar regjeringa i Kabul for ei «majorinette-regjering», nettopp fordi den blir styrt frå Russland.

Frå Afghanistan-komiteen var Laila Grimstad frå Ålesund til stades. Ho fortalde at Afghanistan-komiteen vart oppretta i årsskiftet -79-80, då russarane invaderte Afghanistan. Afghanarane hadde ingen ting å hjelpe seg med, mange av dei kasta seg framfor dei russiske tanksa som kom køyrande.

Frå 1983 har Afghanistan-komite-gruppene i Norge i første rekke konsentrert seg om sende helseteam til det hardt råka fjellfolket. Dei er då vekke i 3 månader om gongen. Men nokre er stasjonerte også for lengre perioder, og dei driv i tillegg til lækjararbeidet, med opplæring av afghanske helsearbeidarar. Elles driv komiteen skular i Afghanistan og for flyktningar i Pakistan, og dei er med på vatningsprosjekt.

Eit av dei største problema i Afghanistan no, etter at russarane har trekt seg ut, eller alle minene som ligg rundt i landskapet. Ca. 15-20 millionar miner ligg i landskapet, mange forma som fine leikety, og afghanistan-komiteen har bede regjeringa i Sovjet om å få landminekart for å rydde dei vekk. Dette har dei ikkje fått utlevert. Dagleg døyr det endå små barn på grunn av desse minene.

Tareq, som har vore geriljasoldat i Afghanistan, fortalde at sjøl om Russland er ute av Afghanistan, og viser eit blidt ansikt utover, så held dei fast på støtta si til «Quisling-regimet» i Kabul. Kvar månad blir regjeringa der støtta med 28 millionar kroner i våpen.

– Gorbatsjov blir sett på som ein god mann i Vesten, men vi afghanarane som opplever dagleg at ... blir drept på grunn av ... har eit anna syn på Gorbatsjov.

Tareq sa vidare at ... vil til livs, men dei vil ha eit demokrati. Ein folkevald president, ikkje eit majorinette-regime styrt frå Sovjet. Og når 75% av bygningsstrukturen i Afghanistan er øydelagt på grunn av krigen, er det mykje som må byggast opp att. Då hjelper det lite at regjeringa i Sovjet sender pengar som blir brukte i Kabul, medan dei utover landsbygda ikkje får hjelp.

– Ingen hadde trudd at Afghanistan kunne kjempe mot supermakta Sovjet. Gorbatsjov har fått æra av at Russland har trekt seg ut, men det er det afghanske folket som har kjempa dei ut, sa Tareq, og la til at Afghanistan var første landet som torde å tale Gorbatsjov imot.

Folk i Afghanistan har sjølsagt forskjellige mål, men dei fleste er samde om ein ting, russarane skal ut av Afghanistan. Og korfor er det kommunistiske regjering i Afghanistan i dag, viss russarane har trekt seg heilt ut? spurde Tareq møtelyden.

– Vi har hatt ei fin tid på Hareid avslutta han kvelden med. Vi ...

Vesle Yalda på 6 år kunne synge både på afghansk, jugoslavisk og norsk. Her saman med Tareq.

I Bigset Vest

Erling Hareide leiar for fotballgruppa

SVEIN SMORDAL HUSSTYREFORMANN

Johanne Brindheim

Minneord

Signe Jensok, f. Nilsen, døydde 9. oktober i år, 87 år gammal, og vi på Myra vil gjerne knyte ein krans av minne og takksemd til namnet hennar.

Ho var fødd i Hysvær, Helgeland, men kom til Bjørnsund 16 år gammal. ... Johannes Jensok ... Dei gifte seg i 1927, kom til Jensok og vart sjølvefolk på Johannes sin heimegard, som han i realiteten tok over så tidleg som i 1923.

I over 60 år var ho såleis tanta vår og eit fast haldepunkt i vår barndom. Det har ho vore sidan.

Ho fekk eit langt og rikt arbeidsliv med hus og gard. Dertil var ho uvanleg flink med hendene, veving, hekling, brodering og andre ting. Til henne kom vi når noko stod på.

I 1959 flytte ekteparet, saman med einaste sonen, til Hjørungavåg, der dei kjøpte seg hus. ...

... lengta heimatt til «barndomens rike» på Helgeland. Takke vere sjukeheimsstyraren og personale hennar fekk ho oppfylt ønskjet sitt. Ugløymande var det å vere vitne til besøket hennar på Alstadhaug kyrkjegard, der foreldra hennar kviler, og attersynet med slekt og landskap i Hysvær.

No har ho også fått oppfylt sitt andre ønskje: Å få flytte til dei evige bustader.

Kjære tante, vi unner deg kvila i Jesu namn.

Ingebjørg Wolsdal

Signe Jensok vart gravlagd frå Hareid kyrkje 13. oktober. Organist Rolf Grimstad spela eit orgelstykke som innleiing på høgtida. Res.kap. Dag Håland stod føre den rituelle tenesta og heldt talen utfrå Joh. 9, 4-5: «Så lenge det er dag må vi gjere hans gjerningar som har sendt meg. Det kjem ei natt då ingen kan arbeide. Medan eg er i verda, er eg ljoset for verda — »

Desse blomane vart lagde på båra hennar:

— Ein bårebukett frå søstra Olga Jensen og ein krans frå søstra Konradine Paulsen, ved Henry Jensen.

— Krans frå svigerinne og tante, ved ...

Informasjonskveld om Afghanistan

Mohammad Tariq Baryali, ein av dei 10 afghanistanarane som bur på Hareid Hotel og som no inviterer til informasjonskveld.

27. desember 1979 invaderte russarane Afghanistan. Sidan har afghanistanarar i eksil markert denne dagen.

Førstkomande tirsdag vil dei 10 afghanistanarane som no bur på Hareid Hotel invitere bygdefolket til ein opplysningskveld om heimlandet sitt. Dei vil fortelje gjennom film, bilete og samtale om kulturen sin, kva som har skjedd og kva som er i ferd med å skje i heimlandet.

Idag er det omlag 5 millionar afghanske flyktningar. Ein del av desse er på stadig flukt i sitt eigeland. Dei som bur her i bygda måtte rømme frå landet for 3 månader sidan. Tilstanden har altså ikkje roa seg sjølv om russarane har byrja tilbaketrekkinga.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

FREDAG 6. JANUAR 1995

reportasje

11

Fører kamp med pennen

DAWAT

- Jesus ville ikke tifte noen religion

Slakter boka om skogfinnene

Akershus

NR. 5 - FREDAG 6. JANUAR 1995
LØSSALG KR. 8,00

ROMERIKES BLAD

Tariq byttet gevær med avis

Afganske Tariq Bazger kjempet med våpen mot den russiske okkupanten i hjemlandet. Nå fører skedsmosokningen kamp for fred gjennom sin egen avis. Avisen har 2.500 abonnenter i 40 land.
SIDE 11

Birger med grovt skyts

Museumsbestyrer Birger Nesholen angivelig slakter Asbjørn Fossens bok «Historien om de norske skogfinnene». Birger Nesholen er bestyrer ved Grue-Finnskogens museum i Svullrya, og han regnes som spesialist på finneinnvandringen.
SIDE 11

Kari på hjemme-

Volvo-kontra til Dyno Cipa

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال۲۰۰۰م

(c) ketabton.com: The Digital Library

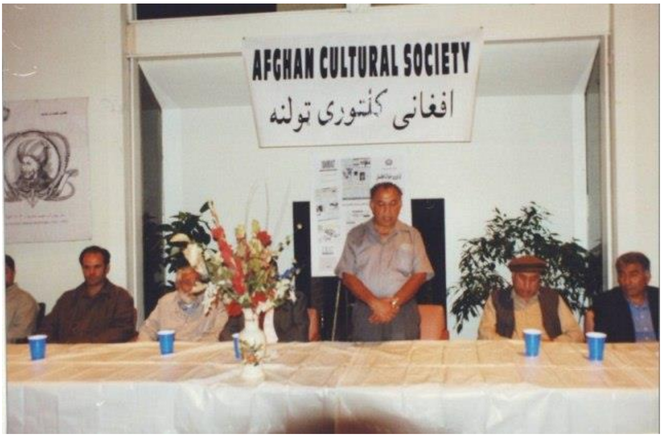

(c) ketabton.com: The Digital Library

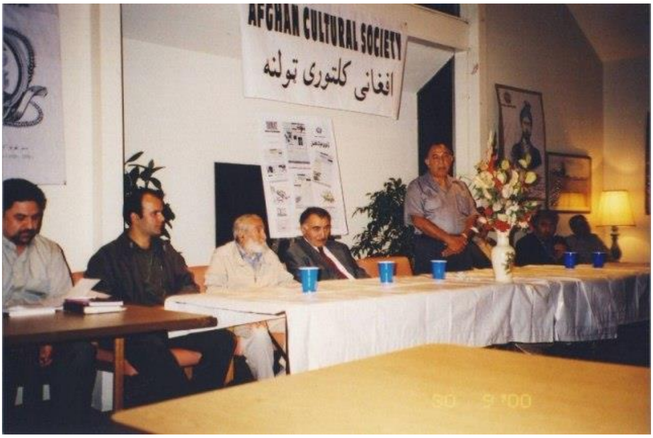

(c) ketabton.com: The Digital Library

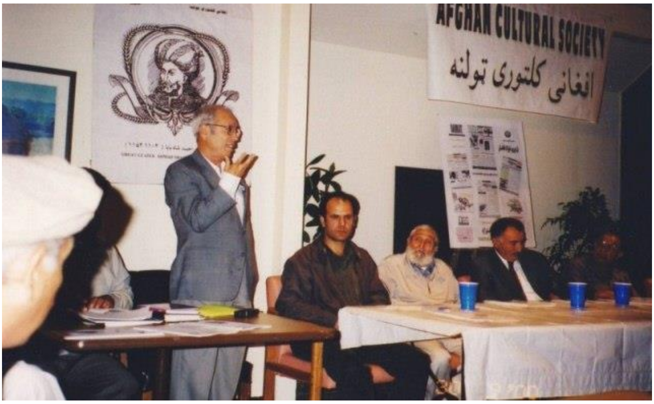

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در برنامه ی تلویزیونی
ستاره های درخشان ادب و هنر

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

در گزارش تلویزیون ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستايش نامه ها

پیل د بېښونکي څښتن تعالی په نوم

ستاینلیک

سویډن کې د زلمو پاڅون ټولنه د ګران هېواد افغانستان وياړمن فرهنګي شخصيت او توښيالي ژورناليست **ښاغلي محمد طارق بزګر** ته ، د هغوی د نه ستړي کېدونکو خدمتونو په درناوی دا ستاینلیک ورکوو او نوموړي ته د لا نورو بریالیتوبونو هیله کوو.

نېټه : ۲۰۱۱.۱۲.۱۰

پته : ستوکهلم سویډن

I Guds, den Barmhärtiges, den Nåderikes namn

Diplom

Föreningen Zalmo Pason vill härmed tacka Herr **Mohammad Tariq Bazger** för sitt stora engagemang och outtröttliga journalistiska arbete. Vi känner en stor tacksamhet och ser fram emot nya framgångar och önskar honom all lycka med sina framtida projekt.

10.12.2011

Stockholm, Sverige

لاسلیک

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغاني کلتوري ټولنه
شمالي کلیفورنیا، امریکا

Afghan Cultural Society

نېټه: د تلې اتمه ۱۳۷۹

منن لیك

قدرمن هیوادپال ښاغلی محمدطارق بزګر

څرنګه چه تاسو دیوغښتلي هیواد پال په توګه په تېره لسیزه کې دهیواد ملي کټې او کلتور د ژوندي ساتلو په لار کې نه ستړي کیدونکي هلې ځلې کړې د ښلي خوا د ګډعوت" زرینه میاشتنی خپرونه مو د یو ځلانده ستوري په توګه دافغانستان دمطبوعاتو په اسمان کې روښانه سا تلې.
دادی افغانی کلتوري ټولنه ستا سو د دې سپیځلې خدمتونو او ستاینه کوي اوکور ودانی درته وایي.چیله ده چه دا کلتوري پاځون ترپایه تعقیب کړي . دلوی خدایه در ته په دې ملي خدمت کې بري غواړو.

په درنښت
پوهاند ډاکټر شاه ولي تراکوزی
د افغاني کلتوري ټولنې مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

دلوی خدای (ج) په نامه

IN THE NAME OF ALLAH

دوستی فرهنگی ټولنه

دوستی فرهنگی ټولنه

Cultural association of the friendship in Malmo of the Sweden!

دسویډن هیواد د مالمو ښار د دوستی فرهنگی ټولنې له خواه

Mis/Mr.

تاسو اغلې / ښاغلي طارق بزګر

Our association worthy of appreciation your
Excellent cultural activated
For Afghan people out and inside of Afghanistan

د عفو فرهنگی هڅوله کبله ستاپل کیږې چې
په افغانستان کی دننه او بهر مو تر سره کړیدی

We wish more successfulness for you.

ستاسو دلابریو په هیله

Thanks
Habibullah Ghamkhoor
President of Cultural association of the friendship

په درښتیت
حبیب الله غمخور
ددوستي فرهنگي ټولني مشر

دوستی فرهنگی ټولنه

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

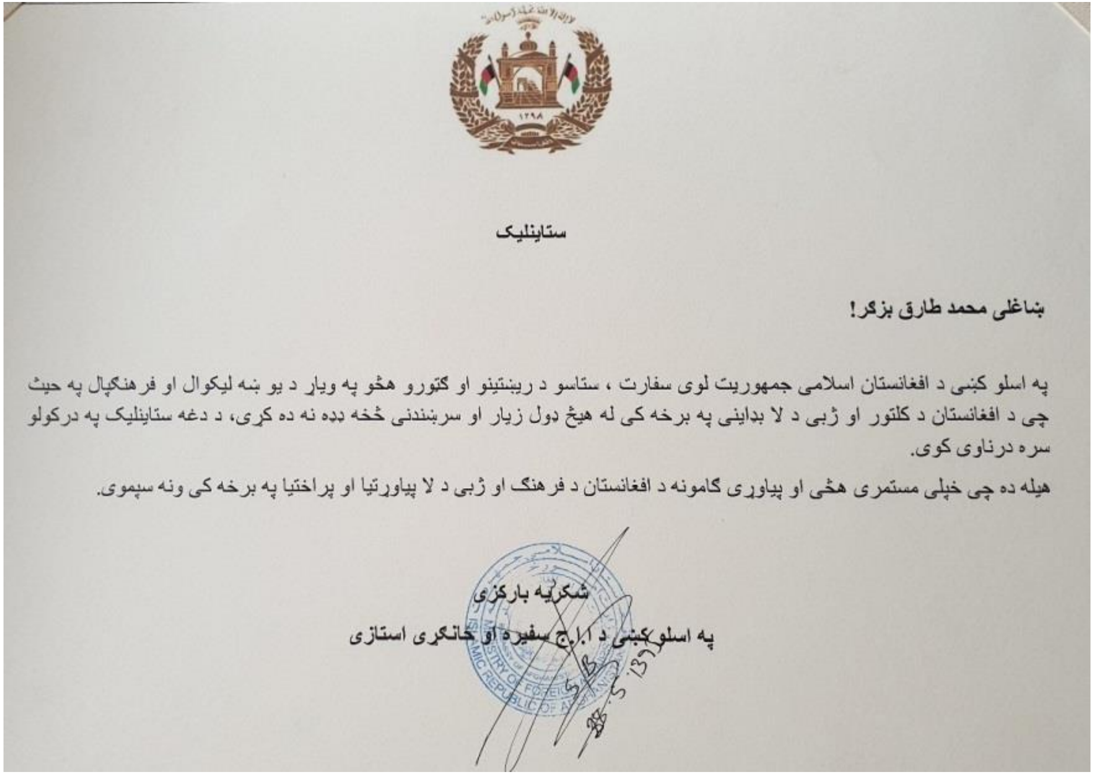

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښی د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ریښتینو او ګټورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چی د افغانستان د کلتور او ژبی د لا بداینی په برخه کی له هیڅ دول زیار او سربښندنی څخه ډډه نه ده کړی، د دغه ستاینلیک په درکولو سره درناوی کوی.

هیله ده چی خپلی مستمری هڅی او پیاوړی ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبی د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کی ونه سپموی.

شکریه بارکزی

په اسلو کښی د ا.ا.ج سفیره او ځانګری استازی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښې د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ریښتیلو او ګټورو هڅو په ویار د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بډاینې په برخه کې له هیڅ ډول زیار او سربښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په ډرکولو سره درناوی کوی.

هیله ده چې خپلې مستمری هڅې او پیاوړی ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموی.

شکریه بارکزی

په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړی استازی

(c) ketabton.com: The Digital Library

پنځم څپرکی:

د دعوت نوستالژی

(c) ketabton.com: The Digital Library

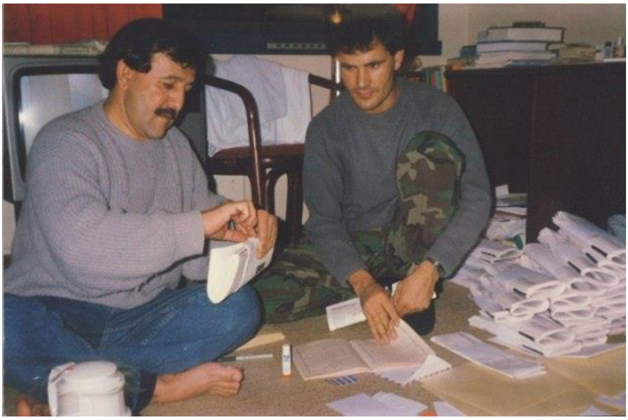

(c) ketabton.com: The Digital Library

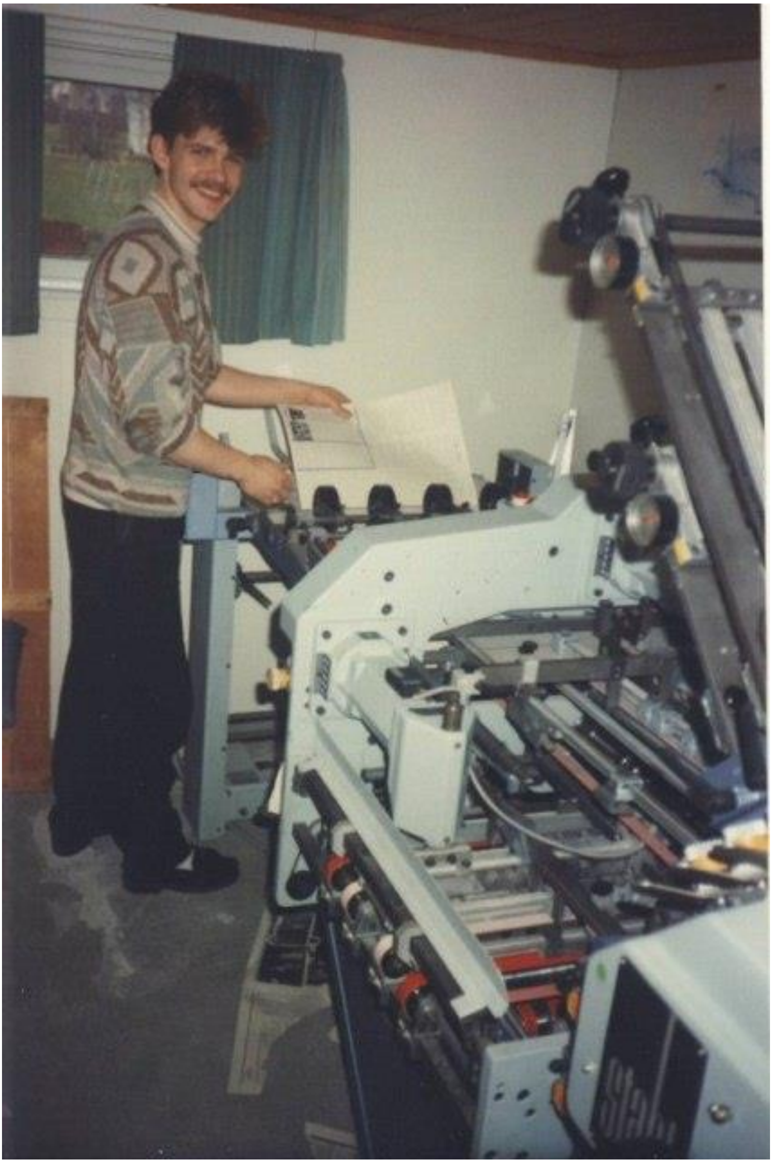

مسوول نارویژی چاپ نشریه ی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

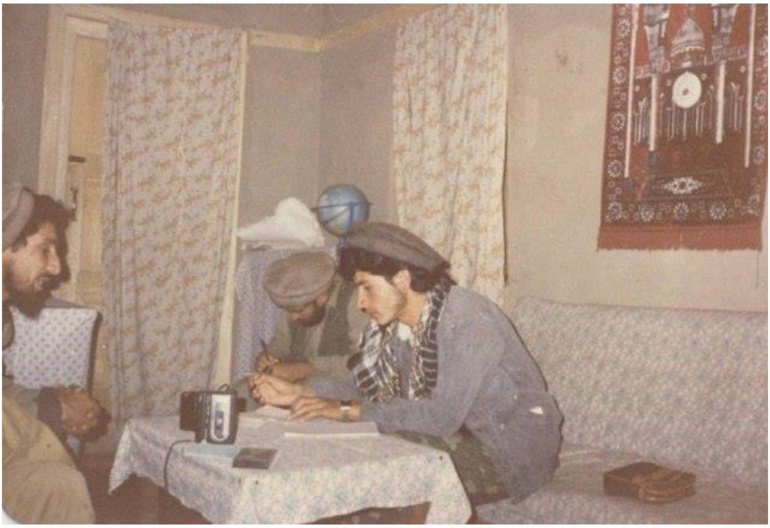

گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود

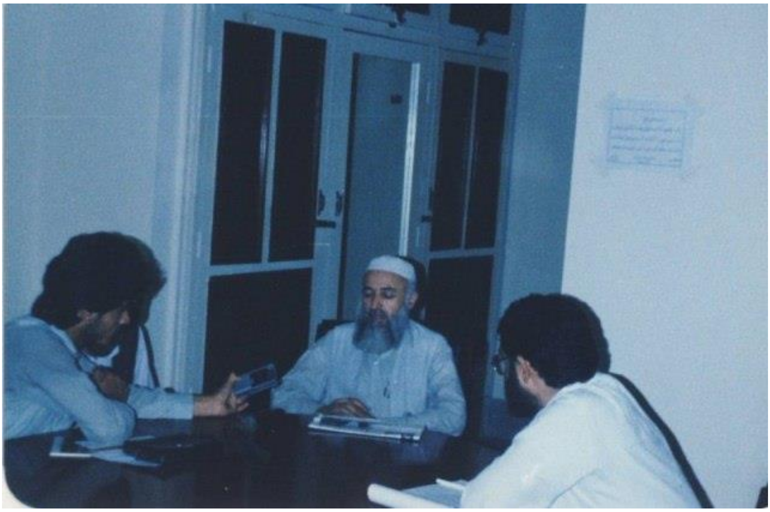

گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

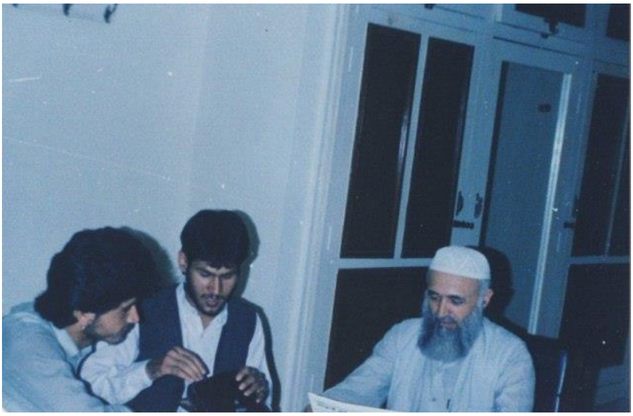

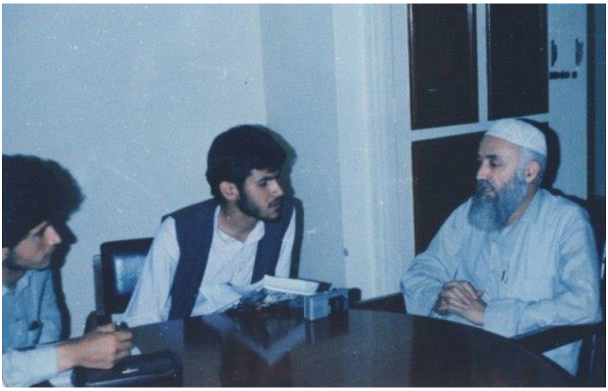

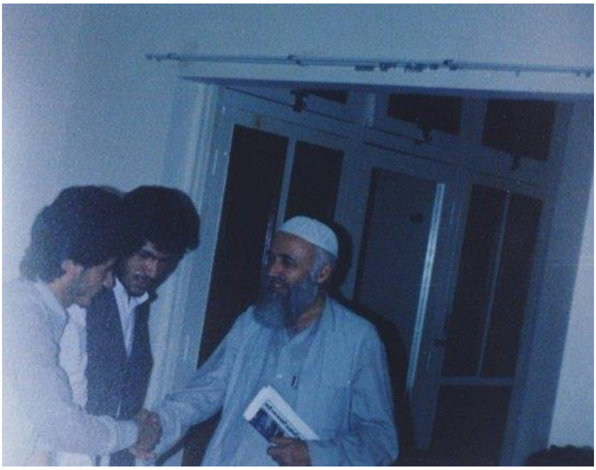

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم علی احمد خان پوپل

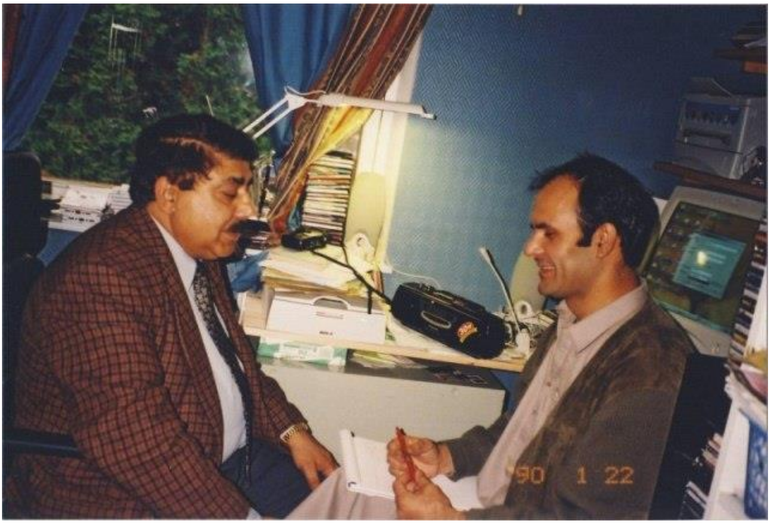

فاروق میرنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

الحاج فضل الکریم فضل

(c) ketabton.com: The Digital Library

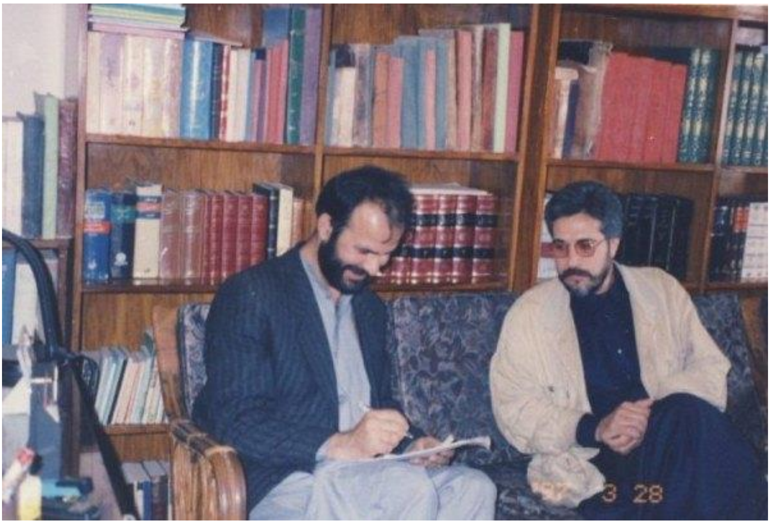

سید اسحاق گیلانی

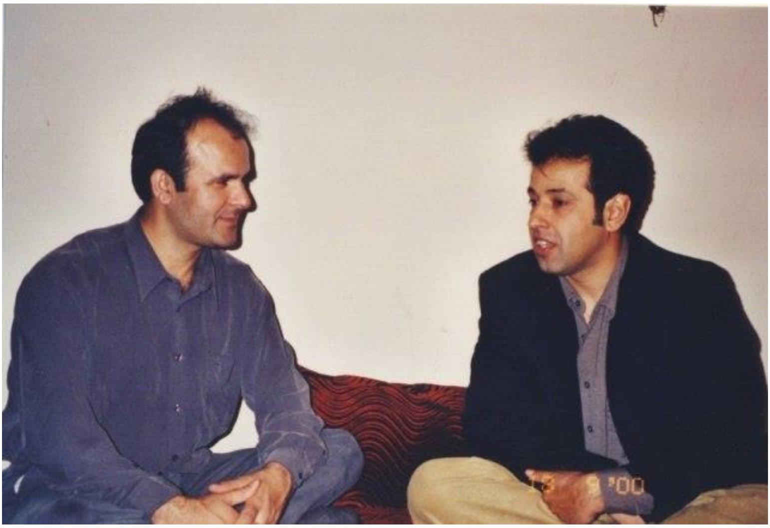

خالق عزیز

(c) ketabton.com: The Digital Library

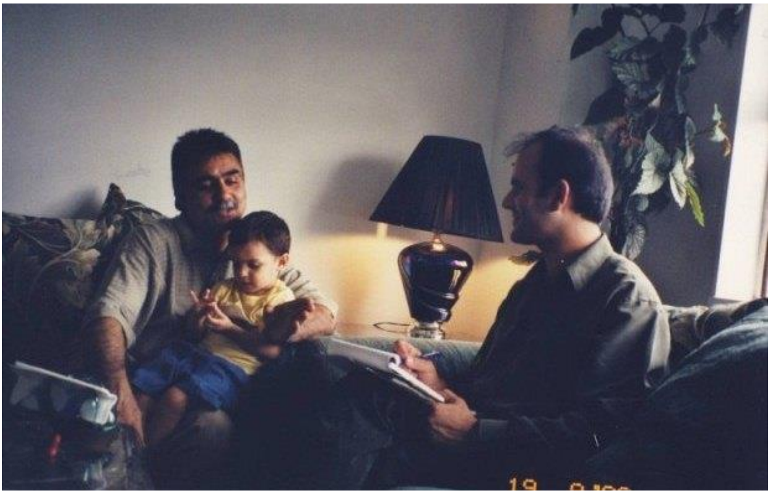

لطيف جان بابی

محمد گل دیانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

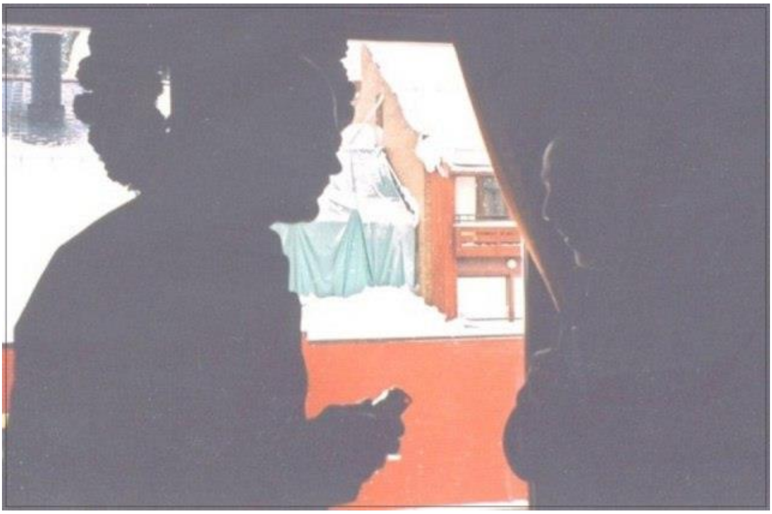

حامد کرزی

شینکی کروخیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

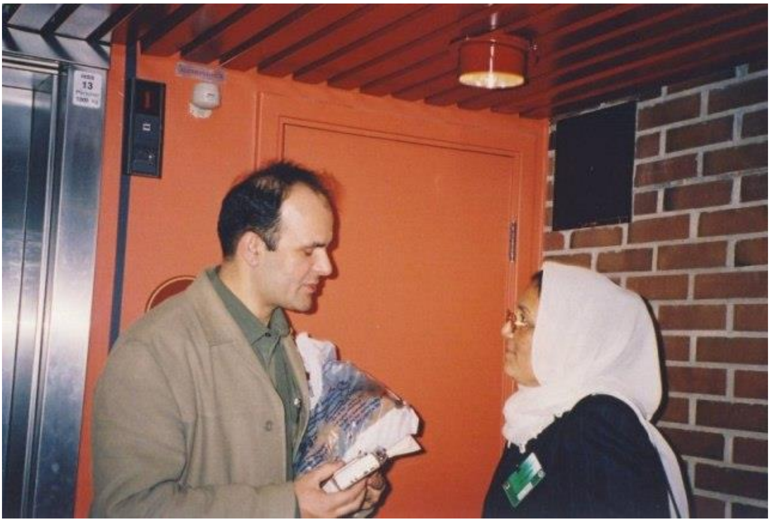

حبیبه سرابی

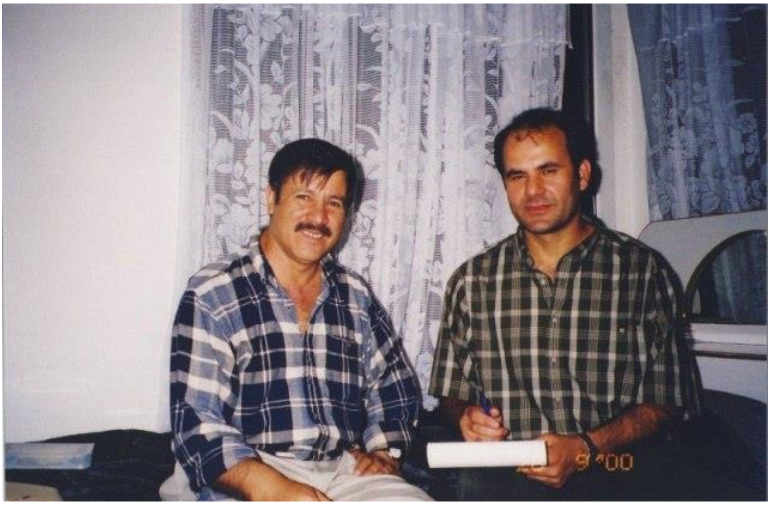

زمریالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

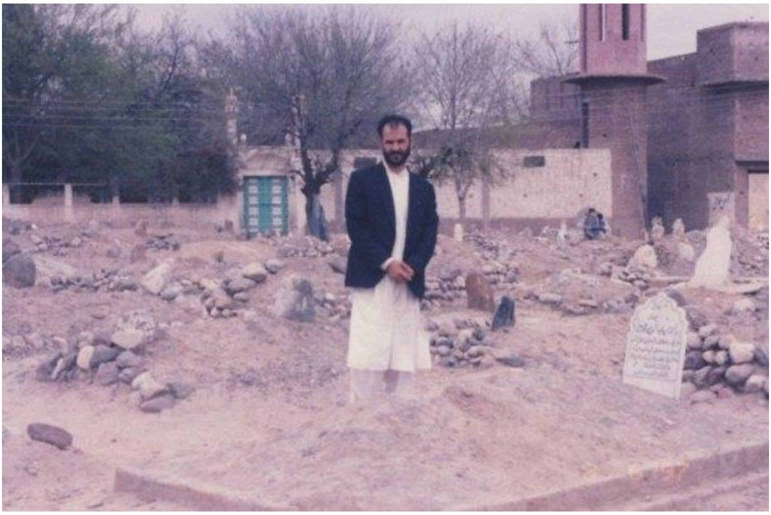

پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدین مجروح

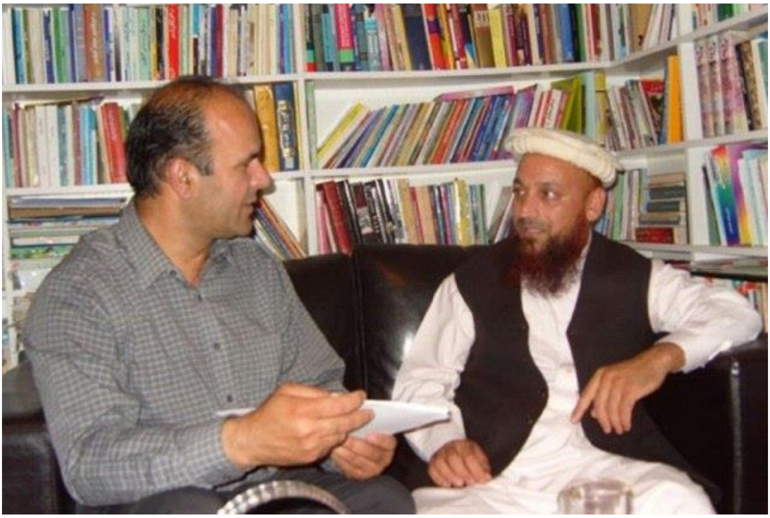

ساپی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کبیر ستوری

بی نظیر بهوتو

(c) ketabton.com: The Digital Library

داکتر فرید بزگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

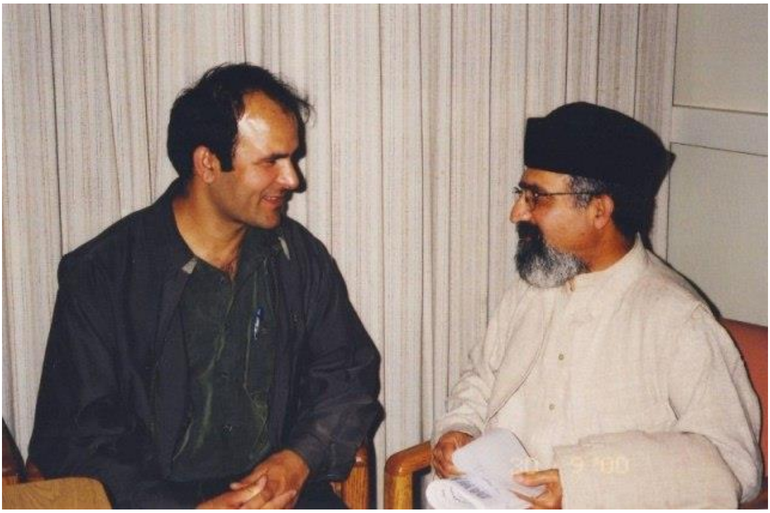

داوود مومند

(c) ketabton.com: The Digital Library

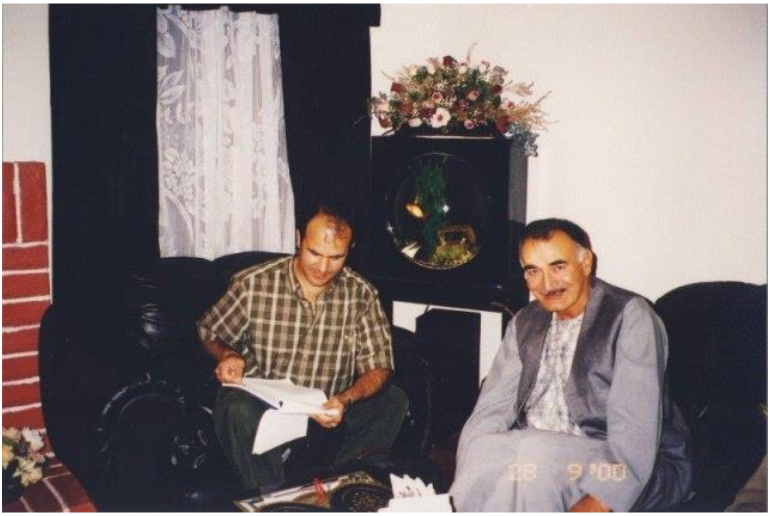

داکتر عبدالقیوم کوچی

داکتر نبی مصداق

(c) ketabton.com: The Digital Library

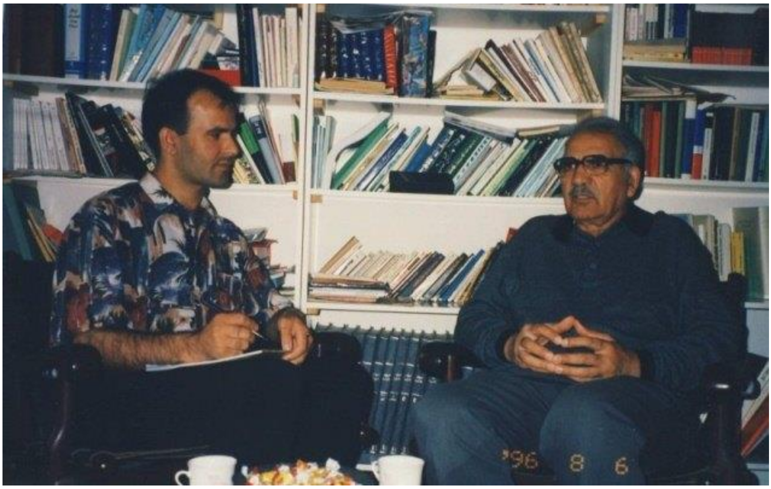

مرحوم داکتر عبدالصمد حامد

هاشم زمانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

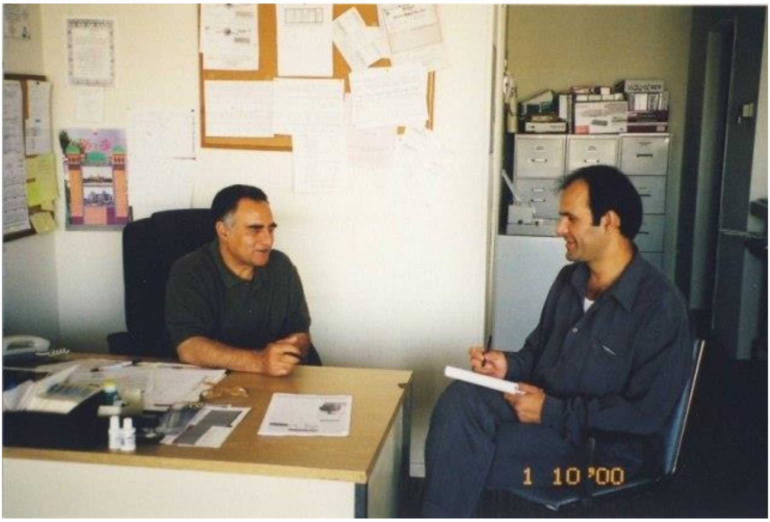

عبدالله مجروح

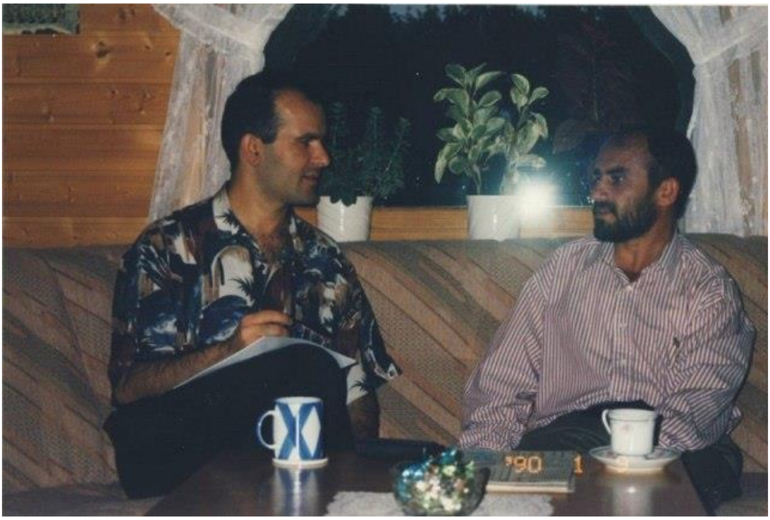

شينوارى

(c) ketabton.com: The Digital Library

سراج الدين منگل

ريود ليبور

(c) ketabton.com: The Digital Library

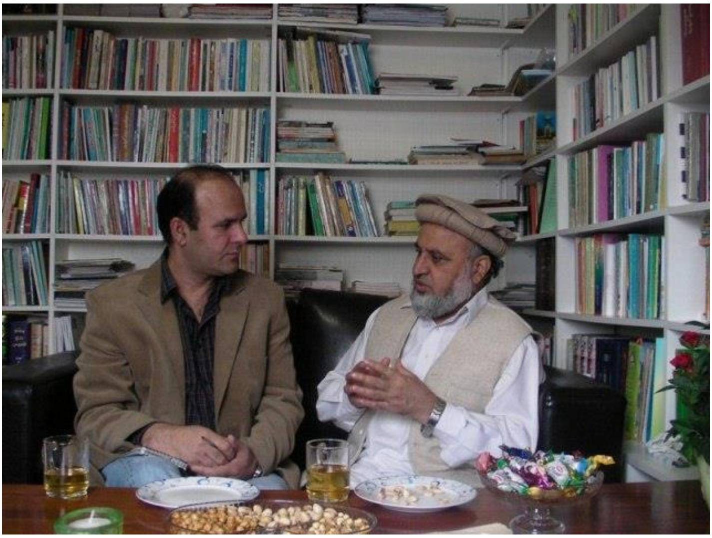

سيما ثمر

(c) ketabton.com: The Digital Library

شپږم څپرکی:

د انځورونو البم

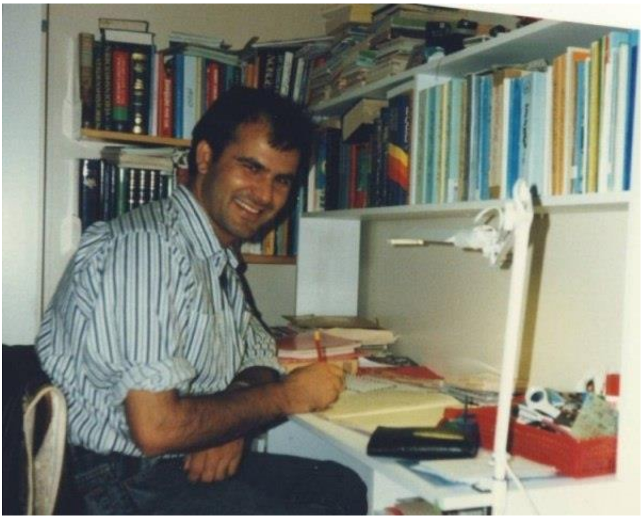

(c) ketabton.com: The Digital Library

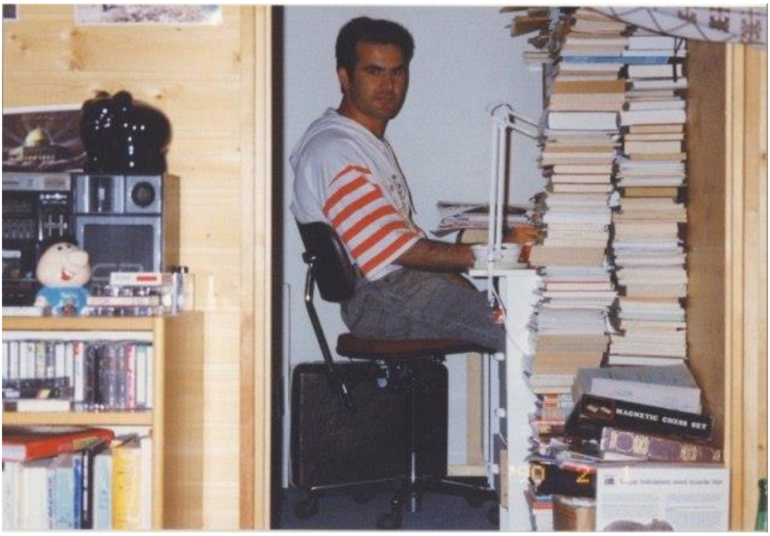

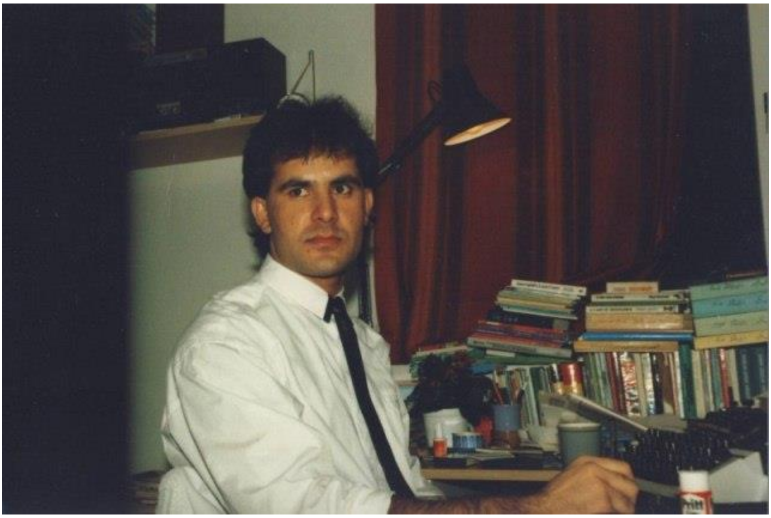

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

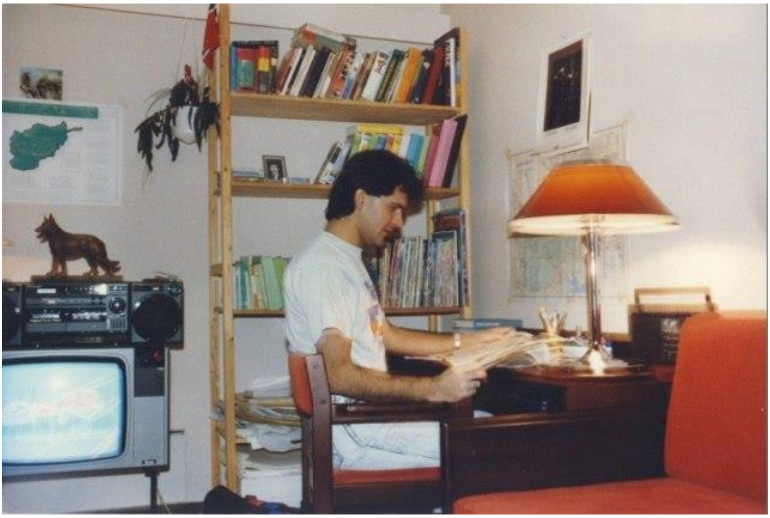

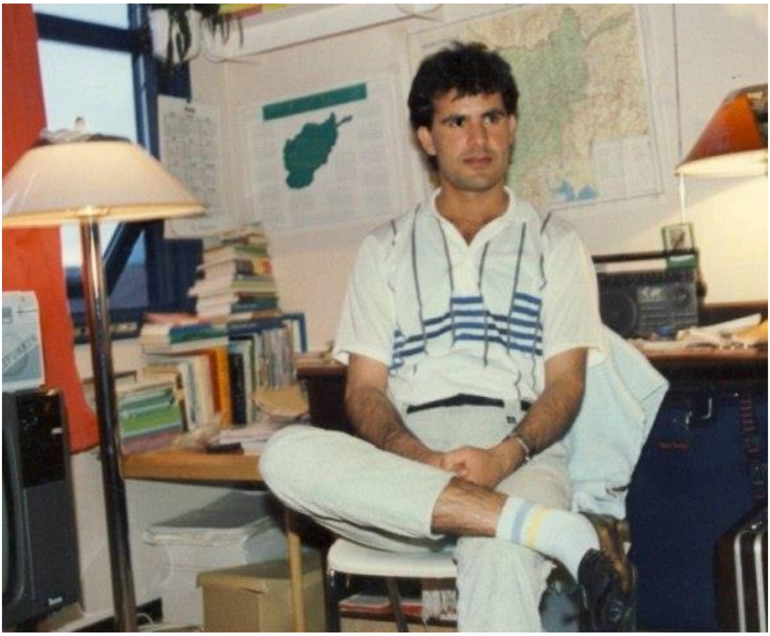

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

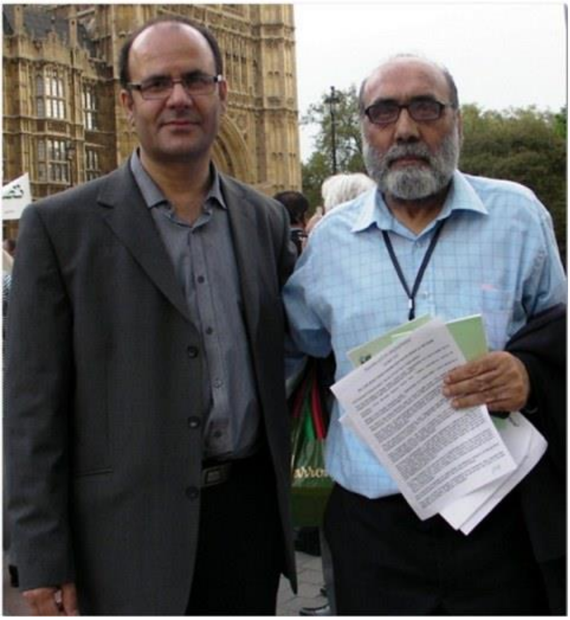

غلام محمد زرملوال

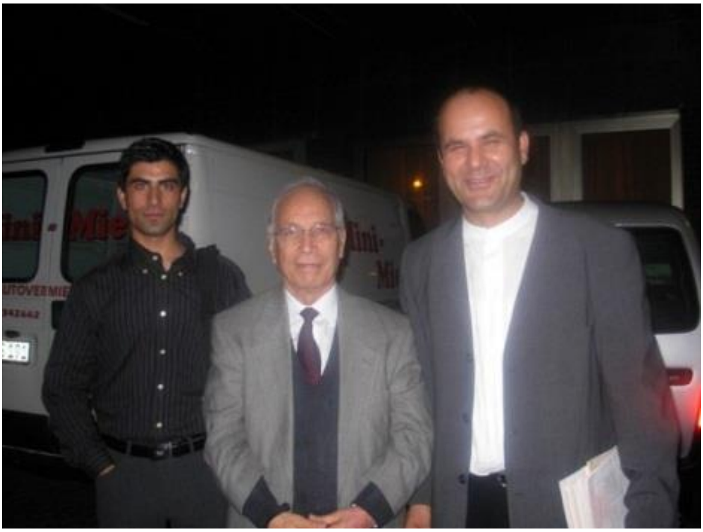

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

(c) ketabton.com: The Digital Library

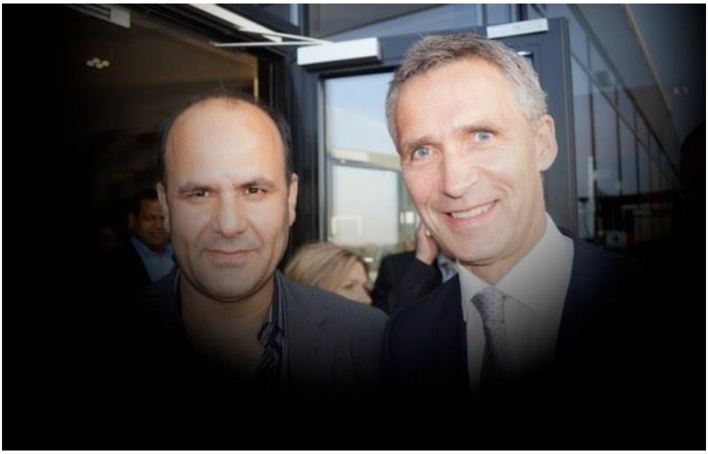

ستولتنبرگ

سفیر امریکا در ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم عبدالصمد حامد

باندویک

(c) ketabton.com: The Digital Library

از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری

ادوارد جیراد

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:
عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون«۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «پول افغان»، وب سایت «پول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».
آفرینش های کاری- فرهنگی
برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:
۱- برنامه ی مستند تاریخی«یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۲- برنامه ی مستند تاریخی «آیینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.
۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.
۳- مرز و بوم (تاریخی).
۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.
۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.
۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.
۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.
۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی- اجتماعی).
۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط)- منتشر شده است.
۱۳- با زبان دری (تحقیقی- تحلیلی)- منتشر شده است.
۱۴- روزگار (نوستالژی).
۱۵- پاسخ (واکنش ها).
۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
۹- دریَ افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
۱۳- آرکاییسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

۱۱- مشی «تحریك ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.

۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.

۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.

۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها

کتاب ها و نشریات:

«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواك؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالك قادری).

فلم ها و برنامه های تلویزیونی:

«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی »همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).

تاییدات فرهنگی- مدنی:

- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

(c) ketabton.com: The Digital Library

National mission

By:
Mustafa Omarzai

ISBN: 978-82-691395-3-2

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library